

۶۷

نشریه امنیتی نظامی

شماره ۱۴۵۳

در کتب و دست‌نویس
از اسرار و اسرار
در سال ۱۳۵۶

نشانی امنیتی نظامی

مهرماه ۱۳۵۶

مقدمه

و تقا!

اینک در این شماره از نشریه انجمنی تقاضای که در مرحله جدید و با مسئولیت
 گروه منتشر میشود، پیش روی شماست.
 بجای پرداختن به بحث در این باب، در اینجا میخواهیم دانستیم قسمتی عمل از جنبه
 داخلی مربوط به این نشریه را به عنوان مقدمه بیادیم. چرا که این بخش ناممکن
 تا اندازه روشنی از لطیف ضرورتها و جنبهها کنار آید که انت انت این سری از نشریه با
 محتوی مدرن نظر را الزامی ساخته، بیان نموده و به عبارت دیگر مسئولیتها را که کرده
 نشریه انجمنی در این باب ضرورتها و در تفرغ شدن این نیاز که بر عهده دارد روشن ساخته
 و از طرف دیگر وظایف ای را که بر عهده در جهت ارتقا کیفیت آن دارا میباشد
 بیان نموده است.



انت انت نشریه انجمنی تقاضای از چه ضرورتها و نیازها میبیند؟

این ضرورتها را به دو دسته میتوان تقسیم کرد:

- I - ضرورتها در عاکمی که در گذشته نیز اتفاق افتاده و این نشریه را الزامی یافت.
- II - ضرورتها خاص این مرحله و انت انت این نشریه.

ضرورتها عام را میتوان به عبارت زیر بیان نمود که در اخبار و وقایع انجمن
 تقاضای، تجزیه و تحلیلی جمع نموده و استخراج قانون نموده با حکم سبکها و ارتقاء این
 قانونها و در تامل نشریه را همایونی که بتواند نیازها را تا کنونی به زود با پلیس سیاسی
 راهبران و هماهنگی با روش و پیوستگی لغات و تا کنونی روشی برآورده شده
 و از این جهت است که در زمان ما در قبال ضربات نیروی کار پلیس و تقاضای

دستی بجز آنکه ممکنه بر ستم

دوم: ضرورتی در خاص بر صله ای:

در صله ای که جنبش الهی و زبان ما ضربات سختی را در یک به افیر تحمل شده است، در مرحله ای که تغییرات اقتصادی، اجتماعی جامعه تغییرات شخصی را در خط مشی میکند. اثر ترکیب ما و الزامات تکنیکی که جنبش الهی را در کفین در این بنی تصور ما جنبش زین گوشتی است) برای رسیدن به هدف نهایی خود باید بکار برده الزام آورده شده است. در مرحله ای که دوران انکودانته با از هر سو با حیره یعنی مانند و آنا و حواض یعنی آن حیره در سطح جامعه و پدید رسل جنبش الهی مشهوره میکنیم، در سطحی که زبان خود ما ضربات سختی را از زندان چشم بوزر داری یعنی در زندان بوزر داری. لیرالی که خود را در صنف زبان پروازی ما جازه بوزر داری، هدرده است و هدردهم آثار عواقب میآید، بگذرد که نقطه نظرات منوط آن خود و هرگز لیرالی که خود گوشت و کفین زبان در زمینه که در مختلف چشم میخورد، انت انت را شریک است یعنی نظای ضرورتی خاص میباشد که مسکن انفعال شخصی، آدرستی و فنون لیرالی، و آینه که در این ضرورتی را میداند ان ضرورتی، آینه را بزرگ کرد:

۱. ضرورتی را در تمام جنبش زین گوشتی:

بدلیل ضربات سختی که در پی در صله افیر بر یکدیگر جنبش زین گوشتی و آینه و طی آن جنبش متنی را بر ستم زین، مستعدترین و قدرترین عنصر گوشتی آن را در رفته اند و همچنین به دلیل تکرکز بر دیگر دشمن بپروسی سازمان با عنوان خطراتترین، نیزترین و متشخصترین نیز در مخالفی که در زمینه پیدا میجوید است همچنین دلیل وجود انواع گزایست احتمال طلبانه و بوزر داری لیرالی در سطح جنبش و متشخصترین زبان ما در این به بیشتر ملاحظه با این گزایست اینها میخاید، حقوق زبان از ضربات و ستمی که

۲۷
۲۰ - دشمنی و ایجاد شرابط مساعده در نامه های آن در این رساله به عنوان یک وسیله تاکتیکی جهت -

دستیابی به این شرابط مساعده و ویژه ای اجرا یافته کرده.

۲۱ - ضرورت اصلاح وضع آشفته ، غیر فشرنگر ، ناگیر و ... تاکتیکی است که در این نظر
که در این نظر این شرابط در یک امر افراطی و جهل داشته است . در مورد این این وضع
اگر چه ممکن بود با عوامل غیر از جهل فزاید وارد به سازمان ، اجناس تاکتیکی و
... داشته داشته ولی بخش مهمی از این وضع عوامل قابل اجتنابی نظیر کم نظمی
نسبت به اهمیت حیاتی و مورد نیاز بودن کمتر امنیتی - نظامی و کمتر درک کردن
تاکتیکی در جهل پسین و ارتقاء تاکتیک در فرمان و ... و کمبودی فراوان بود عدم احسن
مسئله ای از تحلیل طلبان فاشیستین در تلاش جهت محدود کردن درجه مسئولیت منقسم -
شر این شرابط را به عنوان داشته ، در چند ماه اخیر بوده است .

۲۲ - ضرورت گسترش و تقسیم بازه ای در زیر یک عیدند از آن است که برای بعضی
اصول ترین اجرائی این رساله ، در پی منتهی امنیتی در این زمینه ما با شما در مشورت
در هر طرف در شیرای عدم اجراء ضد ایمنیتی گذشته در زمان ما هستیم . وضع
آشفته و ناگیر و شرابط امنیتی در گذشته بود که از نمونه کار روشی بود در شیرای
در پی مسائل امنیتی - نظامی است .

۲۳ - ضرورت راستی و تاکتیکی ای که در هر مدنی ما را به سمت ایجاد کرده و
توجه در ~~وضع~~ مستقی سوتی داده و امکان ارتباط مستقیم ، فعال و هدفی را
به حد اقل ممکن که بین میدیم ، علاوه بر این است که در تمام زمینه که میجه زمینه ای
امنیتی و نظامی جهت انتقال خبر به یک وقت و در در سطح سازمان پیش از پیش روی
از آن نومی درون نیکوای از جهت شرابط امنیتی نظامی بگیم کنیم .

۵- در هر صفتی بدین جهت گیری است از هر یک از زمان بصحت جنبه کاسر، ضرورتی است -
 تا کنونی ای که در ارتباط با محیط کاسری میباشد (فاز در این محیط است) تا پس با عنصر بیرون
 صلیب تا پس با گرد و محاسن صفتی یا صفتی بعدی کاسری تا پس با گرد و محاسن صفتی -
 صلیب کاسر که در این محیط کاسر میباشد (لطیف در ارتباط در این امر با اهمیت پیدا میکند و
 متناهی تا پس با این ارتباط در هر چه بیشتر عین را با این محیط کاسر و حتی تا کنونی در این
 و با کاسر صفتی بطوریکه در این ارتباط در این صفتی و نیز در این صفتی در این
 و محیط کاسر را داشت. این است که در این صفتی و در این صفتی ای که در این صفتی
 با محیط کاسر میباشد، کاسر و در این صفتی و در این صفتی در این صفتی
 از ضرورتی است که در این صفتی و در این صفتی در این صفتی در این صفتی

۶- در هر صفتی ما نیز هم دارا این است تا کنونی ای هستیم و همین در این صفتی در این
 تا کنونی از پس عین صفتی هستیم در هر صفتی و در این صفتی ای که در این صفتی در این
 دارد به سازه آن ما و در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این
 وجود دارد. این اجسام هر چه از کیفیت و خطوط اصنی هستند که از این در این صفتی
 سازمان خودمان دیگر میدانند که در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی
 جزئیات حرکت می کنند بیشتر می شود و همین در این صفتی در این صفتی در این صفتی
 من این اجسام تا کنونی نیز یکی از ضرورتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی
 نظامی را از این صفتی می نماید.

اینکه آن ضرورتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی
 کاسر تا پس با این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی
 بیشتر است تا پس با این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی
 نام وقت و در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی در این صفتی

فصل اول :

رہ یابی علی تالکتی ضربات

درسی ضربات اخیر از دیدگاه تاقلی

مقدمه: سرخ کبر نقیب از سوره در برینه پیش سایر اوزان بهار
در دهه طی شش سال اخیر به اشکال گوناگون - و همواره تکامل و پیشرفت
در استفاده وی قرار گرفته است.

در سال ۵۰ وقتی در سخن از طریق تاقلی، الله مراد ایلغانی نخستین سرخ مالان
پیدا کرد. نقیب طرانی و پیر محمد مجاهد شهید نام صادق - و بعد هم نقیب
مرداقت و از این طریق به سایر اوزان یا تیارها دست یافت. ضرب اول شهید
نیمه این چنین بود.

عنی بودن و فشار آنگه مان - غیر مع بود نشان و صفت کتبی شد چنین
عانی می در افران نشان و کار آبی نقیب دست. با همی دست و بر سخن اجاره
می داده بخاطر آورده و بین تعقیب را در تار طرانی او را داده و صفت
هر چه بیشتر زایل آید می آنگه هر اس از هم گران کرده داشته شد.

حقی شدن تعداد زیاد از وقت پیر از ضرب اول شهید و صفت از میان رفتن
بسیار از سرخ درستی ضربه که اشکان سرخ کبر دست. از طریق آن و در دست
پیر از این دست. مفر حقی را در هر دو که در دو تار است و هر خط میقات
با از سر بودن سرخ تمام در دست بر زد. این صفت نقیب مفر حقی
و یکی که در اشکان از دست دست. سوره و کله سرخ کبر را به راه دست. در
ادان هفت زنگ کتیب در - مفر حقی - بیرون است بود دست. اشکان بر
بوتر کتیبی نس است و مفر بر اس از این سرخ ^{مفر} حقی در یک سوره
نقیب محدود و کتیب دست مفر حقی دست زد بهین صورت که در ادان آید.

۸
 وقت نام سه دانی علی از غنا مرعفی سازان - فرالد اسماعیل زاده - والوسی (کده)
 نزل اورا در سر قراقرز با سجاد شهید رسول شین خان نقیب می کنند. پیر از انام این
 زاده دشمن اسماعیل زاده را دشمن نقیب شهید شین خان را - که مفتی و غیر
 صلح کرده - ادا می دهد. از این نقیب خان با یو بیاهی شین خان رسیده و چند
 ساعت بعد - با قیام علیه عناصر هر دو در آن مجمع بود - را دشمن می کنند.
 نزد تکان یافته تر از نقیب و نزل را در ابدت سال ای می بینیم. دشمن
 بدت چند روز و غنا شهید حبیب رهبر و رهبر رضایی را تحت نزل می برد
 و در همین بدت از آنجا در سر قراقرز - در چینی شهید بهرام اکرام مکر می خورد.
 در صحنه این جریان دشمن بر نزل در آنجا که دشمن از چو سر می نقیب رفتار
 شروع کرده است. چون نقیب دشمن تر نشد. دشمن است و احتمال زیاد می توان
 گفت وقتی وقت سر ترجمه چون شده و در دل خود در پاک می کنند دشمن ایوب دیگر
 را همراه عناصر که رفت را در خلال نقیب مشاهده اند در نطفن تردد آنرا که به
 هم در خلال نقیب مشاهده شده و وقت می دهد و در این جریان دشمن شهید بهرام
 رضایی دوباره از گردان دشمن برخوردار می کند. در رنده دوم دشمن می خورد. یک
 روز نیز از دشمن بر او دشمن رهبر نیز ایوب را برود کرد. و شهید می خورد.
 در از این جریان دیگر نامتی نزل از نقیب عناصر مفتی در بدت نذریم. در
 واقع پیر از این ضربت - از نیکو در بر می آید همین و تا کتب امر نوبی در می آید
 که دشمن در آن بلع از تا کتب نیز در تجا دشمن فارغند اما نقیب کند و البته
 نقیب را - که نسبت به امر و بیجا ابدت می برد - دومی و بینم و به رقم به مع
 بودن ایوب را احتمال راست ظمرا سر بر دشمن را در آورده و از تره حاج نوبی

نیت از ادای ای به دست مؤلف محقق و رسیدن به صفت حقیقی برادر از عمل
میکنند. این حاضر شدن نسبی بین قدمت آنست و تا کتب (برادر سخن در زمینه
تقیب و ضد تقیب است.

از بین راننده ۵۵ دست. مفرودیه در باره اسباب ما دارد می کند
آن البیب هم رکنی است در حد این. مفرودیه در حد ما مانده که دست را ب
کام تا نیکی جلد می اندازد و از این دو در ابتدا اثر می آید این بابت عمل بنوم
که از آن جدا است و ششیر سیو تا کاران لغتی و رسیدن بخود در (المنه ۵۰)

مفرودیه با ما هدی سید ملی امر منظر حقیقی در حد رضایی و نیز عمده در دست
تقیب (از در بهت ۵۰) و ششیر این رفته بدون هیچ و دیگر تقبی و تنها بدل
ظن البیب هم رکنی صورت گرفته بود الزامات امین هدیه مفرودیه در زمینه دولت
در ششیر - بیشتر در مانده که با پنج صبح هم آن را انبیه که در قادی در سطح کتیار
فرود به دست برقرار کرده. رسالت فرستاد تا من کتیب.

در طول سال ۱۳۰۵، ۱۳۰۴، ۱۳۰۳ من غایب دست در فرود ما مانده
سید. قدیمی و دیگر از طریق سیو تا را کرده و در ششیر سیو تا در ده ای کتیده
سید بر شان و کت و از آن آنها در بر ششیر (و استاده از آن سر در ششیر و غیر
تقدیرت است

دششیر به غیره امر در ایط با مفرودیه و ششیر عزت شاهی و ششیر به ماهدین
سید کاتلم ذوالافواه. هر سمنند سنار. صدر حسن. و ... در سال ۱۳۰۵ و شهادت
رضی در سال ۱۳۰۲ عمرت عمده در می از این جوان هستند.

در طول این سال. تقدیرت البیب در کتبی نیز ادای داشته و در ششیر رضی

سال ۱۵۰۰ که غاصر دشمن از نظر آزادی علمی و تجربه تا کتب علمی و روح توحیدی در سطح پائینی
 هستند. تعقیب غاصر حقی و دفع رازیک خطرناکی می بینند که اجزای آن نام بر آن دارد
 خوش نمی باید ز راه غصیر و فرود. پس غاصر به سده توبین و سرسبزین راه - عمل اول
 بوده - تدبیر می شود. ولی به دو سال بعد که در خلال پراکنش ضد جنبش علمی اثر
 توان علمی تعقیب جنبش غاصر را تکب کرده است. تدبیر اسرار و یک را چندان
 با هم خطرناک نمی بیند و شروع تجربه آن در سطح محدودی می نماید.
 تا بدین نکته که در جریان تعقیب رهن صدقیت سادگیست. تجربه و دست در فرغ
 خود برد. برخی از بهترین کادر در دشمن می نهند و در جریان فرود تیر تمام ستار
 پس که بهترین رهبر کتیبه و دلا و مملکت تمام است. استقامت و از نزدیک شریعت
 غاصر است. از نظر راهبیت حرمی این تعقیب را برار دشمن. لیکن یک قول یعنی در
 تمام سیره در ضد جنبش اثر نشان دهد.
 منافات و بر فرود بقا صحیح الزامی که دولت ایبب از نشی بر منافس می گردانیم
 دولت از محلی که محدود کردن دولت است. استناد از تعقیب مناسب و ... از یک سو
 محدود بودن ایبب (از نظر علمی) محدود بودن دانش من آنها و ایبب می بودن تجربه
 آن از سر و بر در مجمع است. صفت که با ایبب از علمی می توان گفت
 محدود کاری آنها در صفت خاص غاصر حقی (یعنی چوبت علی) در خلال سال ۱۵۰۰ راه
 شد. این نگاه می دشمن. با هر طرح نظامی که در خاک و در بیرون داد. در همین سطح
 و آنکه مستلزم صرف نیرو و زمان بود و در همین حال سایرین و سایرین از اجتهاد و سایر
 در سطح وسیعی ایجاد می کرد. بدین امید که بتواند از این راه نیز کمرشکن به جنبش وارد
 کند و به پیروفت.

با بیا به دو کتا را آنرا کت کنترل گرفته و آنکاه بر از رسیدن به ضعیف بر رد و کت
مسطه را که تجر در با ثناء ما کزیم است به با ثناء - و همزمان به دیر در کت
شده - همه می کند -

۲ - اخذ این یکی و کتفی الیهما رشتی گفته:

در سال ۵۴ ش هه افزاین کمی و کتفی الیهما رشتی و کتفی کنترل در ضعیف
از بر آنرا بخنجر در دستهای به عناد ضعیف هستیم. از این رو در کتفی در طول ۵۳
تغییر یافته هیچ ضعیف از این محاط نخورده ایم. در سال ۵۴ در پنج مورد در کتفی ضعیف است
استقامت در رابطه با کنترل در ضعیف بنی این الیهما (پوده است).

دستگیر فایز. فین در فوی در فروردین - شهادت رفیق ساداتی در
ادبیت - دستگیر و فایز شهید افزاین و فایز در سردار ماه - شهادت رفیق
رفیق پرورد در فایز رفیق شهید آرام (در فایز خیابان نیوا) در کتفی از راه و شهادت
رفیق داد در او از سال هفتی در رابطه با کنترل در ضعیف بنی الیهما در کتفی حوریت
گرفته است ضعیف کتفی در کتفی در سال ۵۴ خورده ایم در این روابط خلاصه میگرد:

۱ - فایز: گروه ۶ نفره هین: رفیق حین سبحان اللهی

۲ - فایز: سیاحتی را کرده: رفیق شهید فاطمه اسینی در صلوة رضایی

۳ - لو دادن که اضافه عدم رعایت تا کتفی در اولیه موجود در

→
۴ - ولاد در پیشتر شعار را در داخ و در ضعیف کتفی استوار می باشد. کتفی
در هر دو کتفی رفیق شهید (در کتفی) در مصاحبه و در کتفی (کتاب) از همه بر سر فرود
فرود آمد در سال ۵۴ در کتفی را نیز بر آرد در کتفی

مقاصد منی رتین حفا منی و دستگیر رتین سُمید مسر بطحایی و دستگیر رتین طریق اولاد
 این بود طبقه بند بر ماده از فریات ماورسان ۵۰۰ منظره از در اسب
 منفر سطر آوه نطق منفی است که از آنجا فریب فرود نام . باور سرفوق منفر بود
 فریات ما از ناصیه هیچ نالنگب ناشافه از ۵۰۰ قوجم آفر اولد شد ندانسته باشم نیست
 منفا کتبت بقاصبه در این فریات . از این کار کایم ایوب کار کتبت است . وی ما در
 میزان نیر در عظمی ۵۰۰ دستن . بر سر این کار مترکز کرده است باز هم فریات ما از این
 قاطب نسبتا کم است .

فریات رتقا رتدای نیر که منقبا در رابطه با منفر ایوب کار کتبت باشد بیز از
 منقل نیر که در رود و منقا ر سُمید معدوم حفا منی و در منی از این قبیل بود و اینها در مجموع
 در دستن منی دهده ایوب کار کتبت . بیزه در سرورده انکار کایم ناصیه داشته و
 در م وارد آوردن فریات کر شتن بر زبانها را منقلا می نیت . از این بود که
 ناصیه بار ۵۰۰ نیر در منی با بجا منفر کردن در ضیاء منی ، عموما بر سر کار پیچیده نیر
 ناصیه بر اندام تر مترکز می کند .

باور منی از منفر منی

طبعا "مقاصد منی" بودن این فریات بدان منی نیت که مثلا مستقی از انقباضات
 منقشی رتقا صورت گرفته و این انقباضات منقشی منشا ایدر لرز منی ندانسته است . در
 درک و انقباض در منقاصد منی بر سر اصحابی از فریات منقاصد منی در آن نیت که در فریات
 منقشی ۵۰۰ نیر به شکیب نفاست . و دستگیر رتین بطحایی شده در بار ایدر لرز منی آنها
 کتبت که در این فریات را که در صد مقاصد در آن خلی با لالت نیت این عنوان منفر نیر در
 ما در کتبت در فریات منی نیت .

مسیح استفاده می کند تا احتمال گفت شدن کنترل را - در کیفیت از دست رفتن
 سوز - تحریف دهد. در واقع دست بر سر کیفیت در زمانه در از دست رفتن
 نیز - از کیفیت در محدود بر منی و وارد آوردن ضربت بر آنگاه و محدود که
 کیفیت بر نه در از دست رفتن را بخاطر اندازد خود را در می دوزد. مسیح را بیشتر می کشانند
 در دردی که بر خیزد و در وقتا نمی دانیم و در می از چه سرخ تا سرخ در چه طهران
 در دست را شروع کرده (۱۱) آید از طریق رابطه آنجا برده پس و نیز سنتم و ...
 یک نکته را می توان یاد آور شد آن تا در گذشته می در دست و دست خدای
 است که نشان هر گونه رخنه و سرخ گیر را بیشتر می دهد. سگ از ظاهر زن بر
 آنگاه منی تهران (در سال ۱۵۰۵) علیه هم در رابطه آورده. آنگاه در سدی
 می در این زمان و بهتر از هم. چه یک نامی می نشان! اوستا مات
 در یکی در چه یک را شغز (در همان زمین می برن) و یکدیگر از می بر منی خان
 تپا می قزوی، سه نوزشان از همین عناصر فوق بر، بر نوزده صفات فن اندر
 آنگاه می می چه یک نامی می و ... (۱۰) اما بعد از اوطا را را بر نوزده که ام سابقه یک

(۱۱) - در ادای آوردن بهجت ما، منی بیدری از چه یک نامی بیشتر می شود تا هم باقی می در
 باقی می در آن (۱۰) تمام تحریف می کنند و می در نوزده که در اوقات باقی می بینند با این قدر
 در دست می در نوزده است و از ادای می بر نوزده باقی می بیدری از دست در نوزده که در
 در ۱۵ بهجت منی صندریا شغز (۱۱) در دست از طریق شغز منی بیدری و باقی می در
 شغز در آنگاه از دست کنترل می بر می در این باقی می کنی از سرخ در دست و شغز
 در سرخ آورده است.

معیار و وقت داده از نزدش را بخت و در این باره خود هر دو روح عاقل نسبت را نیز
بسیار خود کشید.

در فصول ضربت اردیبهشت تیر ماه و نیز تاملی بر انظار تیر ماه رفتارندایی
شده در شیر در فرادین همین ولایت می آید. در گوشه گفته شد بین خود روان دکن
و این رفتار در می دهد. این ضربت در حقیقت تا حد ادامه همین همان چنین بود
بسیار و نقیب بوده باشد و تا همین بخش اعظم آنرا که ظاهر آسانی تصادفی داشته
و وقت را در همین اجراء قرار وقت در شهر تمهید ... بیام انداخته باید در ابطار
و تیر ممت:

در شهر تیر ماه اردیبهشت ماه رفتارندایی عمده نیز در این باره در همین کنترل
و نقیب نیز در وقت و از آنست که در فیه در این شهر است که است و اوقات مستحق
این ایام در برابر دستگیر و غافل و نظنون بخت کنترل در مرکزیت محدود گفته. از
قرار داده (در حق) چه بر آمده این است (واقف کرده است) تا بعد از اتمام تصادف
و پیوسته این ایام در دستگیر و غافل نظنون ۲۰ پیوسته در جانب و در برابر نظنون
توجه بر کل سینه تصادم کرده در از دست رفتن سوره ۱۰ یا بجز افتاد کل طبع
نیز شده (پیر از ضربت اردیبهشت ماه که در ۱۰ کار و بیکه استند کرده می بیند ارد)

(۱) بخت ایام در فیه: خود همین اثر اندام عمل در یک عنصر نظنون نباید
که از آنجا که بخت بوده و در تیر ماه در این کنترل است. این اندام بخت می شود که سوره
سرخ بودن خود را از دست بدهد علاوه رفتار هم با شاهی و در رفتار در خانه ای
این سوره با نجا و وقت و آمد سگ کرده است سرینا اندام تمهید می نماید در همین صورتی

چون مد عمیق بوده دست تری ضربت هم نه استند همچنان آنان را در اقیانوس
 دست جنبش باز کند و بر آن دارم که با ای سردست بیشتر با این جنبش بر فرد کوه
 بجا بر دافتر. هر گاه که کار به خود نماید و خود ستودن از این دفعه مردم صداقت نسبت
 به مصالح خلق و جنبش را به هر چه تری و دعوتی تری شکلات سازین خود
 مجلس و شافت محبت ضربت بر دارند. از این پس دیگر اقدام محدود رژیم بود بوی
 یک تجربه را همان کار که بعداً خواهیم دید که در مورد سازین ماهرترین دست
 نزد نشان می دهد که دستر. وقت خوشی را که چه حد هوشی را نه و بر این چنین
 شگفتی و عیناً در این چوب شام صفاقی است از سازین و دیگر سندی خلق و
 مردم و بلبل مردم این استراحت است.

در جریان این روزها و تقیبت محدود بر هر سازین و دیگر سندی خلق بلی
 شگفتی می شود و دستر. هر گاه که ضربت خود را از کانال البیب در کشی نماید

اینست بر سر تانگینی ضربت وارد بر سازین و دیگر سندی خلق در نیمه اول سال
 در این استراحت. فطرتی یکی دستر. را در بارزه به جنبش در نیمه اول سال
 خود بنی بر می کشیم:

پادشاه مربوط به جنبش
 (۱) - این امر صفت است که دستر استراحت را در بارزه ۱۹۶۰ - جنبش - در این مرحله
 بر این ضربت دقیقاً بر می خورد. و همین استراحت کرده و در نیمه دوم ضربت و الهده و عده
 تصدیق که عموماً شلی ماضی زدن و حرارت خود را دارند. یعنی ده و نه که دستر را از
 این امر به پیشتر یک فطرتی هر جانبی طرف داشته است.

۱- سرخ گریز از نزد مستقیم و غیر مستقیم، تا سر: سه یا چهار آورده و عصاره
شده شده ...

۲- نقیب و گستره سرخ گریز اولیه مقبدر رسیدن به گزیده دو سرخ چهار هدی
گشت یا شاهی، گشتان و سیر در خورد و ... (گستره گزیده در تمام یا گزیده گزیده)

۳- وارد آوردن یک فرجه شده به کلیه نقاط مناسبی شده

۴- هجوم ایب و گزشتن گزیده به ضیاء به مقبدر وارد آوردن فرجه در هنگام

وقت و تحفه و ...

این ایب که با استفاده از شفای که از قبضه زفا و سیر در خورد آن در هلال نقیب
کتاب کرده و گزیده گزیده از زفا تهیه نموده اند. در شب هدیه را شکر محدود و شفای شکر
که در محدود شده نماند شفی هستند و این شکر بدون محدود بودن هدف محدود بودن
شفای شکر به گشت از گزیده رانده کار آنها می شود.

بررسی علل تاکنیکی عزرات طرد برسان زمان ما در سال ۵۵

و کنون حفظ می گلی دشمن را در تنبیه به جنبش طوسان ۵۵ بحره بندگ کردیم
بر بر سر ضربت وارد برسان با حمله این صورت ۵۵ می برداریم

حسین حوره علی دشمن سرخ گریز بود و با گزیده طوق در بر سر سرخ گریز و در طوس
قرار داشته ایم که بماند از:

۱- از طریق تاسر با گروه را انجام دهه

۲- از طریق ارتباط مستقیم با گروه و پلی

۲- از طریق ارتباط مستقیم با گروه پلیسی :

رئیس شهید جلال دهقان که تا سر رسید به منفی باستان و است با گروه پلیسی
بر سر نهادن در ارتباط قرار می گیرد و از این طریق سر نخ به دست پلیس می افتد.

رئیس M در اردیبهشت ۵۷ ۵۵ میر از دستهای قطع ارتباط با رئیس دهقان تا سر گرفته
و در ماه شهریور ۵۷ معض می کند و ارتباط مستقیم خود را با او قطع می کند. در این زمان
رئیس M هیچ نمود شکلی نمی بیند که رئیس ES در سر او این قرار می گیرد. رئیس دهقان نمود در
شکلی مشاهده می کند. رئیس ES میر از اجازت فراداده بابت ملاقات سلاستی او را برابر رفتار
بسیار می داد و مجدداً برابر صحبت با دهقان او را می دید. میر از اجازت بختی. قرار در
محل ملاقات میر نمود شکلی می بیند (تا بعد از این نمود در رابطه با تعقیب رئیس بوده است)
در نامه بین روز دوازدهم دهقان و دهقان تعقیب رئیس حاج شفیق و ادیده و با او در تماس می گیرد
در این راستا شرح می دهد رئیس روز در حد شده و برابر اجازت قرار در دهقان می دهد.
بر اثر مشاهده نمود شکلی در قرار با یاقا هر از می گردد و رفتن با یاقا - با یاقا
در ارتباط کریم - را تجلی می کند. با این عقدهات نظری رسد که دشمن از طریق تعقیب رئیس
دهقان - رئیس ES و احتمالاً از طریق او به حاج شفیق و با یاقا در ارتباط کریم رسیده است.
ان مطلع ارتباط ES رئیس دهقان از سوی سازمان از سر رسید و تجلی با یاقا - است که
شکل شرح در شده است. منتهی

لازم در ماه شهریور ۵۷ مجدداً دهقان تماس می گیرد که این تماس تا اواسط مرداد
مطور است و ادامه داشته و پس از آن قطع می شود. در شهریور ۵۷ در دهان با یاقا
- در ماه تیران - نمود شکلی می بیند و با یاقا را تجلی می کند.
با این روش رسید که دشمن از طریق دهقان تعقیب رفتار ما را آغاز می کند.

ان خبر در یاغهاست تمهید شده و در آن بیان در باب اکرم بر اینست یعنی نیمه از افاضه آنستای برخی

از خود را نشانی کرده رضا

چون ماه بعد که بنیت سید اکرم را پس از خبر کبریه بر او رسید بر این تمهید گمان یاغها می زدند
این بنیت بود و در او صانعان تمام شده که گفت می طلبید و بنیت در این بیان بر این
نیزه دستگیر شود و قمر را بخود و سبادت می رسد.

بنابر این می توان نتیجه گرفت در سخن از لایق دهقان ← ES ← حاج شیخی
← یاغها و باط اکرم می رسد. صفتی رضی و صفتت نیاید ES اقدام به تمهید می کند
در سخن ۵۰ در چه در چه بر نه هر صفت و در از حدت سر از تشریح در بیسی در زمان از او
آوردن حریت رضی و فرود خود در می کند از مطلقا از این و آن لازم بر این
هم اتخاذ کرده است از معن در رضا خود در می کند و می رسد از نیمه دوم سال ۵۵
و عطشی فرود می خردت رضی و فرود و استفاده از هر سخن بر این سخن با اقرار
سبب دیگر استفاده از یاغها در تمهید شده می اند. آن چون فاصله زمان تمهید
یاغها و باط اکرم تا آن زمان زیاد بوده است (۱۵۵۵) و در سخن طبع تجربه است
باز گفت ما در آن روز چیزی می دانستیم از صرف نبرد و در یاغها و باط اکرم و نه نشستن
طبعی حاصل گذشته است فرود در می کند سستی با صفت حدائق نبرد دیگر استفاده از آن
باز گفت ما در آن روز در حدائق فرود سخن می افته از این در صانعان می سوار
که در حدوت باز گفت ما داد و فرود و گفت طلبید که بیان و بیسی و در حدوت
انسان ۱۰۰۰ بیسی و گفتن آن دهد که اینقدر مهم است.

۲۰- از طریق تماس با گروه الکترولیت " اتحاد با رزوه در راه ایجاد فریب قطبیت دارد "

تا دوازده اسفند ماه ۵۴ رینیت سئید جهان با این گروه تماس برده و طی این مدت در اوقات سفتگی بینی از آب نمک های مینه رینیت جهان با این رنیت و آندمی کرده است ، خود مشکوک شده شد . در اسفند ماه تماس رینیت با این گروه قطع و سرخ رضایی دشن نیز که میبرد آن دشن حدائق به تماسی هر دو رینیت است یافته است .

پس از آن رینیت M سولیت این تماس را بر عهده می گیرد . آن همواره حتی از تماس رینیت M با رابط گروه رینیت دشن - H - رابط را با بدنه رنیت می کرده و در سر قرار M می برده است . بنا بر این احتمال اینکه دشن از این طریق رینیت به سطح سرخ گیر شده باشد نا پذیر است . (H رنیت شده ولی M ماست)

رینیت سئید حاج سئیدی ، شهریه و دهه ۵۵ غیر رنیت شده در بنام دلاورد که در تماس بر کرده فرق برده است . تماسی گرفته . بنا بر این . در صورت رخه دشن و رنیت در فرق و کنترل ارتباطات آن همی دانسته است . رینیت حاج سئیدی در وقت رنیت او برسد . خود در سئیدگی که این رنیت در بنام اول سانی شده کرده اند می دانند نشان دهد که دشن سئید و ام کتودن از طریق آن به تماسی بیشتر با یکدیگر و عناصر سئید برده است . در احتمال قدر دشن از طریق گروه پلیسی - نه گروه الکترولیت) به این روش دانست یافته است .



ما در اینجا هر چه ادله از اکثر رنیت دشن را که سرخ گیر برده سئید کردیم . همچنین اشاره

شد که دستن بر از کشف یا بیاباها که کنترل آن می شود از آن در هیچ مورد در نزد بیاباها
در مورد از فرد دست بعین نمی زند. این امر برید استنباط ما از خط کار کلی دست در
این جهت است.

دست در مرحله سرخ نیز برکت یا تعداد از بیاباها رسالت من بیاباها در نظر است
در میان صدر، طرس، پنجم، ۱۰ رباط، ۱۰ بیاباها، شش و نیت M در نیت مرم
مردم می شود و این همه مریضه، بنیاد من است که خط می کشند که در این جهت
بزرگی از زمان در دست کار دست قرار دارد. تخفیه یا بیاباها و پاک کردن در دست
از دست رفتن که سرخ اگر دست از ما در این مرحله می شود و حرکت در دست
این مدت دست در هنگام تخفیه که هنوز دست به محبت عبیر از ما - و خط می کشند
مستند بر این محبت - دست بیافته، پیچیده فرجه در رباطها، الیبت در گشتی که در
نمایا خورد آن در نیمه دوم سال عبیر نم که هر شده در دست در مادر شهر ۱۰ اوج هر
در هر گوشه و کنار، یک بیت رفتن ما با یکای می کشد. چرا؟

دست بر از گشتی که در نخستین حالت از دست بر حق شد در زیر پیروزندانه تعداد
زیاد از دست ما از آن در ادای می دهد به محبت عبیر از ما دست یافت و دست بر هر یک
در رباطها با فدا شدن از سر سر برید دست در یافت که عبیر نم رشد کشتی و کشتی اگر
تا در نیت ما از زمان نسبت طولانی کنترل کند و دست را در هر صورت و اصل مدتی
که نسبت به بیاباها ضابطه استیج می دهند که در ادراقت از آن است
مستند بر این خطه از زمان را در هر یک کشف و پاره می کنند. بنا بر این در وقت
که به امید گشتی در نیت در رباطها با دست خط می کشد که خط فرار عبیر از آن
براست برید از گشتی در ام است. از این و خط می کشند در رباطها با تینر خورد.

دشمن از سر کارش را در بارزه با ما برترگ و فضیلت ایوب در شش تتر کسافت (۱۱)
 ایوب هارکت که در خلال تعقیب به قیافه در رقصا و سیه در تردد آنها آشنایی
 پیدا کرده بودند و افسانه علی که می زند از آنها در دست داشتند هیچ شده تا
 به محض مشاهده هر یک از رقصا بدون معطلی و بدون هرگونه تعقیب در روز آنها عمل
 کنند آشنایی ایوب در قیافه در سیه در تردد رقصا از زمان آنها در رابطه با
 ما شدت بالا برد و از اینرو در نیمه دوم سال ۱۳۵۵ تعداد زیاد در رقصا در هر حالت
 برانگیزه و در بر فرود ایوب در شش دشمن. شهادت رسیدند یا ایر شدند. این واقعت
 که قوت یافته این رقصا نمی هستند در مرحله اول - نیمه اول سال - در داخل تردد دشمن
 قرار داشته اند (یعنی از این طریق قیافه در سیه تردد آنها شناخته شده) حسب استنباط
 فوق و تأیید می کنند (۱۲) در فضیلت کار ایوب در دشمن درست در رابطه با

۱۱ - در همان حال در رابطه با هر تحفیه شده نیز گیس کرده در صورت مراجع و رقصا هر
 تحفیه میرانند حداقل فرجه گفته را در برجه به قرار رقصا) وارد آورد. در این مدتی دشمن
 در صدد آن نبود که برابر فرجه کردن ما، شش ایوب را بدینگونه و از وارد آوردن
 طریقه فرود در ضمنی بر میزد و آن زمان در از دستش نماند که ایوب با شش بود. وارد آمدن
 ضربات در ضمنی در صورت امکان در صورت استتار و رقصا در صحنه به پاشاها
 تحفیه شده (۱۰) تنها آشنایی بود که برای ما پستانده بود و همین نیز کرد که شهادت رقصا عملند
 همین تا جایی می رود و اگر آنچه بود.

(۱۲) - (عدد در از رقصا می که در این مدت شهادت رسیدند و این در ضمن تردد دشمن قرار گرفته
 بودند منتفی بود این رقصا شناخته شده بود از اینرو در این ضربات در هر چه بر حسب

منتهی بوده تحت کنترل قرار گرفته بودند و این نشان می دهد که با هم رکن برادر
 و اعتماد در صورتی که در شکر و شفا شده و در حد در حد در شکر بکار انداخته است.
 همچنین این نکته که در نتیجه اول سال غیرمعمول شد به دست رفتن با هیچ طرفه از
 می فرودم و در نتیجه در سال غیرمعمول شده در کتایون بیشتر از حد در شکر می فرودم
 در کتایون می فرودم و در این در شکر می دهد.

با این تمهید این معادله می دهد که در نتیجه هر دو در حال باقی مانده از طرفه و با ده
 می دهند باقی مانده برود و هر دو باقی مانده می رسد حال آنکه کلاً تقصیر شده بود و در
 رد قبلی بود و همچنین باقی مانده سهم باشد است این در نتیجه هر دو از تقصیر در در حال
 باقی مانده از در نتیجه هر دو در شکر از ادبیت هر دو در نتیجه هر دو در شکر
 می دهند می فرودم قرار می رسد و در نتیجه می آید تا می فرودم تقصیر کاس و در نتیجه در شکر
 هر دو در شکر خود را به می فرودم در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 نزدیک آن می فرودم در شکر بر خود در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 می فرودم در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر

وقتی که تبیین است بعلوه که میوه بر خود در شکر با آن در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 بر طرد آوردن غرضت در شکر و در شکر بر شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 (1) - در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 از این شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر
 آن در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر در شکر

برای رسد و سخن بخت میگردانند و اینست سینه هر دو آرام بر از چهار سیم یک قرار بر
 از تصفیه در هشتم با ذرات با بیاضه در حوائی با بیاضه با نزد و این دست بر فرد کرده
 و در زیر میگرد (ببر هم با یک بودن در قبیله است - قرار - و سیم بودن با بیاضه) ...
 همه در هم اسطر در وضع داده می شود که نزد و این دست و محض در سیر شدن تصفیه و این با
 این وقت در دست است که انتساب با ملحق وقت ایکه در بعضی ترکیب آنها تصفیه نبرده
 و با خود بر فرد آنها را با رفتن می توان در آن محظف تصفیه خوانند هم بر اساس خط می
 هم بیرون قبیل از آنکه رفتن در راه پاره گفته میگرداند او را که بر می بندند و وقتی رفتن می
 اگر باقی می ماند و از آنکه رفتن است که تصفیه برده در فرد ایکه در رفتن با او در همان
 محظف از آنکه در خود در شروع شد و هر وقت گرفته است حال از ترکیب تنها چند دقیقه
 رفتن را تصفیه می رود ممکن بر در سوره در فقه را بر بیاید و خود در این دست از آنکه
 تصفیه رفتن می دهد که در همین کار - تصفیه - و از حذف آنها می برد و در فرد
 در رابطه با رفتار با خارج کرده است.

با این حساب یک فریب با در سال ۵۵ م است شمار همه شده است وقت رفتن
 هادر و در وقت و در دست رفتن کفیل (هادر و اسفهان) در دست رفتن دارد *

نیکه هم بر سایر کنترل با منطقه اگر گذشته است که ایکه در تنها در ضیاع به وقت کرده و آنها را
 کنترل می فرزند. انتساب منطقه در از زمان دست بر اساس ضیاعی شغل از وقت بخیر رفتن با بر اساس
 شناخت کمی دست از زمان رفتن تردد و تصفیه با سگی است. بیاید دست خیر تا از منطقه در رابطه با هم از آنکه
 در در آورده است.

* - در در در هم شده و دست است که غنای هر شکوک بودن وضع آنها رفتن و در وجه نبودن

وضوح رتق جعفر در تهران - که بدون رعایت ضوابط استیج برقرار سمیات آورده اند که
در روز دوشنبه شدن نیز قرار داشته - رفته - ۱۱۵ دریا و چوب هیرن خطاش تا کتبی
دستر می نهند

فقط یک نکته بهم باقی میماند آنکه شهادت وقتاً صواب - ماسر و همیشه است در ادول
از دیدت است که ظاهره باین چنین می خوانند

در این مورد دست - رتق حوالی را از طریق کنترل تا پیش با کرده اگر نسبت
تساوی می کند مشاهده نمود که کنترل منطقه این در حوالی یکی از پایتختی که رتق
و این رتق را که سیکرده در زمین تمام رتق با کرده فوق مشاهده نمود در وقت رتق از کنترل
در حوالی خانه پایتختی رتق سید حوالی نیز از شهادت او می دانند به این من باشد
که رتق تا حدودی تحت کنترل دست قرار داشته است آن دست که در آن زمین همز
بیت تصرف نشد در آن دراز مدت تعقیب و کنترل بود و علاوه بر رتق
و اینجا تا پیش آورده فوق هر حال در حاضر که هر قدر قدری در راه با به هر سبب
و تقضیه بقادین رتق (اینجا را ماحد می زینم ولی برسانی که این رتق با رتق باشد
می دانند به این دست را تا سید وارد کنند و ظاهره به شتفت صیغ حکمت فریه کت

نزد آن از تقاضای انبار است و در دست رتق در کار نبوده است - در مورد رتق
و احوال این رتق در یکی از مناطق تردد دست دیده شده و پیش برار رتق او اقدام
به کنترل این منطقه نموده است (رتق از طریق برادر این جریان را شنیده بودند)
وقتی رتق دلاور میریم اطلاع از کنترل منطقه برار رتق - با اینهمه می خواهد از منطقه
برادر عبور نماید - شناخته شده و دستگیر می شود

(۱) سیکده بر فرد دست - رتق هنوز کاملاً در راه چوب خطاش کل کار است بنوعی به

مفاسد (میز تر اندازد از او در کبر کند و مثلا بدن شفقت با قیام نقطه آنرا می نماید
در پس می گوید از طریق کنترل نقطه از بدن هر شب بگردن رفتی چهل که "سوره"
در رخ او برده است با قیام راکف کند

برهن قطع ارتباط بین ریش چهل و زرده فوق در اسفند ۵۴ عیب میزد که در
پس از آنکه از طریق او برود در شش رسیده باشد خود او را هم از دست می دهد آن
در شش او با تمام هر منافق تردد ریش را شفقت است پس از آنکه او از دست می دهد
می می کند با استفاده از شش با قیام هر منافق تردد در شش مجدد آورد او را پیدا می کند
در نقطه مغز به عمده ترین نقطه تردد ریش برده که اجنه در همین چوب نعیم در مورد
شش می در شش قرار می گیرد

در اول اردیبهشت در حالیکه ریش چهل همراه دو ریش در مغز برار دیدن
خانه از حی و ذمه اند سرور و هجوم میزد در آن در شش قرار گرفته و شش دست می رسد. فرج می خورد
در شش چنان می دهد که رفت را کلاما شفقت و نه ایام نظدن شد. با شش و از این و در شش
من گواه است. بنا بر این می توان اینقدر تخمین کرد که این نقطه با شش از شش تردد
شفقت شده ریش چهل که در شش قرار می گیرد و در شش مجدد او را یافت کنترل ریش است
با استفاده از مغز که پاره ریش را می شناسد. به این که در این اشغال خطی قرار است

که بیات جعفر و شکر شده و قرار او را بر داده است. ریش ریش جعفر به سر قرار
می رود در شش. طایف مندر در عمل می کند و جعفر به نعیم او می رسد نعیم مجدد که
در شش در باطله بر ریش صدها از آن در ریش شکر و شکران انواران شش چنانکه ریش ریش
در شش جعفر که جعفر ریش به تر بار او را در شش قرار می دهد. و شکر به شکر می رسد که در شش
در شش جعفر قرار می دهد

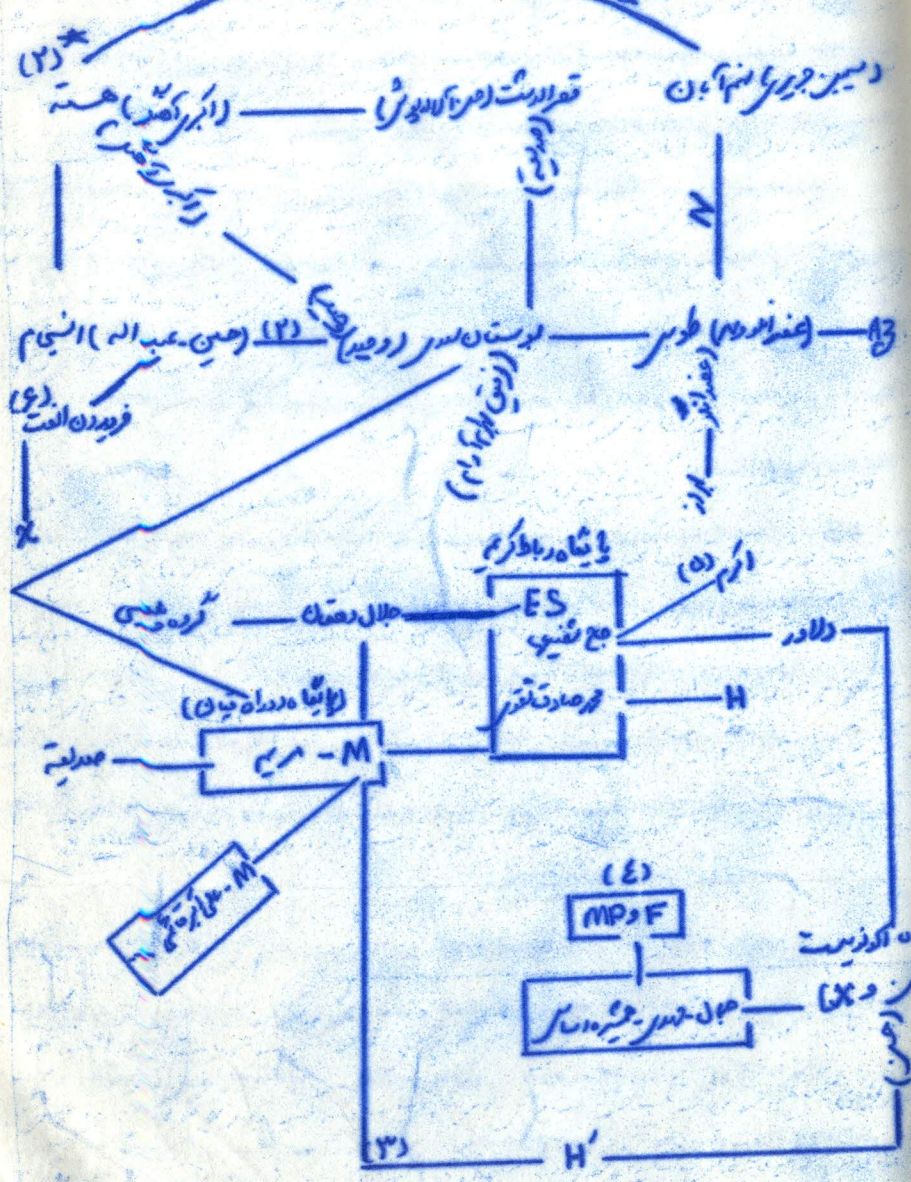
و منی در طی نزدیکی و در اتمام فرود آمدن در آن محل می برآید و از آن فرود آمدن در آنجا است که در بعضی بر می آید
 فایز از آنجا می شود که اصل آن نزدیکی و در منی در دنبال خانه می آید که آن در سطح یکی از همان مایه در آن
 نقیب دشن دیده و شناخته شده و دشمن بر آن ایستاده اند از او در دیگر می گذرد که در کشتن سینه
 مردافند و بلا فرود آمدن در آنجا در منی می فرود می آید. در حالیکه منی تنها نیست بلکه
 سه نفر هستند و بهترین سوره را بر این عمل کردن است و دشمن داده اند. در این سوره را
 از دشمن بخواهد رفتار نقیب که با دشمن با این همه بود که از آنجا در دست نماند
 بسیار سختی است که منی در وقت از تمام نقیب بفرود می آید. تنها یک راه می آید و دشمن
 این سوره را نمی عمل کردن در وقت است و منی نیز می آید.

این را نیز باید در نظر گرفت که عمل کردن دشمن در این وقت عمدتاً در خارج از وقت است
 نقیب و در در پس کردن صورت می گرفت و مثلاً دشمن با همه این وقتها هیچ سرخ نماند
 یا بیاه گرفته شده از آن وقت فرود آمدن در آن وقت است این عمل هیچ تا قفسی با
 بر تمام او در سینه این سال را بر "برهیز از فریب است و منی که با دشمن کردن
 و کمتر ترند" شناخته است.

این بود در منی مختصر از عمل تا کشتن فریب است و در در سینه رسیده *

۱- مایه در هر کجا که مادر اینها بر روی خط شش می دشمن وجود شرکت فریب است مردافند این
 سوره را این تا کشتن فریب می آید که فریب است در این امر همه جوانب منته را در بر می آید و در هر فریب
 است در وقت دهی خط تا کشتن از منی در وقتا همین که حتماً به آنجا برود و بار او در سینه رسیده
 و دیگران بعد از آن از رسیده از منی آید که در وقتا در وقتا فریب می دهد.

رشته‌های گوناگون - جنبشی آکادیمی



شمای ارتباطات ما با گروه‌های مختلف

در ضیحات:

۱- از کلبه رضوی که اسم ایشان در فوق آمده است تنها ۴۰۰ دلاری F
در ۳۰ باقی مانده و بقیه ستمیه یا ایر شده اند. رابطه این درها ^{مسی} در ^{عبدال} ^{عبدال}
من ۲۰ جلال دهقان ^{چرا} ایر شده اند یا ایر هستند.

۲- در تاریخ ... که رفیق وحید در حالی ایرانیه قرار: حسین و عبدالله (از گروه
النیام) اجرامی کند. رفیق تجربه میدند که دشمن می خواهد منطقه را محاصره کند که این رفیق
تین از تخمین محاصره دشمن فراموشی کنند فرار آن رفیق حسین فراموشی فرود. ضیحات
به رفیق وحید و رفیق عبدالله که ارتباط آن از یکدیگر بی قطع بوده نباشد در روز از
هم فراموشی فرود

۳- رفیق هستند در یک مرحله در تودش قرار داشته و با تهمید با آنها و دیگر
کردن در دوشین ۴ باره کردن تودش. شده بودند در مرحله پس رفیق در تهمید با
الکبیب ^{باید} در پی و نبیاحصر که تا از یکدیگر فرودند.

(۱۳) - حوالی ۲۵ اردیبهست ۵۶ رفیق H فراموشی فرود. همان روز با یکی دو
در زمینه از آن رفیق M یک آبپ بر فرود می کند که الکبیب ادراست فته دمی خواهه
معی می کند شتی رفیق رفیق بفراموشی شود.

این دراد را بدوشی خمر ۲ و ۳ و ۴ (۳) ف ن می دهه که دشمن فرزند وقت یکبار
در وقت چندین روز عده میرد این را در عناصر حدود می گذارد مشاهده نمود و با فر
دری در پی بر عناصر که در ارتباط با یکدیگر بودند. در این رابطه تابه تین است. این
اگر از آن الکبیب که از آن فراموشی می دهد چاکه بجا صد لغت. تنها در جستجو ضیحات هدف
شخص هستند دمی تراننده. مطالعه در تهمید رفیق رفیق و دشمن رفیق عمل کنند [می در پی بود]

فرضت ج - ف - خ - پس فرضت می در پی برهت و بلااوزه فرضت می در پی بر ما با
 درم به چهارون زمانی فرضت وارد بر هر سازین است نه هنده بکار بستن سیزه فوق در علم
 و بیع تراست سنی در مشرب در یک مدت محدود بطریق عمده یک سازین می کرده راه رفت فرضت در
 در داخل آن نیز فرضیه وقت (اصیبا هر چند در وقت) بطریق عمده غایب محدود فرضی راه رفت
 البت در این قرارداد به پس آنجا راه رفت در محدود و ستمش در این فرض می کند (باز هم
 در زمان هفت عمده در فرض)

(۴) - وقتی مدرس قبل از اجراء قرار با رفقا همان و همسیره است سر در خیابان کجای و در
 کجای سیر می کند در آنجا در کجای بیشتر آنگاه و سبب است هر سه وقتی می شود ۱ - در پا بقیه ستر
 MP و F بوده . وقتی MP یعنی کرده و احتمال می رود که تحت کنترل دکتر بوده باشد
 پس از مشاهده وقت وقتی مدرس این دور وقتی با بقیه ها که را ترک می کنند وقتی تقریباً
 بعد از آن مراجع می کنند ستر می بیند که افراد در میان مراجع کرده و گفته اند ما از دانش
 آید ما هم در این وقت را داشته و بعد از آن دارد احاطت شده و ما آن را باز در هر کرده اند که
 تقریباً این افراد بهیچ بوده اند . وقتی چون بر است ستر ؟ شان از آن فکر نمی کرده اند که
 محدود است با بقیه تمهید شده مراجع کنیم در پا بقیه . استظاء بنشیند اند ، اما در
 در در کجای سیر می بر وجه که کنترل آن منطقه طی چند روز متوالی در کجای ستر و کجای ستر
 همان در آن منطقه احتمال غلب بر همان معینی است در ستر از آن داریم .

۵ - در سر فرضت با بقیه ها ستر ، هم کجای در به ط کرم ۵ شب وقت با است
 رفت : عضدانو بهیچ ستر جریور داریم ستر شده باید گفت دکتر . و ستر از ستر ستر
 این با بقیه ها . وقتی با تمهید ستر آنجا مراجع شده . از آنکه ستر در آن با بقیه ها در در
 کرده است چه آنکه بر است ستر ستر می کرده است ما محدود است با بقیه تمهید شده

و آنهم با شعله زرد شکوک (باز گردیم سنتی بر صحنه) اسپرده است که در صورت
 ملاحظه با آنکه (اطلا) دهد یا ملاحظه دارد و فرود راه انداخته و پیش را بکشد بطبقه [در
 اردو بیست ۵۰۰۰۰۰ ساله در آن از انجم همین تذکره ۴ صحنه در مورد باقیه ۴
 و MP خود دارد کرده بعد از آنکه آنرا شتر نمی بیند است]

در مورد باقیه طرس و منی عضدانند روز اول که بر صحنه ملاحظه می کند (که در برابر
 از شتر بدون) نزد شکوکی احاطه نمی کند لذا با انگشتها به سر او در وجه هم بر آن تخفیه کامل
 ملاحظه می کند که در برابر شتر گردد

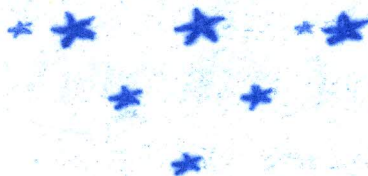
در مورد باقیه هم آنجن و منی بسیر تاج قریب یک است قبل از ورود باقیه
 بر من کار صحنه ملاحظه کرده و منی محبت با او چون نزد شکوکی احاطه نمی کند از منی
 باقیه مطمئن شده باقیه می رود. آنرا منی که میزان و شیبان آنرا منی بسیر و
 نزد منی باقیه مجوده است در ایوب کینه را شاه می کند که همیله را از منی مجوده
 در صورت تازه از راه رسیدن

در مورد باقیه و باطریکیم نیز خبر کثیر می آید و است که می داد که در شتر نه نشسته است
 که در منی آنرا با انگشتها بر این خبر کثیر لا با آنجا ملاحظه می کند و داد و فریاد صحنه
 را بر می آورد که همیله را با انگشت می طبقه و بلا فرود منی خود می کند

این سه مرتبه با اضافه نمودن که در باقیه شترک F و MP دیده شده فان
 می دهد که شتر تا می حد فرود اعلان و در باطریک و قضیه می نماید - در حالیکه سابقاً
 در یک خانه که می نشست اکنون هیچ فرود می آید آن نیز بنده آن در عرض فان
 می دهد که بعضی تا کتبی ما چند متر از کرده است - در حالیکه سابقاً هم باقیه شکوک
 و تخفیه ۳۰۰۰۰۰ ملاحظه می کردیم. اکنون پا در شتر می آید که شتر نه در تکرار شتر تجرید

خوین داد و پسر گرفته ایم.

(۶) - رضی الله از زوجه الطیبه با قدر بنام ۲۰ تا سر راسته است ۲۰ رضایان
 که پسر برتقف و باز جوی شده و در ۵ میاید اصل ۵ نیز درست و در سن ۵ سالگی بوده
 و در روز بید رضی الله سمید میزد در تاریخ ۱۰۰۰ از طاب بر رضی الله
 با رضی عبدالله تا سر راسته و رضی عبدالله هم با رضی و حید از سازان مادر است
 در است بنابر این خود شکلی در برابر امر دیده شد می دانند در رابطه با تعقیب
 رضی عبدالله بوده باشد.



فصل دوم:

چگونه می توان تاکنیک های تدبیر دشمن را خنثی کرد؟

چگونه می توان تاکنیک های نوین دشمن را خنثی کرد؟

اکنون وقت آنست که سیره در عمل فرود آورده بارزه با تاکنیک در دشمن. بسیار
جدید که تاکنون تاکنیک در ارائه دادیم. سمن تاکنیک. این سند را در دست بر می گیریم.
الف - برخورد تاکنیکی با تاکنیک های دشمن
ب - برخورد به سمن - تاملاتی با تاکنیک های دشمن



الف - برخورد تاکنیکی با تاکنیک های دشمن

تاکنیک در دشمن: راسی دشمن در سه مورد عمده شن ۱- سرخ گیر ۲- کنترل دقیق
۳- خود دیده دریا - بریز شده ایپ در وقت ۴- خلاصه کنیم. بنا بر این برخورد
تاکنیکی حاصل این سه مورد به این می یابد.

۱- در زمینه جلادگیری از رخنه یا سوراخ گیری دشمن:

دشمن تاکنون از طریق ارتباط ماباره پلیس در هر ریتی M و ریتی ES در ریتی
سندید جلاد در همانی که مفرد کرده پلیس بوده است. این گروه را بارز شده به نام در در
او قرار دارند (هسته، انبساط ۱۰۰۰) سرخ در او بسیار بالازمان به دست آورده است.
بنا بر این برای جلادگیری از رخنه و نفوذ دشمن باید در نخستین قدم با او ریتی ارتباط خود
با رده ریتی به نفع ریتی و از ریتی برود اماکن را سرخ دشمن در ریتی از ریتی
طریق به ریتی

مانند آنست که خط خود از رخنه دشمن، ارتباط خود را با گروه (دو برادر) سازد -
 که بدین گونه کار و صفت را بر این دو نفر پیشان، با توجه در سفر رخنه دشمن هستند - یکی
 قطع کنیم چنانکه این امر ضرورت دارد و اهداف استراتژیک ما برده و بیان می کند که نتایج
 حفظ خود از رخنه و ضرب دشمن، از کار انقلاب خود را بر کنیم! آنه می دانیم و می باید ارتباط
 خود را بر سر کرده و بر ما - همچنین شرایط ناگفتنی ای استرا سازیم که امکان
 رخنه دشمن، شدیداً کاهش یابد.

ظاهر به ترانه در روابط ما در هر دو سازمان انقلابی باشد از پی تا اواخر
 ده شان می دهیم ما نیز از آنکه از طریق این تا سر رسید تحقیق ما در این نزدیک
 شود، قسم، ضرب خود ما.

در رابطه با گروه که در این ما قدرتی نیز صورت کردیم و می نتایج که از این مهندسی
 چیست؟ آیا ما نمی توانیم گروه را بشناسیم؟ حلقه ایست که بسیار از دفتر ما، برادران
 شاهکرمی را میزدان اولترا در هر یک از این می شناسند، در اسفند است که می توانیم که در رابطه
 با این گروه، حرف شده ما در هر دو بر سر رابطه، با کارکنان میسر در آگاه
 حرف می بینیم، نتیجه نیز به بیان می توانست؟

- در رابطه با گروه که در این است "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" - که تا این
 نیز به ارتباط، با شان نمی داده اند - نمی توانیم بر این که نام تعیین کنیم از گروه، فرق
 بر آن که نام خط می سر در هر دو گروه است، مدت متکی بر تعیین از گروه و سر در هر دو از
 مدت بر سر تعیین از شرایط ما در ایران (و علاوه بر این چه چشم انداز روش از آینده
 تا سر سر و فضای برقرار کرده ام که در بین سر در هر دو - مسلک تا سر بر سر کرده - در سر کار
 ما می توانیم در هر دو به آن می آورده و "بحث" می توانست!

[Handwritten signatures and scribbles at the bottom of the page]

- در درون قیاسیه مصطنعی است معین که گزین زینت در وحدت این در درون قیاسیه است
 تکلیفی با مناسبت. تا هر فعلی که از کدام هدف بتبیت می آید؟ در تا هر فعلی که در
فصل ... هسته A به توجه بر نبرد محدود و وظایف مشخص تکلیفی - سوس - این در درون
 مان چطور؟



من تصور می کنم که ارتباطات با آرزوها و نیر در درون سوسه ... می بینم همه همی و اهو سوسه
 مثل یک آینه که کار بر لیرالیتی و خود بخود را بخود درفته است و ما بر اسر فطری وحدت
 طلبانه مان خود را مضمون حفظ ارتباط به هر فردی که با خود کرده که در تمام و این امر به
 از جهت نبرد محدود و وظایف مشخص سوسه - تکلیفی - از آنجا که فضا صحران از برخی
 از این ارتباطات و ضرب پیوسته با لایحه شده است و به نظر آمده است .

اسر ارتباطات لیرالیتی بوده است و آنکه چشم انداز آن روش نبدیده و نیز آن
 نیردی که صرف این ارتباطی شده است و تناسب با این چشم انداز دور رابطه
 به محدودیت نیر در جهان انبرده و نیز این ارتباطات خود بخود نبرده است و آنکه بر اساس
 یک تعیین مشخص از طوط در ارتباط و با این همه هدف دار و دقیقاً تعیین شده در جهت تحقق
 اهداف و مشاهده این صورت تر از همه است .

و هر دروا لیرالسم دوکت خود بخود در حفظ کلی ارتباط با آرزوها ، تا سیرات مستقیم
 هر یک از این ارتباطات . می نداشت . مثلاً در مورد برخورد و قیاسیه همان آرزو ،
 اگر نسبت می بینیم که این رتبی ب عده همراه آنها پیاده و رقیبانه قدم می زده و
 "جهت" می زده است که این ب لیرالسم بدون این وقت است . این مطلب
 در ... نشود و در جهت - فرودمان ۵۵ آمده است و بطوریکه از خواص کلام
 می آید است . این عمل رتبی در دستار جمع و دستل قرار گرفته است (حق در رتبه فوق

هم انشا در سه آن نشه و احوالا بر فردوس با آن صورت گرفته است. با وجهه با اینه نظر
قدم زدن در ضیاء زین - منظر از عدم اطمینان به آورده نبودن طرف دیگر از - در سال ۵۰
بسیار در شوق و قضاوتی مان مسا و برده است. این بر فردوس می فرزند اسم را نهادند
می گذارد.

ترانه - سفی ما در ارتباط با فردوس از کتب و مزدت این اوستا طبریا
منظر تحقق شده در میدان راسته از کتب و وظیفه تمهید نظر در کیفیت
و کتبت این ارتباطات را پیش هر دو می گذارد در این رابطه این کتب را پیش روی کنیم:

I - قبل از آنکه تقسیم به تاسوس و فردوس استر با یک کرده بود سازن بگیریم باید با تعیین مجموع
نقطه نظرات و عملکرد آن کرده بود سازن و به تاسوس بر فردوس در حال محدود در می توانیم بر
این تاسوس بگذاریم به شکر سازیم نه از این تاسوس می نباید بگیریم و تا چه حد ممکن است
تحقق شده در میدان راسته از کتب و زد کتب در ۱۰ آنگاه بر این بنا. فقط فرد را در
ارتباط با آن کرده بود سازن و میزان نیروی را که باید بر این کار بگذاریم. پیش کنیم.
بنا بر این عمر غم اعلام شده "جهه" از کتب و به هر چه قرار داشته. "و مدت طبعی" در مورد
مکمل و چون به منابع با ضرورت خطرات ارتباط کثیر با زدها و سازن از انفرادی بر فرد
گرم کرده و فرد را به خط لغز ارتباط مستقیم - روی به نشان - به هفت شان - هم بر این
الزام باید توجه در رابطه با تاسوس حقیقی که در جهت تحقق شده و میانی می توانیم به است آدم
من باید

II - تاسوس به محمد و در دوره و ارتباطات عمدتاً شکل کتابت از صورت کبر
نقش رسول سازین به است در شرکت در آنها به سر می بینیم حق المعنور فرد را در درین
در آن بر فرد کتبی به سازن داشته باشند این بر فرد کتبی به هر طور بیست تیره و درین

دیده که منقح رابط گامی از انتقال آن نباشد و کتب ارسطو هر چه حدائق حکم که هر پایه
در هر دو شب خودت تهر حضور در کنار مدل سزین و غنچه گان طاق در احوال شود
باید یک رشتی سزینی که در مدار ما نیز تکرار از سزینت قرار دارد - مثلاً رشتی رابط طاق مثال
و تقصید نموده و به هر قرار بنا دارد.

III - در اینجا ب رشتی رابط از سزینا ، پایه اجلیان نام هر شب و در تقصید این رشتی در
این مورد در آن قرار نبرد.

IV - رشتی رابط که مستقیماً در ارتباط با هر دو در قرار می گیرد باید در حین اجاز
تاری آن در هر تغییر قیاس به هنده در هر دو یک دست از طریق کنترل کرده نیز در قبضه اثر
با در این تهر دینیه ، نشان از این نشان می در بر دارد و نشان در دیگر استاده کند.

V - باید از طاق دیگر قرار در هر دو تقصید من از انجام قرار هر چه رشتی شود از این
اگر باید چه شرایط ایجاد باشد اولی از اجاز قرار نیز رشتی ، به تقصید رشتی
انجام دهد شکل تقصید می تواند اشکونه باشد که رشتی رابط باید هر چه تقصید باید در
یک مرتبه تقصید سواره اتمام وقت و هر شب و در تقصید خود را به تناسب اشکات
تکلیفی این دارد و سزین در رشتی من اولی دهد.

VI - اجاز در این دارد باید در هر تهر رابط رشتی و رشتی از سزین جمع صبر
شود تا نقطه ضعف در رشتی رابط بحال عمل در مثال در این صحنه را پیدا کنند.

VII - سوار در عضو گیر باید به تناسب رشتی شرایط و الزامات استی آن
بنظر من نلت سزین از رشتی مستقیم رشتی در رشتی باید

۲- در زمینه مبارزه با تقصید و کنترل دشمن

کمی بر عناصر تقصید همیون خود عمل در مبارزه با این تا کتب دشمن خواهد بود

آنرا آنچه که وقت بنظر تصفیه وقت در ابله با ترک شده الیه حرکت در نظر
گرفته شود. فردی تواند در چه فرم باشد باید راه و نگرده در بهترین بار تصفیه پیدا کنیم که
با همتی وقت. بنظر وقت پیاده. سنده راضی کنیم بدون اینکه سنده تصفیه باستانی
شده و از مرکز ترجه ما بکنار رود.

لازمه تحقق همت فزون. تلقین همت با راضی حرکت فزون رفتا و بر فرد حلق
و بستگاری آنها. سنده تصفیه از یکدیگر با صبر و کنز جبر از سر و سر است تا در کمال
و نه بجز ایسم. هیچکدام نتوانند حکایت پیدا کرده و صحت رفتا و سبب از در خطا
اندازند.

فلا تا کی سنده در زمان تصفیه باید بین یک حرکت تا یک حرکت در وقت در همتی سنده
در هر مد تصفیه پیاده (سه مرتبه باران) در وقت تصفیه پیاده باید بین ۱۵ الی ۲۰
در هر مد از کل مدت تصفیه باشد. حواس مدت تصفیه وقت در اراض تصفیه پیاده. در شب
شرایط و مشکوک بودن و غیره قیاس اعتماد کردن در وقت که فردم آن سرزد. به این افزایش
باید و می تا زمانی که از سر سانه بنظر نشود. تصفیه آن این حواس را کاست.
متنا ساطع تصفیه اولاد دوم در آنکه صورت می شود باید گاه از هم جدا باشد.
همین نقطه تصفیه دوم. نقطه قرار باید با اندازه کافی فاصله داشته باشد تا اینکه
فرد تمام تصفیه دیگر را در ارض یک نقطه با هم محدود از یکدیگر انجام دهد.

۳- در زمینه مبارزه با تاکیک الیه های گشت

I- جوهر روز هر که وقت زنده و نظم دادن به کار و وقتها و فردی بنظر

کاستر از میزان وقت در سانه آن؛ حواس. انجام این امر. گلا سینه چه میسر

دین جمعی می باشد

II - کما ستر شدیه از وقت رفتن که قبضه دین در حیوانات صحت بار خود در آن
دین منقضی شده و می دانند مرده آشنایی با این یک در است

III - نیز قبضه در رفتار ذوق بایه مرد در جمیع چیز قرار گیرد در این زمینه در جمیع مردم
اطلاع اکثر رفتار سبیه در نیز قبضه از تمام یک که تکلیفی و تقیید یک جزوه راهها در دین
از سر رفتن که اطلاعات تکلیفی بیشتر در این خصوص داده اند در دین

IV - سینه یک کردن و فرود رفتن بر سوسن و اعضا و کمتر سوزان در سن بمقتله
کما ستر از قوه در وقت

V - رفتن غیر جمیع حق القدره نباید در یک عمل کنند و یا شایع را آنه نیز باید صادق ممکن
در یک را که مرد دنیا از آن در دین ماها آنه است و داشته باشد این سبب است نیز باید صفا در
داهریات در قرار داشته باشد

وقتی دین را بطریقی و اصول بر این دین غیر جمیع است مدارک آن در دین مرد دنیا زاد
و این بود و دین اول که به اصل از و در جمیع هم هست باید حق از قرار تقصید و دین یک در
دین غیر جمیع بر از اقرار و در دین مدارک بدون تقصید یا شایع را از قوه در وقت
از مدارک و صادق برسد و در هر یک هر دو در دین غیر جمیع هستند باز هم باید همین سبیه
عمل کرده من هر یک از اشتغال تقیید از یکی به دیگری از این تقصید هر دو قبل از قرار
وقت مدارک نیز در جمیع حاطق شده امکان هر چه بیشتر محدود است به هر است
که دین اول بر از اقرار و در دین مدارک باید همین عمل و تقصید کما ستر یا شایع
بار خود

VI - قرار باید در زمان نایب در نایب اقرار شود تا سبب بودن

زین مکان قراره بر حسب آذین اطلاعات با از وقت دو بر نامه در دسترس بمقتض
 میشود از وقت ارسال در این مورد در وضع مشاهده هندا در این قرار باید از وقت در
 ترکیب در دو سه نفره در فی با آنها اقباب کرد در عرض باید قبلا عمل نامی نسبت
 باشد که وقت میران زمین بگذرد در این قرار با نامه از بعد از این عمل وقت کنند
 همچنین تا کند بگذرد که از وقت در مناطق نامناسب نسبت اخترا شود

VII - کتب اطلاع از سلسله مراتب به دو سالی غیر از آنکه شده صورت گیرد که وقت
 ما در میزان مطابق عمل برساند در وضع شماره در هر حال سابق بر بلا هم این وسایل
 در شیوه باید با هر صده در وقت و نیز در هر حال گردند تا فرد در جب وقت در اقامتی
 با قطع ارتباط شده و احواله ساد را ایجاد کنند [سعی در این است که عمل عملیات
 در وضع شماره هر صده وقت کافی بکار رود تا برنج خود تین استوار باشد]

ب - برخورد سیاسی - تکلیف با تالیف های دشمن

۱ - قسمه مبارزه ای که در ترکیب درون سازمان در تمام اجزای آنها صورت میگیرد
 است که در مقابل پراستی خردین کتب میگویند ما باید مبارزه خود را در دشمن بر بنیان جب
 مبارزه خردی تا غیر و بلا انقطاع ای که در ترکیب در درون سازمان تکی کنیم در گزینده سال
 در هر طرفیت تجزیه شده بطور سه ماهه آن است که توجه بر آنجا در سازمان و در سازمان
 جدید تجزیه فراهم کرد و نیز در جنبش را بیدار و چشمان دشمن در وقت صفت فراهم کنند
 در رابطه و فرات از فرودت مبارزه ای که در ترکیب در این زمینه در بطور شعرا فکر
 میکند:

I - مبارزه با سهل انگاری و ولنگاری بی احسان مردمی و انفعال

و در مجمع: ارتقاء بسیار بر عضویت مذکور:

رضی عبدالله استین تنها ضعیف بر از انهم عدوت انبی در در شهید و بر عم تدریس ز...

این در شهر ۵ می بیند رضی عبدالله در دو مقرر باز شد...
ان چگونه؟ رضی در ساعت ۱۲ نیم شب همراه یک سگ از پایتگاه خارج شده و به...

رضی N رسول میگردد که پایتگاه کوثر نام است...
رضی N یک خبر گیر پیدا شده...
رضی N که در سال ۵۵...
رضی N که چند روز قبل در تهران...
رضی N که به هم خوردن سال آن بود...
رضی N که بعد از دست می دهد باز هم گفته و احراز رسالت...
رضی N که بعد از دست می دهد باز هم گفته و احراز رسالت...
رضی N که بعد از دست می دهد باز هم گفته و احراز رسالت...

اینکه بر فرود کفیر سلانه - سستی بر صفت در سخن ایراد کردیم - از هر چه زودتر
سازمان ریشه کن شود باز هم باید در انتظار رفیقات سخت تر باشیم. بیشتر مبارزه
با رژیم قبل از هر چیز در مبارزه با این نقطه صفت است.

II - مبارزه با پاپسیفیم نظامی و محافظه کاری افراطی

همی رفتن به این محافظه کاری در تن زدیم، بر خود در بنیاد ذهنی لایحه با سانی است
نموده، از تعقیب و نظارت در هر هیولای در ذهن، فردی سازند که هر کوی میزند
و نماند است. این تصور حرکت در شگرت و شگفتی این رفتن می انجامد و گاه
قطع ارتباطات و تحریف در بیجا و اینها می آورد که هر یک می تواند به فرجه فرج برساند
بسته میزان شان قسمن از "تعمین از خود" یک زمین دار انجامی آورد:

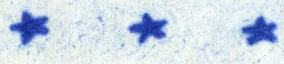
"هر قدر که از گدوم می گذشت با در پشت سرم می آمد، هر قدر که از او می گذشت
و بر اثر بیسی که ترکیب بود، چه نفرز داشت شدف می نمودم؟ آنکه با عراس بیسی دانسته
بهر آنکه هر راه فقط در رابطه با فردم و در تعقیب فردم می دانستم. با یک چنین
تفکر راستی با تجربه می بود که به آن کجی دو هفته از پیش آنکه به سر رسیدم
تحت تعقیب با وجود یک از جمعیت، شب فردم را هر دو می زدم و به هزار راه می رفتم که برانهم
از جنجال بیسی در مردم، می شد. بهر حال از غوغای دور این حساب که تعقیب نه تمام بودن
از خانه دور فرایه ارمی که دانستم در حالیکه تابع بسیار مردم، نه از ترس بیک از این ناراضی که
چرا تعقیب نمی شودم و از این تعجب که می چرا بیسی مرا می زرد؟ که در همین یکی دو هفته بود
که ارتباطات ما زانیم کمی محقق شده بود و از ترس مراتب تعقیب از ترس به ... و ...
و ... پس دانستم قی المقدور تا سر تعقیبم در سردار (بیم نمی آید) ..."

... در همان کبی دو هفته بود که چهارم برافزار از یک نقیب فدایی ایک تاک بر
 از طرف ... را در کجا چاره افند و در مردم غافل و از آنکه بعد از در رفتن هم - با آن
 دید که من به سبب این نگاه می کردم - بازم همچنان تحت نقیب بودم و آن راه این
 علت که سر قرارش نرفته بود شبانه روز با کسی بیزار از این جناب و پس در خوابان و درم
 عذاب کردم و ..."

مخبره در این روزی در صبح همانکه کار او اطمینان بر فروردینتی و با پنج نقیب است که به
 ارتباط آن دو هفته خانه بیاطمینان بودیم همانجا که در وقت آن وقت در وقت
 اوج می شد - پیوسته در وقت آن که می آمدند - این وقت بر سر این است که این وقت
 مطلقا تحت نقیب نهاده اند و ضوابط را نیز می کرده اند بلکه سخن از آنکه بر فروردین آن وقت
 است ، بر فروردین ، نقیب در جیب می شود که با دستش کرده تا آن که با او در ادعای
 کند که هر حال قصه بکس می شود و می این وقت نه چنین بر فروردین است که از آن روز نورانی
 که او می کرده اند منطبق بر واقعیت کرده است .

همچنین در نشر این کبی از احتمالات شهادت یا در نشر وقت مردم ، وقت در
 شک اندیشه و رفتن این وقت در نشر و قصه ذکر شده است .

تا حدی می شود که این کبی نقطه کار بر کلید می تواند به نظر آمدن پنجم در نشر در درون سازین
 در درون یک تک رفتن و کس که با تمام قدر او بر یکجوره است راههای اند از این رو
 بر آنکه بین سلامت سازین ، این رویه که رویه بر یک بیفیم نظر مرفق و سازین در
 مدت مبارزه کرد .



گاه که در هر ضربت سازان نواز می دهند که بجز اعظم آن در رابطه با مردم رعایت

ابتدای ترین تجارب و تألیفات در مورد سازان صورت گرفته در قلمرو خانه و بیابانهای گوناگون
 شهر آبان می بینیم رفیق لعل طراغ "بند نظار" تخمه بدون هیچ کسری از نسخه رفیق
 همین را با بعضی جزئیات و اضافه خود تحریر رفیق شکیب که ظاهر رهبری را از او بر گرفته تا آن طرف
 نزدیک میگرد. همیشه در هر میدان چوکنم که به شهادت یک رفیق دفتر انجمن می بینیم
 هر وقت در یکی از محاسن نویسی خود یک چیز تر از سابقین شهر بدو با ترکیب درستی در
 سه روز افزوده و متعاقباً می زنند (آنهم در ساعتی تا شایب اهل آنکه ما در هر ساعت ضرورت
 کاستن از وقت آنهم در ساعات نامناسب در ترکیب در نامناسب و بعضی در مناطق خاص
 وارد شده ایم. با توجه به نوع وقت این رفتار و بعضی با این شده واقعا در هر وقت که فرما را در
 نه ده دقیقه بکسب کرده ایم پس یک رفیق لعل لعل کار کشید می از بین معالج طردار
 می کند و همین استلال می کند که بدون معالج راحت زخم و در هر صحنی که دستگیر شوم حد اکثر
 چیزهای ممکن فراهم شده (در نه اعداد) و رفیق دیگر اثبات در حلقه ضامن نارنگی خود
 در آن باز می کند و انجمن را فراست (فراست ۱۴) و در دفتر کل می درنگ را بر حسب میزدند
 نوزده در هر دو وقت اول است و این است که حیات سازان را بخاطر همانند از
 بنا بر این باید بارزه ای که در ترکیب نظیر ارتقا و تألیف که استیج و ضد بعضی سازان
 تا حدیک بر رفیق و صاحب و کنترل تکلیف می رفیق را اوار آنها در طبع زبان شروع و
 شدت و نبال شده تا آنچه خواهد بود در تعیین انجمن خانه و بیابانهای شیع هادر "مفرد
 از شخص و در این مورد آمده بود و تا زمان آنکه از آنرا و از این وضو است نگار ما
 شدنی بینه نگار شد.

۲- ایجاد یک ستاد اصیق تحت کنترل و رهبری منجم مرکزیت و

با ملاحظت ایندو لریک بالا که در لیت پیش رو هدایت جریان بارزها ایندو لریک دارد
 ایندو لریک و تکتیب در اینست و هند پس سنان جمله در لریک. تکتیب در جریه
 دشمن را کتف و حقین کند و در همدو لریک مناسب، آن را لاریه واره و اجرا آنها را در زمان
 به وقت پیشتر کند.

ایا در این بتدریج بر فرد در این لریک (وضع تکتیبی) با پلیس سیاسی
 کتف. هدایت اصلی شده است که در فرض و حکم فرض آن شرط باز کردن بجز هدایت
 که در جریه این بخش از سنان فوق آمده شدید و اسفناک بوده است همین دلیل از
 تا هدایت ابلیس با شریک ابلیسی عالم گشته شده و از شناخت هیچ تکتیب در دشمن
 عاجز مانده ام. نشر اینست قطار منتشره بهین ماه ۵۵، بجز می این عیب مانده می شود که
 را تا نیز می دهد. این نشر که به نام زبانی قریب یک از نشر قبلی ویران آمده خبر
 منتشر شده، خبر نیست جز مجرمه از اخبار برانگنده و حوادث سفرد و هیولته ارتبا و بعضی
 دستگیری پس این خبرات مداراننده و هدایت اصلی خبرات در هدایت تکتیبی (در سنان
 می چو لریک آن در لایحه احتمالات فزادان در نامبر و کرده نشر یک شده است. این خبر فرد
 به نقد سرت کتف و حقین هیچ سنان کتبی کند بلکه نشر می در ذهنی حاضر. رضای می
 ز سنان فزادان و این می کند و آنکه در لیت کردن در هر فزادان به حالتی که معلوم نیست دشمن
 از سنان آمده از زمین و با معلوم نیست دشمن بر جریه سادیت بر فرد مادر هم می کند
 و چون در هر یک یکده و رفیقه بی که هیچ فزادان. بهی می رسد و بدون زمینه قبلی رفتار
 پیام می مانند و نتیجه از این ندارد.

ملاحظه احتمالات فزادان در هر دو دستگیر با سنان در سنان هم صادق فقر تا تلوی از
 ایام و تا سرت کتبی را هدایت می دهد. بر سنان احتمالات را که فقر میزد و زکر کرده و سنان

آنکه افعال اصلی را شش نفر کنند و ضربت را بطور هم پیوسته بینند. تنها افعالی که زائدتر گردانند
بذکر اینند "شاید اینها زبردترین رفته باشد"

جمع بندر فدا می نهد و از ضربت نیز در دادر است. در این جمع بندر می بینیم که در درون
نیست. از رعایت مابین اینها در کارخانه و اهیت کارخانه را بر سر میاید و در و - حرف می زند
از وقت کار کرده نشد رعایت مابین اینها در کارخانه - که هفتی در کتاب اندازه تیر سها آنرا
می دانند - می رطبی وارد می آید خبره ای که سنا در لیت کرده ای و اکنون در دست جمع بندر آن
هستند؟ اگر ام یک روز ضربت در این رابطه تمین میدهد؟ آیا حرف بر سر ضربت تجارب یکی و
جمع اینها است و تجارب خاصی که مستقیماً در رابطه با ضربت اخیر قرار دارد. سنا چون
سند را تمین کرده ای بر این خلاص کردن گریبان است. آسمان در میان و اینجا آورده
هر چه ما را که بگردد ن رسیده ذکر کرده ای و دست این است نه ندانند ای یک در جمع بندر نسبتاً
میع هم بینند از این در رعایت مابین اینها در کارخانه و اهیت نفس کارخانه را بر سر میاید
که هیچ رطبی در ضربات اخیر ندارد - در همه شایع در همه در این جا در نسبت است و
این بر خود ضربت نسبت جزو است که این مابین در رعایت است.

وضع اینها در شش و اینها ضرورت قدم فروری این بجز را - نظرم اهیت حدیث
آن در مابین - بیشتر می کند نشد و اینها - اشکان ستاد اینها مابین در رابطه
آن با کتبه مجتهد و عناصر مابین باید قادر به تمین است کتیب در سکن. دست به و آن
باشد همین است آن باید که در وضع می زمانه که می خرد شده و وقت نظم در آنکه
در حال تحقق هم اینها در کلام کتیب ستاد اینها است و گفته باز هم بیشتر از کتیب
خانه و بیشتر در خراجه خورد

۳ - تا مین نیازهای تکنیکی مبارزه با پلیس سیاسی ایران

I - در امر نیازهای تکنیکی پلیس سیاسی مواردی قرار دارد که در صورتیکه قادر به کنترل و نگاهداری
 دشمن بودیم پس ترانزیستورهای جامع بندر آنها بطرح ۶ و ۷ کتیب در ادبی بوده و سادست
 خویش را تا حد زیادی تا مین غایب می ترانزیستور مناطق تحت کنترل و کنترل در منطقه او را
 بازنه اسم و از آنها خنده کنیم و ... در غیر این صورت باید نسبت به بازهم همچون گذشته ماه و بیست
 روزی از ما - حتی با وجود رعایت کلیه ضوابط اینست سادست - می خبر دند در دشمن قرار گیرند
 زخمی از مین بازهم عمیقتر شود .

نظریه : مردم بر خود طرز از بی سیم در برابر دشمن . بزرگم و خود را در از آن سادستیم سادست
 دارد . بی سیم می ترانزنده انگ که که مناطق تردد خود را بخورد است با لینک که اقلان بخورد و ما در دشمن
 به حدائق کا هوش باید بوسی در در امر می ترانزنده او دشمن . قرار و کنترل منطقه او و غیره را کف کنیم و

۴ - در اینجا ایران مطرح است که چرا آن کشور در صدد و تندی بی سیم بر نیاید تا سیم با مکتب گفته
 شود در صورت تندی بی سیم با در دشمن . این قضیه که همیشه متغی است دشمن برین تندی است که سیم را
 تندر خواهد داد . لذا این اقدام در در را در او می کند . با هر چه صحت و مقم این گفته باید سیر
 عمل دشمن را در این زمینه مطالعه کنیم

۵ - در آن از طریق اعتراضات رفت و با اطلاع و وقت که ما به مدد بی سیم از خارج
 آورده ایم و جایش می ترانزنده در فرزند که ما ترجمه با مکان است تکنیکی نسبتاً فراوانی در آن زمین
 را داریم . تا در خواهیم بود به سادست کار در این بی سیم (۱) نگاهت اورا بگیریم . ولی اقدامی به کار
 و سنجیده تر کردن ارتباطات صورت ندارد .

در اد این ۵۴۵۵ ، در دفتر عمده از آن وقت شروع شده نادره شایان . دشمن . اطلاع بیاست

II - از این قدرت آتش زنی: میزان اسلحه با برابری سینه در برابر پیش سینه تا دندان مع
 دشمن بسیار نافع است و علاوه بر سلاح در بارگاه آتش در آن نیز چه آن صاحب نیست بیلون
 شکل البیوت ه هذ در سازان و رواج دارد، بشر از قدرت آتش سینه بر سر آن و هر
 دارد در این زمینه باید اقدامات هر دو مورد تأسیس. تعجبی سازان صورت گیرد و در
 در تیر بزرگی نیز ان اسلحه است ندارد در سازان در آید. علاوه بر اینها هر چه در عمل
 مجرب شود.

تقدیر می کنیم با توجه به کار آبی از تجویز آتش زده کفلی از یکدیگر و امکانات موجود در قطع
 بر این تأسیس. علاوه بر بزرگی از لیسر نیز، مایه تا کردن مانع از تحقق خواست فرق مطایر
 قدرت آتش - شده است، محدودیت امکانات مایه تا از یکدیگر و هر فرد مستقل باشد
 از لیسر در برنده است. در صورت توانایی مایه. تقدیر می کنیم و مانند نیاز در تعجبی مایه

کامین رفت و در این راه بر گیرنده امر بوده اند و کلیه امکانات او را توسط می داده اند از این راه در
 هنگام تنه یا بیایه این. زنی - در رابطه با دستگیر عبداللہ در این زمین - بیایه زنی
 شکیه نادر عطاس منتقل گردید و با شهادت برین عطاسی حق را در پی سینه ماند. همچنین این
 رفت همین. زمین که را در را منتقل کرده بودند است و اسلحه نکات دشمن را در مورد کنترل
 سینه توان برین حدیثه آتش زده اند

در این میان گفت خانه یا بیایه برین شکیه اثرش دشمن. مدارگی دست یافت که درین
 سقیم و بیست و یک نکات از راهی در این انقلاب نشان می داد. اما بجز هم اسلحه هدر
 دشمن چه کرد؟ و تا چه حد در درگونی و برین در نکات می آس دست زد؟ تا آنجا که سینه هم
 در این ۱۴ روز در آن کار آبی می آید و دریم و تعجب یک چوب فداسی را تا بیایه

بماض نیز در زید و رطلید . خلاصه حکمت که بد کنده نسیجاتی مان باز هم در بر خود رستنی
 مایه بی نظیر حقیقت است و در انزاسات اجتناب ناپذیر
 همچنین در مورد تیه تاریک و بار صبح به شکل بودن علی تاریک در کنده آن مجبور است
 بیست و می گیم که کرده کشی تیه تاریک در کنده و سبکتر و اسد و عطایه قرار دهد و مثلاً تاریک در
 استانه ارباطه (م)

تاریک در کنده ، تاریک و تاریک است و قدرت و دانسته اثر آن زیاد است . نفع اثر تاریک
 تاریک وجود دارد بنام تاریک هم می که نوزاد از یک جنس سب بوده و دانسته اثرش کمتر است
 (از این جهت هم بر اثر تاریک است که به نقل افراد غیر نظامی بیانجاود) و اینها هنگام جد بکار
 می رود در نظریه که تاریک بر غاب می شود و بلا فاصله به وجه بطرف دگر و گت می کند و در هر
 بیت خود بر اثر تاریک مانند از ترس در تاریک منفی کند . اگر به این تاریک در
 هم می شکل کنه دست گیم - هر چه شکل کنه می باشد که هر قدرت انقیاد می شود -
 می به این تعداد بیشتر از آن که در شکل ساده تر و مطمئن تر نسبت به وضع منفی می گیم . در عین
 حال این تاریک هدف ما را که عبارت از انزاسات و سمن ، و اداسن است و به سطح دگر
 و به دست آوردن از دست بر اثر تاریک می کند و اگر تاریک در این تاریک به حال کنه

در فزون از آن که در ادب یا در داد ۵۴ در شهید شنیدیم که « ایب لکد کنه به هر دو
 گفته » و در ۵۵ در اصل بازم شنیدیم که در شرفات زمین داد و در می دهد .
 بنا بر این بر دگر - میزان سید گرفت که در ۵۰ تا ۵۱ به ضعف که در سید در سید و تا هر نیز به سید
 محدود و تا هر سبکی و کشی ، تا در صورت بجزر اطلاع از رسیدن به استقله مان به هم به هم آیت می دگر
 در دگر کنه مانده از هر صورت به دست آوردن که به هم را تین ، فزاده تا در به استقله از آن فراهم بود .

است در سخن مجفوقه بآن مجید است خود را بر مصون مانند از زکریا در آن مضمون که
 و لذا از صفت مناسب بر او قرار بدست می آید همچنین صورت عریان و مردم عادت در صورت
 بر تنب نماند بک در کسب ما در جسم دانسته عمل در بر فر حفظ قرار می گیرد و در آن صورت که
 در بر فر حفظ خواهد بود و شایع خط شک تر شده عود تا خود در سخن را در بر می آورد.
 ۴- ستمگر بود ایجاد هیچ در خود کند که در آن می من سخن خرد را مستقلا دانسته باشند و
 قدرت تا هر در قلمی را بر همه این بر نند از آنجا که این امر که از فر و در آن است از سب
 ماست و این عیب در کلید نیاید و بر نام در کار ما دارد و من ستم استی تنها فری از شیخ
 بتی آفت در دنیا همین است که در آنست می بیند و دارد بخت آن که خواجه از مرفوع است ستمگر.

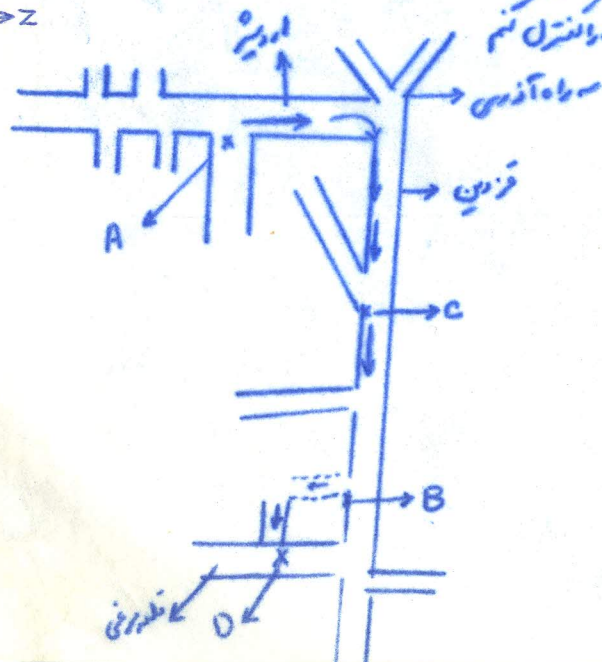


در اواخر مرداد ۱۵۰۱ سال (۱۵۶۱) که از وقت با عقل قوی بلافاصله بعد از خروج از خانه در نقیب
 قرار می‌گیرد. چوین این نقیب که نزدیک بهین رشت در گذر از آن زیر شرف خانه نشسته است که مابین کوه راست
 آنرا در زیر می‌آوریم و هر جا بطبی لازم بتنگ یا تقسیم با... بوده در باور قوی ذکر کردیم (مسجد و قریه مربوط به
 نشت "تجارب این نقیب"

گزارش و تجاربی چند از یک نقیب:

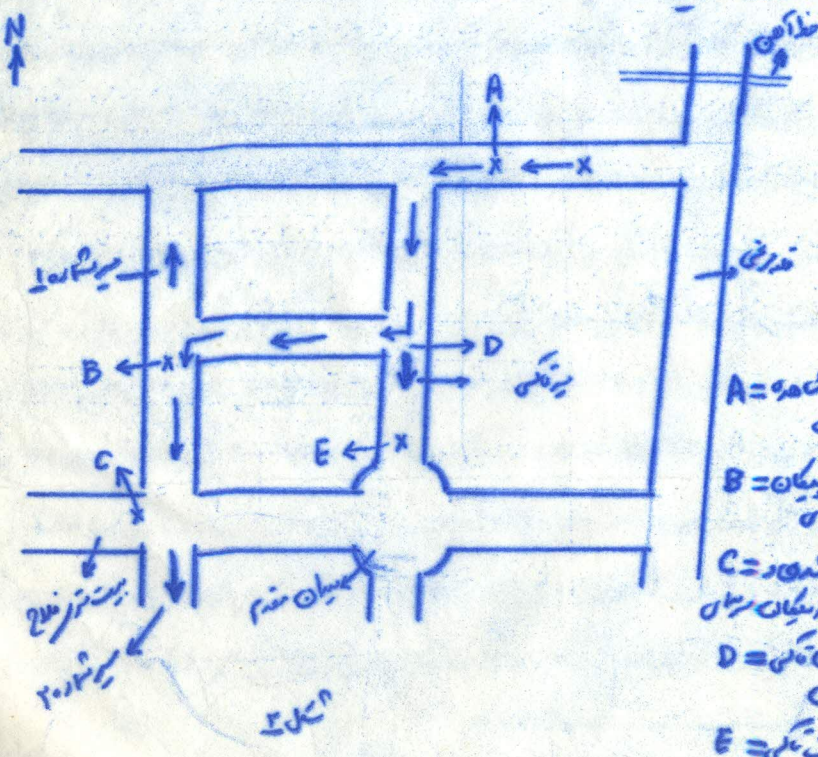
بانیاه در کوهستان که چوین خوبان اردشیر (۱) واقع بود. من صبح ساعت ۶ بقصد اجزای قرار از خانه
 خارج شدم. وارد خیابان اردشیر شدم. در پیر از چند تنگ نامی خاص که گویا تازه بکار افتاده بودند
 کوه مراد شدم. در همین رتق سه فرزند یک زن و دو مرد - به همراه شدند. عقده من سرین بود
 جدر نامی نشسته بودم. نشتر در جدر را بشین بهم اندکی در میان را از کنترل بیست کوتاه من گذ
 و حتی لاشان با این در عقب را بشین نشست - در چوین راه یکبار برشته در فاصله بیست و یک پیکانی
 سفید مایل به طوسی را دیدیم که هر کجا که برین در وقت من ساختن و دیگر تا آنها برین سازد و حتی پیاده شدم و
 یک دقیقه نشتر ماندم تا عقب را کنترل کنم

→ Z



- A = محل لاشه نم
- B = محل سازه نم
- C = محل درخت نقیب
- D = محل درخت نم

میں تصور کرتے۔ محیط سطح نما را داشتیم کہ بیجان سفید پایی بطور مساوی در اصل دور زمین داریم۔ البتہ
 ۱۵۸۱ تا ۱۵۸۲ میں۔ میں کہ بدون محیط سطح نما ہمیں برکتی دور بارہ بیجان نظارہ کردم۔ اور بہت بڑی
 در درخت خلاف روشی رفت۔ و در محیط شدہ در برابر طی کریم جدا فصلی قدر عرضی و محیطہ۔ ہم قلم
 عرضی داریم۔ و این سڑکوں ششگوشہ ہر طرف شدگی ہر طرفہ ہوں و نقطہ بیجان سفید را در زمین را داشتیم
 در قدر عرضی مساوی یعنی شدہ بقدر بیجان مندم حرکت کردم۔ و در قدر عرضی غیر منجم حیدہ بار یک کردن
 قدر انتم غیر زمین۔ چون اغلب اقدار ہوں۔۔۔ بہت ہوں ہر طرفہ تا در خیابان بین خط آکھن شدیم۔
 در وسط این خیابان میں یک تاسی باد و نوسر شین را ہا ہر طرفہ کردم کہ با مصلحتی ۲ متر از زمین آکھن۔ میر
 را پس شکل ۱ طے کردم



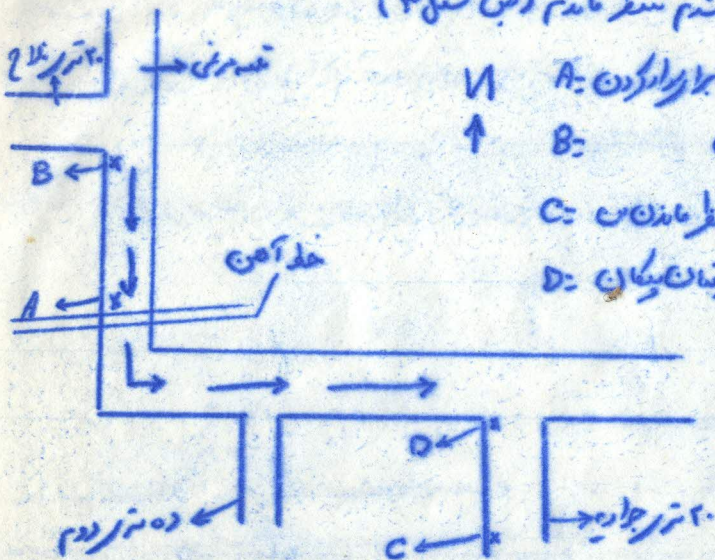
- A = ۹۰ متری عرضی
- B = ۱۰ متری عرضی
- C = ۱۰ متری عرضی
- D = ۱۰ متری عرضی
- E = ۱۰ متری عرضی

۱۵۸۱ تا ۱۵۸۲ میں۔ میں کہ بدون محیط سطح نما ہمیں برکتی دور بارہ بیجان نظارہ کردم۔ اور بہت بڑی
 در درخت خلاف روشی رفت۔ و در محیط شدہ در برابر طی کریم جدا فصلی قدر عرضی و محیطہ۔ ہم قلم
 عرضی داریم۔ و این سڑکوں ششگوشہ ہر طرف شدگی ہر طرفہ ہوں و نقطہ بیجان سفید را در زمین را داشتیم
 در قدر عرضی مساوی یعنی شدہ بقدر بیجان مندم حرکت کردم۔ و در قدر عرضی غیر منجم حیدہ بار یک کردن
 قدر انتم غیر زمین۔ چون اغلب اقدار ہوں۔۔۔ بہت ہوں ہر طرفہ تا در خیابان بین خط آکھن شدیم۔
 در وسط این خیابان میں یک تاسی باد و نوسر شین را ہا ہر طرفہ کردم کہ با مصلحتی ۲ متر از زمین آکھن۔ میر
 را پس شکل ۱ طے کردم

در نقطه D تا کسی از جا جدا شده و نسبت جنوب رفت و ما را همی غرب شدیم. در نقطه B و در جهت
 سر بیخ من برگشته بیگانهی سر ما را (۱) و اما آنستنی بلند و سه سر زمین دیدیم. در بالا نصد بطرف شمال - ۱۰۰ م
 ۱۱ و کت کردیم در نقطه C بیان شدیم. چند دقیقه توقف کرده تا ما سینه‌های را که از زیرت سر ما
 می‌آید گفتند که این مقصد است به ضلع جنوبی خیابان را داشتیم که بیگان در باره همدیگر شده‌اند
 باره این از شاهده من عبارت بطرف جنوب ۱۰۰ م سر سازه ۲ و کت کردیم کتگر العمل را با فرزی
 در دست پس از دیدن من از غرورشان داده شد آنکه جهت نسبت غرب یعنی در خیابان ۲ متر نخل
 داشت.

به ضلع جنوبی خیابان ۲ متر نخل آمده باره بیگانهی سفر کنی بقصد جاده شدیم. در میان مقدم
 نظر به خیابان شمالی بین میدان - خیابانی که تا کسی سیرت را از سر ما جدا کرده بود - انداختیم و کتانی
 بود. نقطه E (شکل ۲) در حالت ایستاده دیدیم و پس از آنکه کسی که نزد میدان گذشتیم بر نشاند تا کسی را که
 در حال سیمیدن ما گمان در جهت ما داشتند کردیم تا کسی فقط در سر میدان بیخ گفتند و در عقب
 فرد را در جهت ما نشاندند و ترغیب می‌کرد. وارد کتگر می‌شدیم و بین ترغیبان را طی کرده بودیم که
 تا فرزی دست بلند کرد و ما بین ما بقصد میدان سیر طرف بین تنزلی کرده و دوباره بین از چند
 متر کت متوقف شد. در این حالت ما برگشته و بیگان سر ما را دیدیم که اول بخفتی شاهده
 تنزلی از طرف ما شیر ما گفتار زده را با کت مجدد آن مقصد کت داشت و دوباره ما توقف
 کامل ما از این مقصد منفرد شد. او فاصله بین فرزی از ما متوقف شده بود و فاصله آنرا ما
 آنقدر بود که کسی جهت صورت در دید ما نمی‌دیدند و می‌خواستند که کسی العمل است در
 نظر نسبت همانطور که منم املا ترکیب و چهره شان را نمی‌دیدیم در بین لحظات تا کسی از بعد

از مقدمه برنی گذشته و یادگان را بابت سرگذشته داد و بیت تر جزا دیه شدیم. من سر بیج
جاریه گرفته (۳) پیاده شدم منتظر ماندم (طبق شکل ۳)



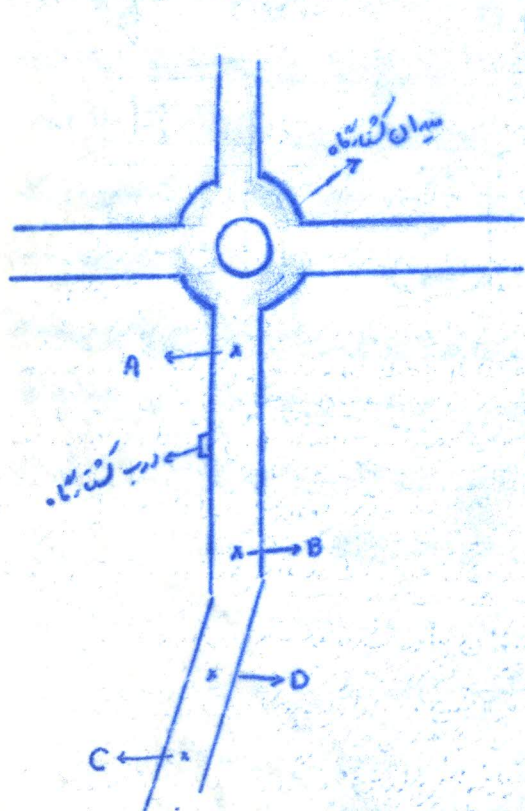
- ۱ A: من وقت ماشین را برادر کردن
- ↑ B: من وقت بیکان
- C: محل پیاده شدن و منتظر ماندن من
- D: محل پیاده شدن سر نشینان بیکان

پس از چند دقیقه بیکان هم پیچید و با شاهد من ملاقاتی بکنه زد و در سر نشین پیاده شدند
 (نقطه D) که از سر نشینان ملاقاتی از چشم من مخفی شده و احتمالاً نقش عقبه دار را ایفای کرده
 بود در این موقع همه عمو و قتیب در حیدر من در کار گرفته بودند. از این عقیده پیاده شدند. جبار و ماشین درون
 دست بلند کرد. بیکان از حیدر من گذشته و بین از عبور و راننده اش در آینه مرا کنترل می کرد.
 تا مکن اهل را ببیند. فردی که به اصطلاح از بیکان پیاده شده بود. بدون اینکه حتی نشینان
 ساز می شنید. راننده بیکان پیاده می رازد! - دستخط ماشین بود. بواسطه بیکان ساز گشتی شده و از
 حیدر من عبور کرد. در این زمان جبار که نشینان از من مخفی مانده بود و نقش را در درون
 جیب پراهن کرده. بیشتر راهم به آن طرف هم کرد. با حمل دادن کرد. - ماشین چند قدم حیدر از
 من رفت کرد تا با پیاده کند و من بطرفش حرکت کردم و با زخمی می کرد چهره اش را مخفی

کند. حال آنکه در همان حین نقطه میس پیل را سنده راه او داده بود و حالا در محلی هم پیل را
 دیگر انداخت. به تقدیر. برادر بیگانی به مقصد میدان گشت نگاه شدم.

بیگان چند مرتبه از میدان - طرف جنوب متوقف شد و من پیاده شدم - آفرین بر سر بود -
 محض پیاده شدن با زخم بیگان سرسار از من من لذت - در سر وقت ما فرودش را متعنی کرده
 بود و من متوجه او نرفته بودم. با در این ترتیب با زخم رویت ما قرار گرفته بود
 من بر او تکیه کرده بمقصد نازرا بود شدم. پس از گذشتن از درب گشت ۵۶ پیاده شدم کسی را در حال

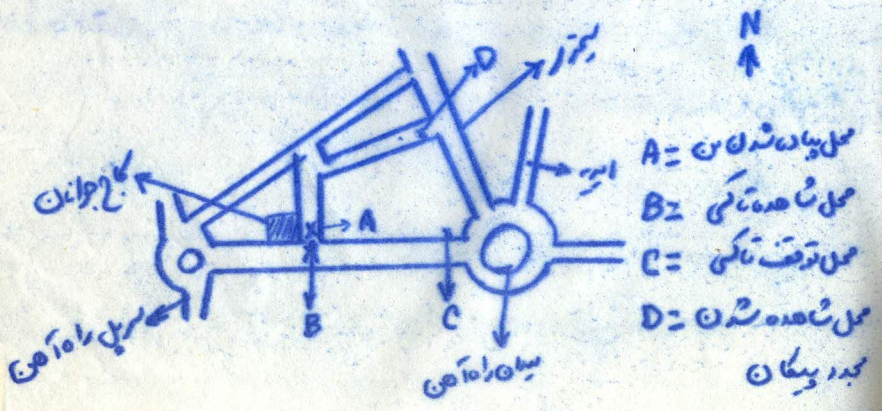
وقف دریم (نقطه ۵)



- A = محل پیاده شدن من رویت مجدد بیگان و سراف شدن
- B = محل توقف تا کسی
- C = محل پیاده شدن من از گرا -
- D = محل توقف مجدد تا کسی

با آن همه تا کسی و ببار گشت کامل از ارتباط از بیگان سرسار در سر و من و در نقطه ج جایی
 تا کسی ایستاده به آن رویت داشت پیاده شدم. محض اظهار توقف از طرف من به راننده گرا -

به عقب برگشته و تکیه را که از بیخ گذشته و هدیه شده بودش هدیه کردم و او هم بجز درین
 توقف از بیخ ما بگذر زده و خودش را در پشت ما نشیند و دست راستش را در میان گردن
 طرف تکیه و دست چپش را در میان تکیه و دست راستش را در میان تکیه و دست چپش را در میان تکیه
 شدن از پارک که در بیخ منم با او رسیده بودم خودش راضم کرده که مثلا بجای در؟ بگذر رفت
 من در نقطه B را در وضع تکیه در بگشاده مان بود از راه ایستاده در عقبه راه آهن شدم
 تغییر جهت گمان - از سر جاده - ما در تکیه خود بود و حالا از تکیه با تکیه - این در حالت
 تکیه و خارج شدن از تکیه را بخوانیم. در مسیر تکیه گشته راه در راه آهن آنها خودشان را ضعیف کرده
 بودند و منم که در عقب را چپ می کردم آنها را ندیدم تا در سر بیخ که چهار فرساید به میدان راه آهن -
 کوچه ای که در بیخ آن کاخ جرانان قرار دارد ایستاده گریه در راه آهن در آنست - پیاده شدم
 در نقطه A در بیخ از تکیه تکیه تا در نقطه و دست چپش را در میان تکیه و دست راستش را در میان تکیه
 کاش هدیه شده درین بار با تکیه در بیخ !! که در هر تکیه نشسته بود در آن تکیه تکیه با یک حالت
 بینا بینی که هم نگاه کند تا بفهمد در چه حالتی هست و هم خودش را به خیال نشاند و هدیه نیم نگاهش می انداخته
 و بلافاصله در بیخ تکیه ایستاده برگشته - همیشه در جهت میدان راه آهن در راه آهن - نقطه B
 (شکل ۴) در وضع جنوب خیابان) آمده تا مسیر را تعیین کنم و در نقطه C تکیه که می کردم
 خودش را پشت یک اندر بیخ در داخل پیاده روی مخفی کند و بیدار بود.



میرم که آتیه داده و با این نگاه که ای بار خدایم درین از چند دقیقه بیفکان سه باره بیان
 ترتیب اولی! که در جلد و جراتی در عقب پیدا شده و آنها با دیدن من به اصطلاح و با تحمل
 در سر بیخ بیشتر توقف کردند و من سر راه واتی شده و در خیابان بیشتر حرکت در آیدم و دست
 مقدسش سپه غریب در دوشم انجام داد برادر در منقح مناسب تمخضی و دم. حوالی میدان دروازه
 حسن کردم که تا کسی با من سر نشین در تعقیب من است (که در جلد زانی با آن سهیل گونده از
 متفر بود) آنها سعی می کردند فرودشان را از دیدن با مخفی شدن در پشت، سینهها را در توقف
 ده نادیدار که دیدن کرده بودند... دور بنگارند. ولی گمان از عقب مای آینه تا سپه غریب
 را به عبور از خیابان طرز منحصر بگمان و گمانی است که در

بر از چه در راه و لوق اسپه غریب - سلسبیل اسر کوچه اسر (نقطه A) پیاده شده میرست
 وارد کوچه ششم پس از طی مقدار از کوچه در بر سر درین کوچه منتهی به فونر در نقطه B یک تکی را
 تمخضی و دم. میرم و آتیه داده و بطرف شرق از سلسبیل گذشتن وارد کوچه در بر سر ششم پس
 بطرف جنوب رفته پس از قطع سپه غریب بازم وارد کوچه در بر سر ششم شده. از آنجا بطرف شرق
 رفته و خیابان مذاب شتر، سینه، ماندم مواز بیفکانی شده و آتیه از چه در راه رضای یادداشت
 از کوچه ای غریب به خیابان بر یک رستم. یکی شتر ماندم وی بر من خودتی خیابان و گبر و سبز
 دوباره از کوچه در غریب این خیابان به نزدین رسیدم. در سر ایستگاه اندر بر جنب خیابان
 مکتب از بر سر سبزی (در مای) در حال وقت بود که قدم را بر درونش انداخته و از نقطه
 دور شدم و این از چند مرتبه تعقیب در نزد شکر می و چون است.

نتیج های افکار تعقیب کننده:
 ۱: چهارشنبه، گشتی با شکی بآمده در در کوچه و سبسی نازک. و کاغذی عصابی ولی
 بار یک و ستاب. به نظر کم و چسبیده - غیر مسلح - بتی داشت قدر بلند و هیکلی بین

مانند بیگان آبی: پستی سببه و دانست با این تفاوت که صیقلی خیلی صبح در روز کوی
از او بدرد. در این کوی و صیقلی نازکی که کمی لطیف یا نازک کشیده شده بود
مانند آبی: در زبانه و زمانی نزدیک وقت می بود این متوسط و همان طریقی قدیمی بلون
بالا. بطرز گرم گدار بقی دانست.

نوردم تا کسی: پستی توده اسر. در در کجی - با فوهای ریز
نوردم بیگان آبی: جلای بی بی سال. لاف. بلند. در در کوی. کوه از غمگین. بلور
سببه عنق و سبزه کج بقی دانست.

تجارب این تعقیب:

۱- ارتباط بیگان سفید که در هر یک اول تعقیب شده کرده بودم با این تعقیب
برایم در شرف. (از ارتباطی داشته باشد حدیث من اینست که آنها با معرفت کردن بیگان سفید
مضاج کردن آن از دور تعقیب. قصد گراه کردن ما را داشته که ارتباط تعقیب با او نگاه
را قطع کرده و تعقیب را - بزور کف - خیر از دست من تلفی کنیم.

۲- در تعقیب سعی می کنند که یک آیب از جلدر آیب دیگر از عقب دست کنند (۱)
۳- بلا فاصله از پشت ما شیر حاصل ما به تعقیب دست نمی زنند بلکه اغلب فاصله
خودشان را تا ما تر حفظ کرده (۲) و بیشتر در پشت قدری در فضا اول پشت ما نشین
ما طرفشان را صغری می کنند.

۴- بهترین موقع کف تعقیب زمان اینست که است. چون نقطه که با کسی زمان ترقت
دست در هم و کسی قصد بدو رفتن را می کند. بایستی سگشته و مکرر السهل، بیشتر از عقب را
در نظر بگیریم - بوظیفه اصلی - چون آنها بعضی احوال ترقت ما شیر ما سعی می کنند فرشتان
را در گوشه ای استوار کنند. فقط در صورت غافلگیر بجز خود لایه می دهند و در جلدر

۵- نیز رتقیب را تب غالباً غره در غنی دارند - حدائق غره یفت از بر سر -

آنتن کاس بلند سر هم دارند.

۶- کلا وارد کوه نمی شوند و پس می کنند از ضیاء آن کمتر گفته (۳) این یعنی صفت لوله
بر این زمین در حالت بد این بایست سیر را و از کرده و از جهت آن بر کمان اوله هم

۷- استفاده بیشتر از ما بین - حالت لوله - امکان انجام بر صفت رتقیب با
استاده از امکانات بیشتر از آنها می گیرد آنها می روند بیشتر در جهان آبی که با اندکی

پس در پیش بجا خود از - یعنی البته این صفت بایست به وقت سیر آنها هم حرفه در سر اول
تصفیه - ششایی - بیشتر شود - بر خلاف نقد بسیار از وقت که تصفیه دارد در وقت
خلاصه می کنند با این ترتیب فقط سرمان را در لاک خودمان کرده و از او این غافل می شویم
مثلا وقت چند دقیقه از سرمان جدا شده است

۸- میر در خدمت بهترین محل برابر کف رتقیب است - این بایست صفت امکان از
این صفت مخصوصا در مراحل اولیه تصفیه عبور کرد

۹- آنها بجهت رسیدن به این صفت که حدودا کمی از زمینهاشان بر این صفت شده
آن ما بین را از دور خارج می کنند - چنانچه این از راه آهن تر از بیگان سره استفاده
نکردند

۱۰- ما بایست خودمان را برابر رتقیب در پیچیده تر از این آماده کنیم



71
پادشاهی در گروه نوری استی - نظامی " بر جود نقیب خندان اردشیر

۵۵- موارد متعدد دیده شده که پیش از یک ایکب در یکت سوره وکت می کنند بدین ترتیب که یک ایکب شفا سوره و نقیب می کند و ایکب یک ایکب دسی بر ایکب نزدیک دارد بنام می کنند. هرگاه ما پیش سوره از من تک با خلوت یا پرچم وضعی عبور کنند در انتظار آن محل تک با خلوت یا پرچم در یک ایکب نقیب کنند که نگردد و ایکب سیر نقیب را در آن می دهیم بنام آنست که هرگاه سوره حین عبور از من عمل می که انسان چپ کردن وجود دارد موفق به شناسایی ایکب نقیب کنند شده در این رابطه مشکوک شده باشد با نبدن آن ایکب در انتظار محل مضموم شده و خرد را قضیه بنیندارد.

(۷۲) - این موضوع در گنیمت بر حسب اینکه سوره چند بر جایشان هم باشد همچنین ایکب در اصل سوره نقیب باشد یا یکیم بر روی آن از سوره رسیده باشند همچنین ایکب نقیب ما از هم عمل شروع کرده باشند و... رفتارشان فرق می خواهد کرد.

(۷۳) : این موضوع فقط برای سوره که سوره دارد عمل در عبور که قبلا عمل نزدیک میزد صیغ است چنانچه سوره از من نقیب در احتیاب بگفت ترکیب از عنصر پیاده بود. لوار و ترکیب یک عمل نقیب استی می برند. نه اینکه فراتر رسیده ترکیب در گذشته دارد سوره دیده شده که عنصر پیاده به نقیب سوره برافنده اند (نمونه ۵۶ - رتبه) به حلال دهقان قرار داشت و در سر قرار از نمونه در سوره نقیب دیده بود.

البته هرگاه سوره طرد کردیم که سوره ایکب از بین لوار بر اساس جهت وکت او در سبب می زنده و بر آن سر این حدیث عمل نیز می کنند. مثلا جهت در یک لفته دور آنجا منتظر سوره میماند. وی همانطور که گفته شد عنصر پیاده نیز در این سوره وارد و در محل می نرزد.

« هجران یک تعقیب »

حدود ادای خود را ماه گیرند بعد از ظهر به مقدمه زود است ملاقاتی با ایشان و باران
 وقت بلای من علامت رفتم اصل علامت در یکی از کتب عربی است میان علامت من و -
 بعد از آن قرار داشت (توضیح اینکه من این علامت را عرض کرده بودم (و در اصل حدیث بود)
 نیز در کتب و در حدیث که تقریباً در حدیث دیگر بودند، قرار داشت (۱) و (۲) لطیف
 شکل [و بدین آئینه من علامت جرمی هنوز بود و متفکاه قرار گرفته بود پس از این،
 بر اطمینان و تقوی که در این طریق قرار تعقیب من است هر دو علامت نامی نام در
 اعتبار است مناب من در حدیث (۱) نیز انتم علامت ما در آن نیز هم در این جهت است
 طاعت من علامت (۲) (در کتب من نیز I) (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲)
 بلکه بعد از در حدیث که در I است نیز حرکت کردم. انوری که در مطابق شکل با
 هیچ کس نمی تاخیر باقی بود پس از آنکه در میان من از دیدن به هیچ سرگشته باشی بود بالا
 گرفتن و در همین محله متوجه بر می شد که از دیدن در (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲) (۱) (۲)
 داشت و کلماتی که بعد از آن در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 کرده بود و تعداد از زندانها را در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 و کلماتی که بعد از آن در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 می چرخانند و کلماتی که در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 نیز در آن بوده است. در حدیثی که از آن در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 انداخت. من در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 بعد از آن هیچ - عیب نگار که در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 است پس نگاه میکنم در این جا که در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 و در این شکل من است. اما من در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 وارد کرده است که تا در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من.

در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من
 در حدیث و در کتب دیگر من بود که در طرف غرب من

در همین ضمن مقرر شد که یکی از درگه‌ها را بر اهن با بزرگت و از انباران نهادن از بعضی
شکم بند واقعه تاریخ بواسطت بعد از آن هر این وضع است نگاه در غیره در آن امره را
نیز به احتمال زیاد همین معنی - توجه او به مقدسات نایب مشاهده از انبار در این - در آن
مستحق به هم بیان به (از ان) و نام و به همین جهت از او اسط که چه **II** بقدر وزن
علاقت اول (۱) با بگنم. هندی به سر میچ بدو شده نیز سینه بود که (۲) "او" نیز
در جهت عکس می از در بر می آید! (۳) **(ع)** دیگر کماله شگن بود که او به بر تعقیب
به زنگنه است. او که تا آن سر میچ می را در می دهد که متفاوته عین حرکت او را انجام راه
بودم بطور مشخصی حول شد و به همان ترتیب از آن درین گذشت و طرف شرق
حکایت نمود. من از وزن علامت **(۱)** مغزف شده این بار از سر میچ بطرف **IV**
و یکس (و تقسیم گرفتیم که نه در تقصیر راد و **II** از کرد چه **III** که چه نمی جنبی
مغزف تقصیر یعنی در انبار **(۱)** **(II)** نده و طرف شرق به است که چه علامت **(۱)**
حکایت کرد. در بار **(۱)** بنفسم که "او" دوباره به بر تعقیب می با از تمام گشت یا نه
در وقت فتح کرد علامت **(۱)** و ضایع بقدر می با گنیم به دیدار یک مغزه - بطوریکه از آن
به سوی **III** وجود داشته باشد - منتظر او **(۱)** در زنگنه کمی انتظاری می شود
II از کرد چه **(۱)** به طرف مغزف مورد نظر حرکت کردیم تا بینیم که او چه بخا هر سینه
یا نه **II** وارد کرد **III** شد و دیدار از دشمن از آن قطع آن با کرد به شب انفرضا **(II)** از کرد
تداخل کرد **III** در او **(۱)** که از این کرد وارد کرد **IV** نده و طرف **II** با **(۱)**
در این مرتبه نیز از انبار **(۱)** می بگنم مغزف و در مغزف با جفت در باره از من در شد
بعد از گذشتن از کرد چه علامت **(۱)** و از طرف **(۱)** بقدر می شد. من به بر تعقیب او در آن از
کرد **II** به است با بین رفتن و من از کرد چه **II** وارد بقدر می شد و از طرف **(۱)** در وقت
شرقی بطرف **(۱)** حرکت کرد. و به همین ترتیب از کرد چه علامت **(۱)** گذر شد - متوجه شد

- از این کوه بر سرش "اود" نامی است حدود ۵۰ متر طولی و در این کوه
 که حیدر کوه خوانده (نقشه ۵) بلندی ناهای و بدون محلی استاده بود و از آن را
 در همین روز وی هندو متوجه من گشتن بودیم نقد رفتن به پادشاه و در این عرض
 خندان را مطلع کردم در همین موقع که در راه بودیم . من را انداز این پادشاه بود است
 با او رفت کردم . او نیز طرف بالا شروع به حرکت کرد و در راه این کوه به ضلع غربی خندان
 قدمی نهاد که کوه منبر است (کوه ۳۳) شد . من به پیش او راه بردم و چند روز پیش
 در این کوه فرود دیدیم . در همین جهت در عرض راه نته و پس جویگی از خانه
 بطرف محلی استاده پس نیز طرف صلیبی از او رفتیم . این کوه به پادشاه و به کوه
 دوباره استاده میداد . بطرف دیگر از کوه طایفه دوم دیدیم و در این کوه
 داخل کردیم و از آنجا طایفه خندان (۳۳) (از این خندان من سوار شدیم و در غرب این
 رفتیم) و کوه کوچک در طرف (۳۳) شد . در راه این کوه (نقشه ۵) در کوهانی
 میراننده بود و در همین کوه من با برایشه گفتند که در این جهت است
 و ناظر در علامت . حدود چند دقیقه از آنجا رفتیم "اود" پادشاه شد منتهی هندو
 را در بالا جهت منی تر است قشیر دهد و کوه بگردد شد ما را دیدیم و بهین
 جهت بعد از چند لحظه حرکت کردند . (بعد از این که در راه بودیم دوباره در استاده
 کوه است غرب کوه نمود . من فرستادم او را به چشم از بالا به جهت منتهی
 حرکت کردیم . در نزدیکی به نفع کوه به خندان (عبد زانی) سر کوه من است
 (نقشه ۴) حرکت کرد . خندان چشم از راه برتر ختم و در راه مسفل شد
 بعد سر را بر سر راه (اود) در این جهت به جهت خندان (عبد زانی)
 حرکت کردیم . هنگامیکه به نفع رسیدیم (اود) که کسی بالاتر بود از این خندان
 سر کوه (نقشه ۵) استاده بود . و کوهها از راه من منتهی در طرف بالا گشتند .

که با واقعه انزلی بعد و باقی... من از آنکه من از اینم در این دو بار بودم که در آن
 در آن روز بر من بود بر حال من بعد از قطع ضیاع عید منتهی دارم که در هر روز
 رنم و دیگر ضیاع ابطی وقت کرد. بر اینم گرفته بودم که در وضع زمانی گرفته
 و خود را از عقیده خود من کنم. چرا که از آنجا که من تعجب و دیگر رنم و مواجبا
 هیچ خود شکوک و در در هر رنم و تعجب که بودم. این که در آن روز شکوک
 استی داشته و تقریباً ممکن شد که من عدالت موافقت است. به این جهت
~~بسیار~~ دیگر ~~نکرد~~ و تعجب آن روز جزو فایده بود دیگر نشد.
 به این جهت از ضیاع ابطی طرز بلا وقت کرد و بعد از آن در هر روز
 مقدر من وقت دیگر غیب. دیگر از آن روز. به این جهت مواجباتی
 شد و از آنکه ضایع رنم. و بعد از آنکه ضیاع مواجباتی باز گشتم.

اشکالات و ارباب وقت من در این تعقیب :

۱- بی توجهی به بعضی نگاه داشتن سلاح و نارنج... از اینها باین گفتند من غافل
 من وقت و غیر (همه تر جبهه بازمانده گم در این). این عمل منی تر جبهه کافی بود
 من شمن نبودن سلاح نارنج... از اینها باین ریاضت و... چه بطور مستقیم
 (بازمانده که گویند من گت... و چه طریقت غیر مستقیم من ای در حقیقت و این
 صبر و نصاب... از آنجا که من باید عفو دیدار سرقت میانه آن
 را تقصیر و عهد - هموار باید به عنوان که اصل چینی - من در تر جبهه گرفته و بآن
 چکار لازم دارد.

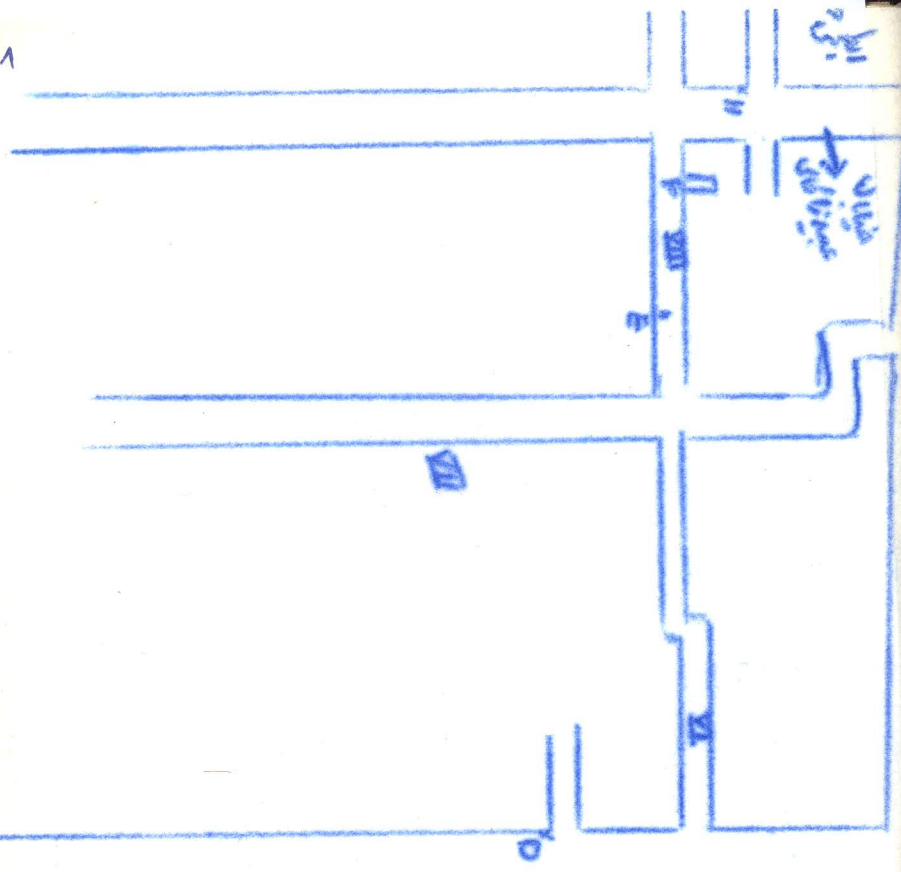
۲- بر خود در هر وقت که بعد از این اولین وقت شکوک (از این نگاه منی در راه
 رسیدن در این نگاه اوازیت سر من ~~چگونه~~ بر گشتن به عیب) از آن روز به این
 صفت عمده انجام وقت درست و نصاب باین مستعدیت. چرا که اگر از این

ابتداء بر خود را او بشکند و مستقیم ساخته و این وقت براری برین به قطعیت ۱۴
 قطعیت آن این بود که وقت را بطور طریقی به حکمت شرف در هر چه II (دو می دارم)
 (نه اینکه در اینجا به بری گنیم) و پس ضمن این وقت سعی کردیم که ببینیم که آیا ار
 مرا عقیب می کند یا نه؟ و پس در ضمنی هر دو صفت بافت من قطعیت عقیب بودن
 حرکات افغانی دیگر (پس چون در نقطه علامت عقیب که است از هر دو از بی برود
 به قطعیت عقیب و...) که در نظر نگارنده از در قطعیت صاف می شود. و پس دیگر
 که منسوب به در این وقت را تعیین می کرد. این بود که منبر است در ضمن حال این نقطه
 را به خود مظهر حاصل می آید. اینکه از طرفی نزدیک است علامت مستقیم است (در کف در راسته
 آن این شد که است اتفاق است یا با لافش می آید. سلاخی با رنگ استکی در آن) و
 در آن طرف دیگر می آید است از هر دو در حال علامت و علامت با رفتن به هر عقیب او
 خود را در تمام. چرا که به این ترتیب با انجام این عمل ادلا از نقطه علامت در می آید
 تا شب او را بر زمین خرابی کشد. و در تمام از نقطه علامت است عقیب را حقوق
 خطا است بر سر زمین من به هر دو نقطه علامت این بود که شده ممکن بود آن در زمین
 است از علامت ظاهر می آید باشد و پس در آنجا که من نشسته و انحراف می آید به
 علامت سری زمین انسانی در وقت بر زمین و در همین جهت است در است
 نقطه علامت است که کنترل نمودن زمین ترا کرد. و به این ترتیب هر دو زمین از
 قوه آنجا که در است هر خطای باشد. و در همین کار نزدیک در نقطه علامت بود
 * اگر چه در آن مرتبه و همچنین بعد از هر از هر یک منصف بر رفت. مستقیم است. احتمال زیاد است
 در میان و به زمین کش و در آنجا که به زمین مشخص دارد شده. اما در این مورد همیشه
 می آید به زمین شوق را در نظر گرفت و در این آن عمل کرد تا خطایش ثابت شود.
 من

41

251

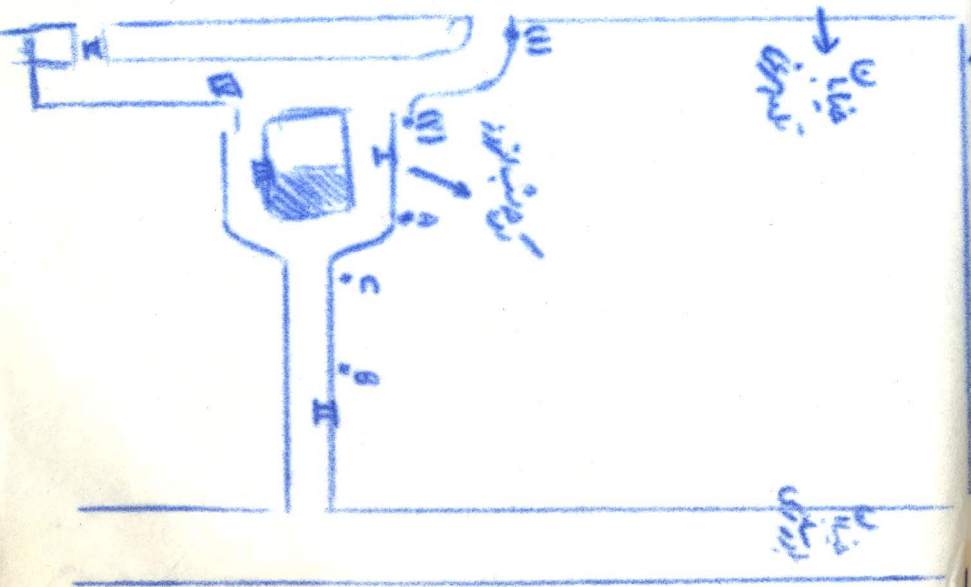
دنيا
↓
سولت



دنيا
↓
سولت

دنيا
↓
سولت

دنيا
↓
سولت



« شیوه سوزاندن مدارک در مواقع اضطراری »

همانطور که در پیش نامه مربوط به انتشار نشریه مبتنی است در قرار شده در اولین شماره این نشریه رهنمودی راجع به ساختن یک وسیله برای نگهداری مدارک سوزاندنی به ترتیبی که برای رفقای که دیده و تجربه تکلیفی ندارند نیز قابل ساختن باشد، همچنین توضیحاتی راجع به نحوه سوزاندن مدارک آورده شود. این رهنمود را در قسمت خازیم آورده: اول توضیحاتی راجع به نحوه سوزاندن ~~مواد~~ مواد سوزاننده مورد استفاده و دوم توضیحاتی راجع به وسیله نگهداری مدارک سوزاندنی و طرز ساختن آن. اول راجع به مواد سوزاننده مدارک و نحوه سوزاندن آنها: همانطور که رفقا هم مطلعند تاکنون از ناپالم برای سوزاندن مدارک استفاده میشده و کاربرد آن بهین صورت بوده رفقا مدارک سوزاندنی را در یک آکبش قرار داده و در کنار آن ظرفی (عمولاً یک بطریک نیمه ای) حاوی ناپالم قرار میدادند. در موقع لزوم ناپالم را روی مدارک درون آکبش ریخته و با زدن کبریت آنها را به آتش میکشیدند.

این شیوه سوزاندن مدارک که تاکنون تنها شیوه قابل اتقای در سازمان شناخته میشده در تجربه نشان داد که به هیچوجه دارای راندمان نبوده به طوری که پس از اتمام ناپالم و خاموش شدن سفله اگر مدارک - مخصوصاً اگر تعداد مدارک زیاد بود و از دفترچه و کتابهای بستای بزرگی تشکیل شده بود - بطور نیم سوخته و خاکشبه سوخته بر جای میماند که در درجه اول ناشی از نرسیدن هوای کافی به مدارک در حال اشتعال به دلیل بهم نشدگی آنها و در درجه دوم ناشی از مقدار کم ماده سوزاننده ناپالم میباشد. توجه شود که سوراخهای به نه آکبش نه تنها تا بزرگتر میزان مبتنی در جهت رساندن هوا به مدارک در کار مانده اند بلکه این سوراخها باعث خرز

رفتن نایالم نیز می شود بطوریکه اگر سببی از این ماده صنف نایالم روی مدارک بریزند
از این سوراخها خارج شده و تا نیمی در عمل سوزاندن مدارک نخواهد داشت .

از طرف دیگر از آنجا که یونولیت موجود در نایالم در موقع سوختن دود
زیادی ایجاد می کند ، مایع نایالم برای سوزاندن مدارک در محل های سرپوشیده

ای مانند اطاق که ضرورت مانندن اوزادی در آن نیز الزامی است . مثلاً در
زمان دیگبری با پلیس و مقاومت مسلمانان ، مناسب است ، زیرا ایجاد ناراحتی

در مجاری تنفسی کرده که در صورت ادامه منجر به قحطی نیز میگردد . در این
گونه مدارک یعنی در چین محل های کربسته و محدودی میتوان از اکل

صنعتی برای سوزاندن مدارک استفاده کرد . خصوصیت اکل در سوختن
بدون دود است . البته حرارت و دیرپائی نایالم نسبت به اکل بهتر

است * که این نقیصه را با مصرف بیهوده اکل میتوان جبران نمود .
لذا به جرات فوق برای سوزاندن مؤثر مدارک باید پیشه ایلی ایجاد کرد

که اولاً مدارک در معرض آئین کافی جهت سوختن قرار گیرد ، ثانیاً ماده
سوختنی به مقدار بیهوده و بطریق مؤثرتر در مجاری مدارک قرار گیرد ،

ثالثاً حتی الامکان برای طعم به جای نایالم از مایع سوزاننده
بی دودی نظیر اکل استفاده شود .

براین اساس طعم ذیل پیشنهاد می شود . این طعم در عمل تجربی شده
و نتیجه رضایت خبثی داده است .

دوم وسیله سوزاندن مدارک : این وسیله بر این اساس ساخته
شده که اولاً مدارک از یکدیگر جدا بوده و هوای کافی در بین آنها جریان

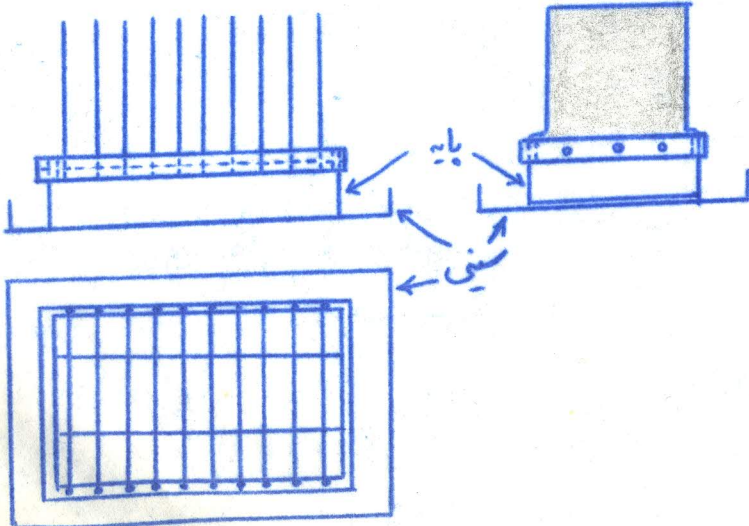
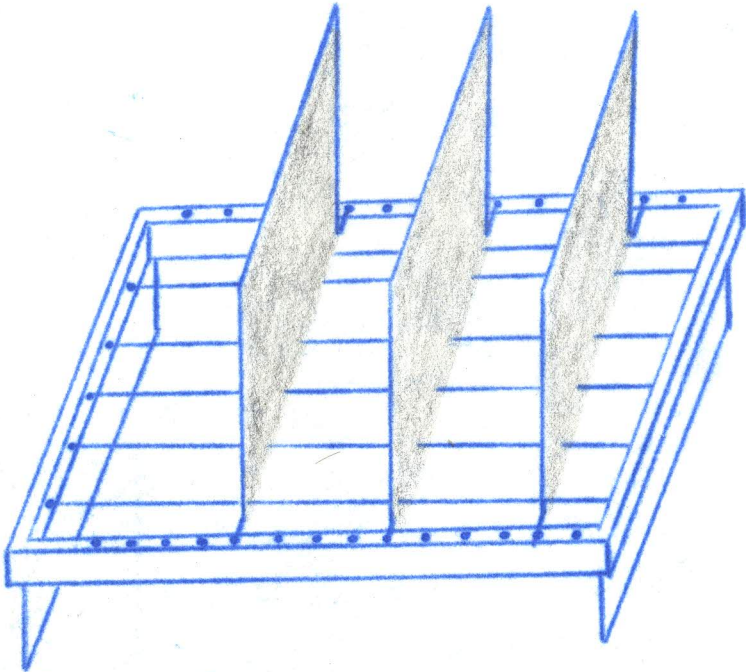
* این راهم باید توجه داشت که اکل نسبت به سوختن در وقت به مانند
تیز و نیزخ و سایر مستقات نفی دارایی شکل حرارت کمی است

داشته باشد، نهایتاً متغیر از اقل در زیر مدارک موجود باشد تا هم از زیر نیز
 سطله به مدارک برسد و هم اینکه در این متغیر اقل بیتری بتوان بکار برد.
 محل گذاردن کتابها و مدارک تکمیل شده است از تعدادی صفات توری
 که مدارک در بین این صفات به طور ایستاده قرار بگیرند. در صورتی که
 کتابها پر برگ باشند میتوان به طریقی آنها را قرار داد که یکی دو صفحگی توری
 در بین صفات آن کتاب جای گیرد. تعداد زیاد سوراخهای چارچوب
 - حدود ۳۵ حفت - نسبت به تعداد صفات توری - حدود ۱۵
 عدد - به خاطر اینست که بتوان متناسب با قطر و شکل مدارک، صفات
 را در جاهای مناسب روی چارچوب تغییر مکان داد.
 همانطور که گفته شد کتابها را باید بصورت ایستاده در بین صفات
 توری گذاشت. مطابق شکل روبرو



این شکل گذاردن دو دلیل دارد. اول اینکه موقع ریختن اقل روی مدارک،
 این مایع میتواند لای بر لای صفات کتاب رفته و باعث نرسیدن اقل
 گردد. دوم اینکه سطله ای که از زیر و از درون سینی به مدارک میرسد به قسمت
 بسته و صغافی شده کتاب برخورد کرده بلکه به برزهای باز و آزاد برخورد کند
 و آنها را بهتر بوزاند. در زیر این وسیله یک سینی قرار میگردد. شناخته در
 فوق آن سه لوله به لیل رانده مان بالا تر رسیده آن هوا - نسبت به آبلش - و
 همچنین وجود سینی، در این سینه میتوان از اقل صفاتی به عنوان مایع
 سوزاننده استفاده کرد. مقدار مصرف اقل برای حدود پانزده مدارک
 هر کدام به حجم تقریبی یک دفتر صد برگ، حدود ۲ سینه اقل صفاتی است.

در زیر شکل کلی این وسیله دیده می شود.



مربع رنجین الکل روی مدارک، مقداری از این مایع به درون سینی راه ظاهر
یا منت، علاوه بر آن باید مقدار دیگری الکل بطور مستقیم در سینی رنجیت، با این
عمل مادر حقیقت هم مدارک را از زیر نیز آتش نیزینم و هم تداوم بجای
برای سفارندن از طریق بکار بردن جمیع بجای از الکل تا مین کرده ایم.

این سینی را میتوان از بازار تهیه کرد. نوع مناسب و ارزان آن سینی
سینی دی جلی پرسی است که روی آن عکس و منظره چاپ شده است
در کف سینی باید مقداری پنبه پهن کرد. این پنبه با مقداری الکل درون سینی
را جذب کرده و بدلیل اینکه سوختن مایع را کنترل می کند، باعث تداوم
بجای عمل و دردی تمام شدن الکل میگردد.

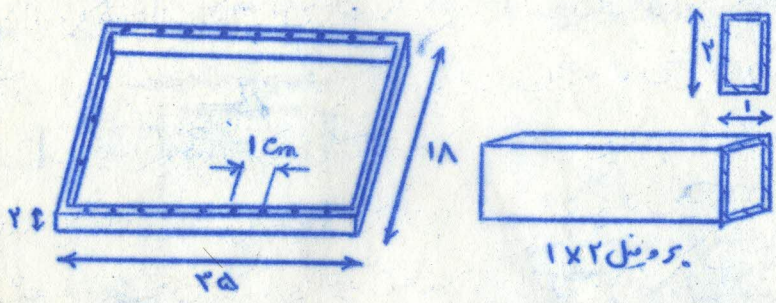
این وسیله قلیل گه است از یک چارچوب از جنس پرومیل آهن
چند تکه سیم که در کف این چارچوب قرار گرفته، پایه های سیمی برای بالا
نقاه داشتن چارچوب از سطح سینی، یک سینی که وسیله در درون آن
قرار میگردد، تعدادی سیم که در سوراخهای روی چارچوب قرار میگردد و مدارک
را جدا از یکدیگر نقاه میدارد و مقداری تورک سیمی.

طرح تهیه: *

۱- چارچوب، پرومیلی که در اینجا بکار میرود دارای مقطعی مستطیل

* ابعاد سینی که در اینجا می آید برای مدارکی با حجم در حدود ۱۵ عدد دفتر
صبر بزرگی است. و افع است که این ابعاد متناسب با تعداد مدارک
قابل تغییر است. مخصوصاً زمانی که تعداد کمی مدارک مورد آشنی دارند میتوان شد
از طرحی ساده تر دیگری که بدون استفاده از چارچوب پرومیل نیز
عملی است استفاده گشته. مشروط به اینکه این نکات در آن طرح
در نظر گرفته شود: مدارک عمودی و جدا از یکدیگر قرار گیرند همچنین تعداد
آتش از زیر نیز به مدارک برسد.

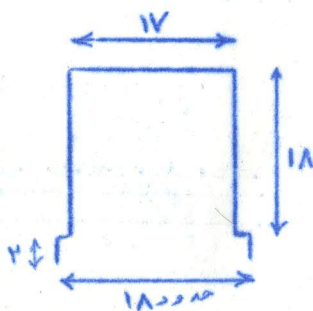
با ابعاد ۱۸۲ سانتیمتر است . از این پرویل یک چارچوب با ابعاد ۱۸×۲۵ سانتیمتر می‌گیریم . برای بسته آن می‌توانید به مغازه های در و پنجره سازی که به تعداد زیاد در سطح شهر موجود است مراجعه کنید .



پس در روی دو ضلع بزرگتر آن تعدادی سوراخ به قطر ۳ میلی متر ایجاد میکنیم
 بطوریکه اولاً سوراخها دو تا دو تا مقابل هم بوده و ثانیاً فاصله دو سوراخ در یک
 ضلع از هم دیگر ۱ سانتیمتر باشد . این سوراخها که حدود ۳۵ حفت می‌شود
 طری زده می‌شود که از هر دو ضلع پرویل عبور نماید ، تا به این ترتیب یک
 سیمی که مدارک لابلای آنها قرار گرفته اند با عبور از دو ضلع پرویل ممکنه در جای خود
 ایستاده و به طرفین کج و راست نشود . همین تعدادی سوراخ که حدود
 ۵ حفت - در سطح داخلی اضلاع کوچکتر باقی بقیه می‌شود . این سوراخها جهت
 قرار دادن تعداد ۵ عدد سیم در کف چارچوب برای قرار دادن مدارک
 روی آن میباشد . توجه شود که هر کدام از این سوراخهای اخیر در یک سطح پرویل
 ایجاد شود نه دو سطح ، تا دو سوراخ ۵ عدد سیم به دو سطح سوراخ نشود و گیر
 کرده و بیرون نیفتد .

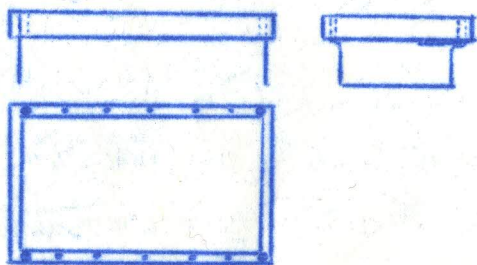
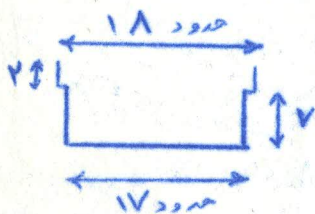
میتوان محل سوراخ را روی اضلاع چارچوب علامت گذاشته پس
 با مراجعه به همان در و پنجره سازی یا تراشکارها یا در سوراخ در لازم را ایجاد نمود .

۲- قسمت بی سبی . مقول سبی که بکار رفته از نوع نرم (مقوله های ساختمانی)
 با قطر ۳ میلی متر است که میتوان از بازار تهیه نمود . این مقول را باید به سه شکل
 درآورد . اول تعداد پانزده عدد مطابق شکل زیر برای بالای چارچوب که
 کتابین آن قرار گیرد .



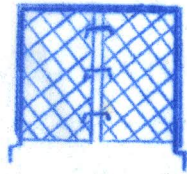
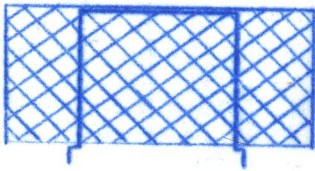
دوم تعداد ۵ عدد به
 طول حدود ۳۵ سانتی
 جهت وارد شدن در کف
 چارچوب .

سوم : تعداد ۲ عدد مطابق شکل زیر به عنوان پایه های چارچوب . این
 پایه را در دو جهت سوراخی که در دو انتهای اضلاع بزرگ چارچوب
 وجود دارد قرار میدهیم .



۳- توری سبی ، از همان نوع معمولی است که برای جلوگیری از ورود مگس به
 پنجره استفاده می شود از نوع سوراخ درشت انتخاب گردد . نقش توری
 بهیچ صورت است که مانند دیواری - البته دیواری که نه فقط مانع جریان یا سب
 هوا شده بلکه جریان هوا را خود هدایت می کند - مانع از بهم چسبیدن مدارک
 به یکدیگر میگردد . مدارکی را که بصورت کتابچه پررنگی میباشد میتوان به توری
 روی چارچوب قرار داد که یک یا دو صفحه از این توری را صفحات آنرا به دو یا

یا سه قسمت تقسیم کند تا موخف آن آسانتر گردد. این توری را باید در ابعاد تقریبی ۲۴×۱۸ سانتیمتر بریده تا بتوان یک بار به دور سیم‌های بالای چارچوب پیچید. مطابق شکل زیر. محل رسیدن دو سر آن به هم را بوسیله سیم‌های نازک مثلاً سیم‌های ماسین دوخت به یکدیگر وصل نمایند.



واضح است تعداد لازم از این قطعات توری ما رویت با تعداد سیم‌های ساخته شده برای بالای چارچوب.

برای مونتاژ وسیله اول توری را به دور سیم‌های نشان می‌نهدیم (بهتر است دیر توری را هیچگاه باز نکنیم و در صورتیکه برای حمل و نقل میتوان قسمتهای دیگر نظیر پایه ۲ یا خود همین سیمها را که توری روی آن پیچانده ایم کلاً از چارچوب بیرون آورد) بعد ۵ سیم مستقیم را به یکی از نخ‌ها دادن در در صانع کوچک چارچوب جا میدهم. سپس پایه ۲ را به سوراخ‌های آخری از زیر فرو کرده و از روی سیم‌هایی که دور آن توری پیچیدیم را در جاهای خودشان فرو میکنم

* بیرون بکشید *

در مورد حق رسیدگی و آشنایی زدن مدارک سوزاندنی از

آبخانه :

- ۱- چنانچه رفقا بخواهند بطور فردی و تک تک اقدام به خرید ابزار و مواد لازم و سفارش دادن قسمتی لازم آن به مقارنه و سپس سخن قسمتی دیگر آن در پایگاه بگنجد. وقت و انرژی هفتگی - نسبت به بینه تعداد لازم از این رسیدگی نقطه با استفاده از ابزار و لوازم مناسب تر - صرف میشود
 - ۲- خارج بینه ابزار و مواد و خدمات لازم بطور تک تک در مقایسه با خرید یک جای مواد موجود بود و ابزار بسیار زیاد میشود.
- لذا تصمیم گرفته شد، بینه تعداد لازم از این رسیدگی به عمده گروه تکنیکی سازمان و انبار گردد. این رسیدگی پس از بینه در اختیار رفقا قرار خواهد گرفت.

* « انفجار ناخواسته نارنجک در خانه پایگاهی قلعه مرغی »

چگونگی حادثه :

ساعت ۱۱ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۴۰۶ ساعتی از وقتاً - A - که صبح را
 چهارم منزل بوده و در آن هنگام مشغول لباس پوشیدن بقصد خروج از خانه
 بوده در حالیکه می خواست نارنجک نفرسی خود را که در کسب تجزیه ای امین می نموده
 و لبنیتی تا نیمه در آن فرو رفته بوده بیرون بکشد در اثر بی احتیاطی و نا
 (یا کسب) شدیدی که محلقه وارد می آید (بعد از آن که دقیقاً برای ما روشن نیست)
 "حلقه" نارنجک کشیده شده و "اسپیل" بیرون آمده و "جاشنی اتسارت"
 عمل می کند. بدینال صدای نسبتاً شدیدی انفجار "جاشنی اتسارت" (کمی پیش از
 صدای انفجار ترقه ها) از طرف تیرها در انتاب باز می آید و جرقه شدیدی از آن
 A به نارنجک جلب می شود. بعد از کمی مدت صدقه علت صدای شده نارنجک
 را در زمین می گذارد و بطرف درب خروجی اتاق می رود ولی در وسط راه گویا
 که هندی باورش نداشت که چه فاجعه ای در شرف وقوع است!
 مانع کرده لعقب سر خود نگاه می کند! که می بیند ضامن دستی نارنجک بلند
 شده و از بهانه فاصله گرفته است. اینها دیگر مطمئن می شود که انفجار در چند لحظه
 دیگر قریب الوقوع است لذا سریعاً بطرف درب خروجی اتاق می رود
 در آستانه درب و فاصله ۲،۵ تا ۳ متر از محل نارنجک در حالیکه تقریباً

* گزارش تحلیلی فوق توسط نواز اعفای کرده مربوطه (A و C و D) نوشته
 شده بود که بعد از برخورد با لازم کرده نشریه امنیتی - نظامی و تصحیح و تکمیل در
 آن بعد از تهیه ای که در فوق ملاحظه خواهد کرد در آمده است.

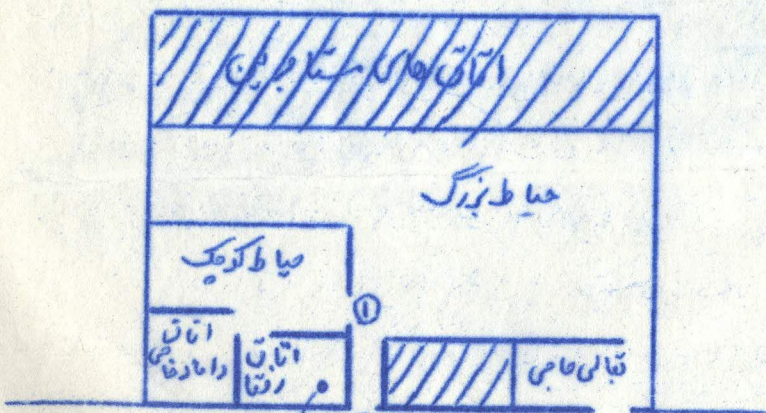
تنها پاسی عقب او در آن بوده نارنجک منجمی شود و قطعه بزرگی از آن که به پیوستگی
 در آن است او که در تیروس قطعت منجم شده قرار داشت می خورد، شکار او را
 سوراخ می کند و جرات طغی از دریا بشین ایجاد می کند. A احساس درد و کوفتگی در ران
 راست (چپ) خود می کند. البته از شدت صدا و مروج انجمار و هیجان درونی
 قد از گنج و مات می شود ولی بلافاصله برابر برداشتن اسلحه کور بعقبه فرار دارد
 اتاق می شود. داخل اتاق را در غلظت و گرد و خاک ناشی از زرش غبار از
 سقف استغ از حصار و نگاه و گل بوده گرفته بوده و آنرا و آنکه در حالت معمولی
 نیز کم نور بوده حاشی در تاریکی فرو برده بوده بطوریکه با چشم هیچ حاشی دیده
 نمی شده و تنفس هم مشکل بوده. ناگزیر با کمک دست محل اسلحه را پیدا کرده
 و در غلاف خود داخل کفن تجیزاتی که از قبل بهنگام عازم شدنش به بار بیرون
 سبته بوده می گذارد و پیراهنی می پوشد و با جاگه اردل تمام مدارک از اتاق
 بیرون می آید. قبل از خروج از اتاق لحظه ای بدنش A می زند که مدارک را همینطور
 رها نکند ولی متاسفانه به دلیل آنکه نه نایالم و کبریتی برای آتش زدن مدارک
 در دسترس بوده و نه اصولاً مدارک کفن اندنی و در جداول از سایر مدارک جدا بوده،
 A هیچگونه معطلی را جایز نمی داند و فوراً کفن خود را پوشیده و در صدد خروج
 از خانه برمی آید. بعد از انجمار حاشی (صافینا، ۵ ساله) که در رضا حاشی

(قبالی) که جزئی از خانه نداشت می باشد) مغفل کار بوده و متأسفانه که ۱۰-۱۵
 نفر می کشند اطراف درب اتاق و در صیاط کرمک و نیند متعلق که این
 اتاق (ویک) اتاق دیگر متعلق به دفتر و اما داد حاشی (در آن قرار داشت،
 جمع می کردند و بعضی هاهم بدافضل اتاق سرت می کشیدند که بینند چه
 رخ داده ولی بعقب تاریکی چیزی را نمی توانستند بینند ۱۰-۲۰ نفری

هم تا آن موقع کججا و اند در اطراف درب کویچه درب دوم که از حیاط اصلی
 به کویچه باز می شده و شماره کوچک آن قی جمع شده بودند. موقع خروج از آن قی
 صاحبخانه و یک مرد قوی هیکل ۲-۳ عجم ساله دیگر که گویا یکی از مساجرین بوده
 ولی A تا آن زمان او را ندیده بوده، در حالیکه دستش را به درب حیاط کوچک
 تکیه داده بودند و عمداً مانع از خروج A بودند از A می پرسند که چه شده؟
 A جواب می دهد " چراغ ترکیده! ... بروید سینگ آب بیاورید ... " اما
 حاجی که در میان راسته سینه شده بوده با لحن مستعجابانه در حالیکه به چراغ که در حیاط
 و بیرون از آن قی بوده! ایش را می گوید " آره، چراغ ترکیده! ... حالا
 شما اینجا بمانید ... " A که ابتدا سعی می کند با گول زدن آن در دستش آن
 دنبال سینگ یا ... از جلوی درب رد می شود و وقتی این کوشش را می نماید
 می بیند اسمی خود را می کشد و ضمن تهدید از آن می خواهد که از جلوی درب کنار
 بروند. حاجی که اسمی را می بیند چشمی چهار تایی شود و کنار می کشد و مرد قوی
 هیکل نیز کنار می رود اما موقع خروج A از درب زن حاجی که تعجب زده
 می نمود دست A را می گیرد و مانع از خروج او می شود که بلافاصله A با تهدید و شتم
 و هزل دادن زن خود را از دست او می کشد و طرف درب کویچه می رود
 در آستانه درب کویچه از آنجا که زن حاجی و حاجی دست چپین و ... دنبال او
 راه افتاده بودند و جمعیت زیاد هم (حدود ۲۰ نفر) از زیر درخت اطراف
 درب اجتماع کرده بودند و عملاً عبور او را با کندی امکان پذیر می ساختند تا یک
 تیر هوایی شلیک می کند که ضعیفی موثر واقع می شود و جمعیت را در جا فرو می کشد
 می کند و A فرار می کند. سر اولین بیخ به پشت سر خود نگاه می کند ۲-۳ نفر
 را در ۲-۳ متر عقب تر می بیند که بحال نیمه دو دنبال او می آیند در اینجای یک

تیرهوائی دیگر هم شیک می کند تا دیگر کسی قصد تعقیب او را نداشته باشد و به فرار خود ادامه
 می دهد (ملاحظه کنید که در شکل تعیین شده) در کویچه ها هر چه دیگر هیچ نوزده را
 از تعقیب نمی بندند از اسلحه را در کس می گذارد و دیگر پیراهن خود را می بندد و در
 اولین ضیاعان کوار مائین شده از منطقه خارج می شود.

A پس از خروج از منطقه عازم محل خط خانه که دور باجه تلفن بوده می شود و می چک
 مائیکه نمی تواند بدست آورد باید در دور آن خط می زند که عملاً فایده ای ندارد
 و از ضیاعان بهیچ وجه دیده نمی شود و از آنجا که احتمال می رفت B (عقد در خانه یا گاراژ)
 زودتر از موقع از کارخانه بیاید (بدلیل قطع برق یا...) و A قبل از آنکه موفق
 شود خود را بکارخانه B برساند و او را خبردار کند B بطرف محل سلامتی خانه حرکت
 کرده باشد عازم محل سلامتی خانه می شود تا در آنجا جله ای که حاکی از بروز
 خطری بکارخانه است بفزاید. اتفاقاً در محل سلامتی خانه C (عقد در گاراژ)

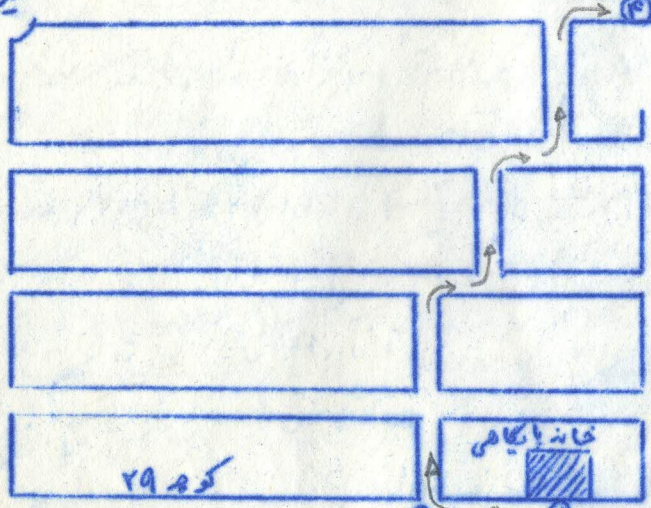


① در ب حیاط کوچک و محل نشستن بازن حاجی
 ② در ب کویچه و محل شیک اولین تیرهوائی

↑ شمال

سیرال هند

قلعه برنج



کوچه ۲۹

خانه پایگاهی

مسکونی خانه پایگاهی

کوچه ۳۰

کوچه ۳۱

میرزا باستان داده شده

- ۱ محل اولین مسجد هوایی
- ۲ محل دومین مسجد هوایی
- ۳ محل سواران باقیین و خارج شدن از منطقه

خط آهن روس (اهواز)

↓ بزرگ پارک قلعه برنج و هوادار

و آنکه او هم بر این یک علامت سلاسی با شما آمده بوده می بیند. موضوع را برابر او
 تعریف می کند و چون احتمال زیاد می رفت که کارت کارخانه B در خانه جا مانده
 باشد و علاوه بر این کار آرم دار کارخانه او و شما نه جعلی مورد استفاده نظمی اش
 در منزل بوده قرار می گزیند که **C** برابر فرید مائیک و زدن علامت کارخانه برود
A فوراً عازم محل کار **B** شده و او را خبر کند تا فوراً از کارخانه خارج شود
 (**A** محل کار و اسم جعلی **B** را می دانسته). وقتی **A** و **B** را در کارخانه می بیند **B**
 می گوید که کارت کارخانه هر اسم است و در خانه جا مانده است... تقریباً که امروز
 را تا آخر وقت کار کنم فردا پس فردا که تعطیل هستیم و روز شنبه برابر تقفید باب
 و ترک عادی کارخانه! کارخانه بیایم!!! اما ملاحظه با اصرار **A** دست از این
 خوش فحاشی خطی کس برداشته و از کارخانه با ساقش یک محل خارج
 می شود (ساعت ۳:۵ بعد از ظهر)

* **C** قریب ۲۰ روز بود که بجمع **A** و **B** و **D** وارد شده بوده و دو هفته ال ۱۱
 شبها در این خانه با یکدیگر بعد از میان می خوابیده ولی چند روزی بوده که خانه
 جدید گرفته بود دیگر با این خانه رفت و آمد نمی کرد لذا **C** قرار نبود بخانه بیاید ولی
 بدلائمی با بیت سلاسی **A** اد آرزو بگیرد.

ضربات و خسارات وارد در این جریان چه بود؟
ضربات بالقوه آن که ممکن بود در این جریان بخوریم چه بود؟

در این جریان اگر خوشبینانه تلفات انسانی بسیار نیامد ولی مدارکی که بدست پلیس افتاد قدری کم بودند که این ضربه را به ضربه شخصی از نوع خود تبدیل می کنند. با مدارکی که بدست دشمن افتاده تقریباً دیگر تا آن زمان در سطح سازمان اطلاعات هم و بالقوه ضربه زنده را باقی مانده بوده تا لورنتس آن کیفیتاً اطلاعات دشمن را در زمینه های سیاسی و استراتژیک دستگذاستی از سازمان ما اضافه نماید. این بخش غیر قابل حیران و مهمتر ضربه بوده است در حالی که علاوه

* "اطلاعات بالقوه ضربه زنده" در مقابل "اطلاعات بالفعل ضربه زنده"

آورده می شود و "اطلاع بالفعل ضربه زنده" در واقع همان رده های شخصی در میان مدارک لورنتس است که با اولین پیگیرها معمولاً پلیسی به تورات و امکان و... سازمان یا ضربه وارد می سازد. در این جریان از این نوع اطلاعات غیر از لباس کار B و شناختن بعضی اش که محل کار او را مشخص می کرد و خوشبینانه با سرعت عمل رفتار بدون به خارج کردن B از کارخانه و پاک کردن این روشها، اطلاع بالفعل ضربه زنده همی بدست دشمن افتاد که عبارت بود از مشخصات تعداد از افراد امکان بالقوه و... که درحقیقت بیفایده است می توانستند مورد استفاده قرار گیرند. ما اطلاعی از پیگردهای پلیسی در این مورد نداریم و نمی دانیم چه ضرباتی از این طریق بخش وارد شده است. اما به حال لورنتس این مشخصات خود بخش همی از ضربه وارده است که می داند. این مشخصات بعد از دفترچه رفتی بوده است که در این خانه نگهداری می گند و ولی توانسته کلیه بخش از این دفترچه را فریبش از ۴ ماه بوده که بی حسرت در کنار سایر مدارک هویت اصلی A در پلاستیکی داخل مدارک توسط او نگهداری می گند و البته ماهها بوده که اعتماداً وجود چنین چیزی را فراموش کرده بوده و نیز ۲ هفته بعد از ضربه و آنهم بطور اتفاقی بیاد آن روز می افتد! که با گیر افتادن این کلیه دشمن می تواند بخش از دفترچه رفتی را باز کند.

بر این مادر این جبران جزوهای زیاد را از دست دادیم که میرال پذیر هستند
ولی جبران آن هفته ها و بلکه ماهها از روی خنده تن از رفتار تکلیفاتی را بخورد
مستعمل می دارد. البته دیوار ضمیمه و غیر قابل عبور بین این دو نوع اطلاعات
و این دو نوع ضربیه (جبران پذیر و جبران ناپذیر) وجود ندارد و در شرایط معین
و متفق بر این دو نوع ضربیه قابل تبییل بلکه برگرداند. در زیر با ذکر لیت مدارک
گیر افتاده یعنی خود تریباً تریب اهمیت ضربیه را که هر مدارک لوزنته می تواند
به سازمان و جنبش وارد آورد این مدارک طبقه بندی شود. البته این طبقه بندی
در رابطه با اطلاعات ما از مدارکی است که تا زمان این ضربیه برابر پلیس فاش
شده و با تطبیق لوزنتن مجدد آن ضربیه بیست و نه می تواند بیاراد. البته در این میان
بطور کلی موارد تاکتیکی را باید استثناء نمود چون اگر چه موردت بی
از یک تاکتیک (مثلاً شیوه جعل معانی) نزد پلیس لوزنته باشد اما تعدد نمودن
گیر افتاده از همان تاکتیک پلیس را در رسیدن به کم و کیف تاکتیک و میزان
مورد استفاده بودن هر تاکتیک کمک می کند و در نتیجه دشمن امکان می یابد که
از نیروها خود بطور آگاهانه تر و موثرتر استفاده نماید.

لیست مدارک لوزنته تریب درجه اهمیت ضربیه ای که هر مدارک
می تواند بزند و خفایاتی که بدنیال دارند *

الف - در رابطه با آفرین نظرات سیاسی - استراتژیک موجود و فقط وقت
آینه سازمان :

۱- دوره کامل نوار مذاکرات سازمان با اشعایون از فدائیان.

۲- در اینجا تذکر این نکته لازمست که ما اطلاعات « بالفعول ضربیه زنده » را لوزنتن
دو مرتبه از نزدیک کلید افشا در این لیت ذکر نمی کنیم چون در محض من بخورد دارد.

۲- قطعه مشترک بعد از این مذکرات .

ب- در رابطه با حداثرین مثل درون تکلیفاتی و اغراض اصلی موجود (اعمال لایبی) :

۱- مجموعه تقریباً کامل مدارک و بویژه جریان اغراضی اعمال طلبنده (مغیر از نامه پنجم کاظم K و نقد سبزه مال بر آن و مقاله "شکست" محمود)

۲- صحتیه / کاظم با رفیق B (در آفرینش خاص در دانه او با B) اطلاعات و تفسیر که او مطلع می‌کند بطور کامل در این نامه منعکس شده (در نامه ها و تحلیله / سبزه مال ۲ این مثل بجز حدس آنجا که ضمیمه اطلاعاتی داشته مطمح زنده بوده . این نامه از نظر تبلیغاتی می‌تواند مورد سوء استفاده دشمن قرار گیرد)

۳- نمودها و نمونه ها / اغراض اعمال طلبنده و ... محمود که در روابط عامه خود با A و B داشته است (نوشته A)

ج- در رابطه با آفرین تا کسب / مورد استفاده بهار جیل و تسمیه مدارک

استثنای و چاپ نشریات و ... :

۱- مدارک هویت جعلی و مورد استفاده فعلی A مثل بلیت کارت کارخانه او (فردی در "زر" وابسته به گروه صنعتی "رنا") ، برگ فایده خدمت ، شناسنامه عکس ها که متعجباً باقی مانده / متنوع ، یک کارت جعلی شرف (لاوان) ، عکس ها از این جهت نیز اهمیت دارند که بلیس تند عکس را شنوئی چندین سال پیش رفیق را داشته و باقی مانده جدید و آن هم متنوع از او عکس نداشته . لوزقن محل کار نیز برخی اطلاعات تبعی برابر دشمن به راه دارد .

۲- لیسانس کار کارخانه B (لیتروئن) که برابر تعمیرخانه آورده بوده (از یک هفته قبل) و بلیس از آن بجهل کار او و ...

۳- شناسنامه جعلی عقلی B .
۴- یک برگ فوق کپی از کواشه همگام لو، پیشینه B که زنده بوده (فردی که کسب کرده)

۵- (با قهول زیاد) تک ششمائی درراطبه با یک برنامه فوار و در دست اجرا مایه
 و... با گرافاد آن اقهلاً پلیس متوجه این برنامه و تاسک لوزنترا که در
 بخشی از این برنامه وجود داشته خواهد شد. با وجود آنکه برای این ششمائی ها
 وقت بسیار صرف شده بوده (حدود ۲-۳ هفته وقت کامل یک عهده)
 اما بدلیل احتیاطات لازمه مجبور شدیم از آنرا چشم پوشیم، برنامه برای مدت
 تعیینی خواهد (به اثرات سیاسی و تقیلاتی تعویق است) هر چه در مورد نظر نیز بود
 و اقهلاً بعد ها نه با صرف مجدد از روز برای ششمائی و پذیرش خطرات
 بیشتر بتوانیم برنامه ششمائی را اجرا کنیم.

۶- یک برگ، فائده خدمت سفید، یک پایال خدمت اصلی، نقد از هر مکانی
 آماده که از روز پایال خدمت اصلی و ششمائی تهیه شده بوده که همه آنها داخل
 یک ششمائی برآورد شده و وارد شدند و آماده جعل بودند.

۷- درراطبه با از دست دادن امکان، دست و ردها، جدا، مدارک
 هویتی... که گاه هم لسنی جبران پذیرند؟

۱- کتابچه رفا ارتباط با خارج. این روزها و مخصوص این سیستم رفر بعد از تلاشها
 ۱۰۱۵ ساله رفق رسول در این زمینه و تکامل سیستم ها... نسبت آماده بوده که
 با گزینی یک سیستم دیگر لسنی و با صرف از روزها بسیار امکان پذیر است.

۲- تخلیه یک با گاه بسیار سنگین بدلیل اقل صغیفی که ممکن بود پلیس از نوارها
 با آن برسد. البته در صورت پیش نیامدن این حادثه نیز در صورت رد کردن نوارها
 با ششمائیون (که قهلاً اینکار هم طبق تقسیم قبلی زمان در دست اینم کردن بود)
 باز مجبور به تخلیه این با گاه بودیم چون هیچگونه اطمینان به آنرا از جهت آنکه نوارها
 نسبت پلیس نیافته است. البته دو باره چنان امکان دارد... و رسیدن
 دو صنفی مانده قبل از ضربت طبق یک برآورد قابل آنکارا بین ۲۰۶۲ تا ۶۰۶۲ وقت کامل دو حضور می گیرد.

۳- یک عدد نامرتب، ۱۴ دانه فشنگ امیلیتی دست ساز (درجه ۲)

۴- حدود ۵۰ عدد از اعلامیه هر روز چاپ شده در فرج مربوط به اعداد ۱۲۱ و ۱۲۲

۵- گواهی نامه اصلی A، دو گواهی نامه اصلی B، سه شناسنامه جعلی قبلی B (با

اسم لوزقند و لوزقند)، کارت جعلی شرکتی B (شرکت لادال) با مشخصات قبلی و

لوزقند اس، کارت کارخانه قبلی B (با نام لوزقند)، ۳ شناسنامه متفرقه قابل

استفاده (سفید و غیر سفید)، ۷ شناسنامه قابل استفاده که داخل پاکت صادر شده

بوده و با نام فرانتیم به هم (جمعا ۱۴ شناسنامه قابل استفاده در این جریان گردشنی استفاده)

۶- یک سری مدارک آموزشی و تئوریک سازمانی نظیر: جلد ۲ و ۳ فنی آثار

لنسن، ۲ نسخه اخلال طلبی لنسن، چه باید کرد، نشر به خط، اعلامیه هر متفرقه،

اصف با پلاطون دلار، گزارشات کارگر جلد ۳

۷- معافی بازاد عکس دار یک رفیق شهید (یا اسیر)

----- ۱

۹- در رابطه با روشن کردن کم و کیف گروه، مؤلفین، ارتباطات، تحت موسسه،

سلاح و موضوع ویرانیک اصف، گروه کارخانه همراه با هماتیک تشکیل دهنده و موسسه

مربوطه که تاکنون درستی از این نوع کمتر دیده بوده، ----- :

۱- گزارشات، نوشته ها، تحلیلها، مدارک استفاده و... مربوط به حدود لا تقوا

اصف و یا کاتبه شخصی در گذشته ها حال در رابطه با گروه بوده اند

۲- روشن کردن کارخانه رقتن و قری محل کار A و B به بار پلیس

۳- نظرات و تحلیلها A و B و اصف در مورد سبب و علل انتشار تریک

۴- جمع بندهای آفرینش گروه

۵- مخفی نامه و مربوط به جمع بندها که در آن کلماتها و حیات

----- ۶

۱۰- در رابطه با شناسنامه سرجمع و دقیق پلیس از انجمنیون در روابط با آنان

۱- نوار مذاکرات و قطعنامه مربوطه

- ۲- نامه آفری سازمان با آنها همراه با فرستادن شناسنامه و... بجز آنجا
- ۳- یک قرارگینی با ماحصله زمانی چند هفته را برای انجمن قبول (البته قرار غیر قابل اجرا بود چون سلسله ای که قرار داده شده بود)

در رابطه با شناخت هر چه بیشتر و جدیدتر روابط ما با فداها و مواضع آینده سازمان در مقابل آنها:

۱- مقدمه انتشار فایده نشریه ویژه کتب ۲ (با احتمال زیاد)

۲- دو نامه مفصل آفری سازمان با نام موزغ دی دهن ۵۵ این سه هفته اگر چه در ماه آگوست انتشار می یابد ولی به حال چند ماه در مطبعه شدن روشن از این مواضع و این روابط برای ضمیمه فواید روشن دارد.

در تحلیل از یک ضربه اگر ما فقط با آن ضربه ای که خوردیم التماس کنیم هنوز ساده از کنار قضیه رد شدیم و هنوز ایجاد واقعی ضربه را ندانستیم در آن کنیم و همین لحاظ در تحلیل صنعتی که موجب بروز آن ضربه شده اند و در نتیجه گیری استیانتیک و یا معنی مان از ضربه و چار آنرا و خوشبختی کلمی نگار جدا نکردن اصل از فرع و... خواهیم شد. لذا در زیر "ضربات بالقوه ای" که احتمال زیاد برای فعل در آن عمل آنها و ایجاد ضربات و فداوات بیشتر می شد ذکر می کنیم:

۱- محتمل ترین ضربه ممکنه، گشته شدن یا مجروح شدن کد به A در هنگام انفجار بود بطوریکه نتواند از منطقه بگریزد که هر فعل به نابودی وی منجر می شود. محتمل ترین گتمن تو قفس و لحظه ای سرعت عمل کمتر کافی بود تا وی قبل از اینکه از آنجا خارج شود و یا فاصله کافی از محل انفجار داشته باشد، نارنجک متفجر شود و فاصله را از دهه صدای عمل چاشنی انفجار خود صدای بالستیک شدید در حدود صدای انفجار

توجه های نوار را ای که بچرخها با آن بازی ممکنه و داخل هفت تیرها مخصوصه
 قرار دهند بوده است. در عین حال جرقه و نوار با در هم از بالا نارنج بیرون
 زده بود که حتی این نوار تو به رفتن را بخود جلب نمکند * اما تا با دور سریع انتقال
 نبودن در چنین مواردی عدم ماطعیت در تعیین گیره... رفتن باعث میگرد که
 او قدری کمک کند و سرعت عمل لازمه را بخرج ندهد بطوریکه می توان حدس قوی زد
 که تا t_1 مانده زمان تا فیر بر این نارنجکها فرصت کافی بوده تا بتوانند
 متوجه واقعه شده و خود را از اطلاق بیرون بیا نندازد. طالب اینجاست که حتی وقتی
 A دالتی بکوف در ب آمان می افتد و سطر راه هرگز نشد تعجب نگاه نمکند تا...؟!
 تا ببینند نارنجک در چه حال است! آیا واقعه دارد متغیر شود یا خیر؟! و... که
 می بیند ضامن کلن نارنجک از بند نه بلند شده که دیگر در اینجا مطمئن می شود چه فرغ
 داده و چه جز در شرف وقوع است. توجه به دلیل در سه ها این استباه
 تا تکنیکی رفتن از فیر همین ممکن العمل فرود و کشند A پس از کشیدن صدای جانش در آن
 روشن میماند که تا چه حد خطر جان خود A را تهدید می کرده.
 ۲- خطو بالقره بعد از گیره فاصل B در این جریان بود زیرا با پس کار کارخانه
 که در همان موقع B در آن مشغول کار بوده بجلا ده هویت جعلی و مورد استفاده
 او در شناسنامه و سند کپی کلام کوه پیسنه) در منزل بوده که احتمال آنکه پس از صحت وقوع
 به توضیح اینکه پس از هر کشیدن ضامن ~~و~~ ابتدا جانشی اتمارت عمل کرده سطله آب
 ماده تا فیر بر این نه که پس از تا فیر t_1 مانده سطله به جانشی اصلی (انقرای) الیده و
 این جانشی ماده متغیره درون پوسته را متغیر می کند.
 * * از نظر تجربی نقل شده عینی عمل کرد جانشی: نوار و صدای آن، بر این ترتیب
 مفید است.

۹۱
حادثه (در ابعاد از هر) تا وقتیکه اواز کارخانه بیرون آمده و سوار بر وسایل شود (در
صدر رینگ A بکارخانه او نمی آید) B طبق معمول است که در کارش تمام شده و با سوار
حرکت کرده بوده) سراسر عمل کار او برود و همانجا دیگرش کند کم نیست * بعلاوه
این احتمال هم وجود داشت که با توجه به ضعف در B و ضعیف شدن او و قوت و قوت
دیو است A بر او اعلاست سلامتی خانه را زده (در صدر رینگ B) آن قوتی می آید
که نمی توانست خود را بجل سلامتی برساند) بخانه برود (ضمن استیفاء فاضل را B
حداقل دو بار انجام داده بوده لذا احتمال ضمن برود و ضعیف شدن آن کم نیست)

۳- خط باله و دیگر گیر اندادن D بود. این احتمال اگر چه بسیار ضعیف می باشد ولی
بهر حال وجود داشت زیرا اعلاست خط خانه می بایست در دو محل زده می شد و می بداند
C تنها خط اول را میزند در حالیکه اگر تا قبل از قرار جمع جمع D با جمع شرایط اضطرار
بر A و پیش می آمد (D عنصر هر چه کرده بود که تنها هفته از روز بخانه می آمده و در این
اواخر نیز به این نام می زدند و وضع تو بهیچ دانی خانه طبق تقسیم جمع دیگر
نمی بایست بال خانه رفت و آمد می کرد) و مجدداً به آمدن بخانه می شد بنا به گفته فاضل
با احتمال بیشتر فقط خط دوم را می زدند و او را داشت نگاه می کرده و نمی می آمده که در

* اینکه پلیس هیچ کسی متوجه عمل کار B نشده و چه وقتی از آنجا سراسر B را زده بر
مار و شن نیست در همین حالت برابر پلیس ای کار را تا ۲ ساعت طول می کشد
ساعت ۱۵ بگذرد آن قوتی یکی او رفتار بعد از آن مقدم می شد که ۲ گشتی را در طاعت
توقف کنار میدان در حالیکه تعداد از سرنشینان هر دو ماشین بیاید شده و در کنار ماشین
مغول صحبت بوده اند می بیند. آراش ظاهر که این نیروها در کسین نبودن آن زمان
می دهد که ظاهر آنست زیادتر نبوده که خبر شده اند و بهر حال هنوز بطور کامل متوقف شده
بودند چه در این صدر است آن تحت پوشش های مناسب و عادی در خانه و کوچه ها اطراف
کسین می کشند تا در صورت دارد که توانا بعد از بخانه متوجه شد که کسینت وضع عمل شده و در ادامه می آید

انصیر است در معرض خط می بوده. علت آنکه C علامت خط دوم را ترده بوده
 آن بود که قبلاً به دلیل نزدیک بودن نیسی محل این علامت بخانه و... صحبت از تعویض
 و لذا این علامت شده بوده و C با شباهت گان برده بوده که این علامت لغو شده
 لذا محل آن از فاطمه نیز محو شده بوده و موقعی که بطور اتفاقی A را در محل
 علامت سلامت خانه می بیند و قرار می شود که C خط را بر نه فقط بطور مبیحی
 وجود یک علامت دوم خط در ذهنش بوده که برابر بر طرف کردن شکست
 موهنوع را از A می پرسد ولی از آنجا که A ضرورت خط زدن را نباید در رابطه با B
 می دانسته و عملاً اصحابی برابر آمدن D می گذارند به C می گوید "هینبار ابرین"
 - است رویه محل خط اول - که در نتیجه C با اطمینان از اینکه خط دومی وجود ندارد
 فقط علامت اول را میزند. چالب اینکه بعدها که با B صحبت کرد وی نه تنها
 زدن خط دوم را تعجب نزدیکی نیسی بخانه و در میبرد گشتی ها بودن! یک
 یک خط ناک می دانسته (علامت دوم روی باجه تلقی در قلعه مرغی بین سرلی
 و خط اول می بود) بلکه زدن خط اول را هم اصولاً زیاد می دانست و همگفت
 خطی را که در محل سلامتی خانه برابر من نوشته بودید چاقی بود!!

تحلیل تائیدی - ایدئولوژی این جامعه و ضرب آورده:

چرا چنین حادثه رخ داد؟ ضعف، اشتباهات و انحرافات وارده A در این جریان چه بود؟ نقش سایر اعضا، گروه چه بود؟ کدام ضعف/جمع باعث گردید که این ضرب به ابعاد چنین گسترده را بخورد بگیرد؟

در تحلیل این ضرب به بطور خلاصه باید گفت که لبرالیزم شدید زمینه سائل امنیتی نظامی

موجود چنین ضرب را و با چنین ابعاد گسترده گردیده است.

لبرالیزم در اشکال مستقیم، عدم احساس مسئولیت، زیر پا گذاشتن ضوابط اولیه سازمانی در زمینه سائل امنیتی و نظامی، رانندگی از زمین تفکر در پی خوددوشی، برخورد خوشحیالیانه غیردقیق غیرقاطع سهلگارانانه و در یک کلام برخورد غیر نظامی با بهره‌ها/تظامی، عدم کنترل متقابل لازم جمعی، ...

این ضعف‌ها هستند که محرک بارز از خود را در این جامعه و بطور کلی در روابط و حوضه سیاست حاکم جوانان گروه دانسته است. البته در این میان ضعف A و B

نقش کاملاً بارز را داشته‌اند. این لبرالیزم در زمینه سائل امنیتی و نظامی می‌تواند و نمی‌تواند از لبرالیزم تشکیلاتی و سیاسی این نظام جدا باشد و نمود بارز از این انحرافات نیز وجود داشته اما از آنجا که موضوع این نشریه پرداختن بخوان ضعف‌ها می‌تواند باشد در این مائده به ضعف‌ها می‌گردد در رابطه با سائل امنیتی و نظامی می‌باشد

می‌پردازیم: **۱** و لیکن مسأله ای که قبل از هر چیز در این حادثه نظر سخن را بخورد جلب میکند چگونگی برخورد A با نارنجک بغداد تک وسیله قطعی آن نظامی می‌باشد بلکه ای که هرگز نه بی مبالای وی دقتی و ... که منجر به محکوم دانسته آن گردید موجب یک جامعه

موجب ضربات کثیفه بیشتر از عملکرد نافوالته (شکلک نافوالته) اصلاح کوی و یا هر المکه دیگر می شود. این مسلم است که هر حال در اثر عمل A روز ناریک در موقع بیرون کشیدن آن از غلاف، اسپیل بوسیله حلقه از جا بر خود بیرون کشیده شده و با رفع این مانع از سر راه وقت ضامن دستی، این المم (ضامن دستی) بلند شده (از بدنه ناریک نافه کرفته) و در نتیجه حالتی التماس عمل کرده که پس از چند ثانیه موجب انفجار ناریک گردیده است. بی دستی و عدم حالت لازم A در فرورد با این المکه خطا نک بوضوح دیده می شود این می بالائی و ... تنها در مورد کشیدن ناریک از غلاف که نسبتی تا نیمه در آن فرورفته بوده می باشد توجه به مقدمات این استباه و فرورد و کارهای قبلی رفیق نیز ابعاد و احوال دیگر از ضعف را نشان می دهند

در شگم بند (کشی) تجزیه ای A چهار محل تقسیم شده بوده: ۱- جای اصلاح کوی ۲- جای یک ختاب اضافه ۳- جای ناریک ۴- جای برانگشنگ / زفره. از آنجا که A و B و C حتماً ۱ المکه داشته و در آنروز المکه و تجزیهات (ناریک یک ختاب اضافه) شگم بند (اضافه) A نرد C بوده از المکه و تجزیهات B استفاده کنه. اما المکه B دارای



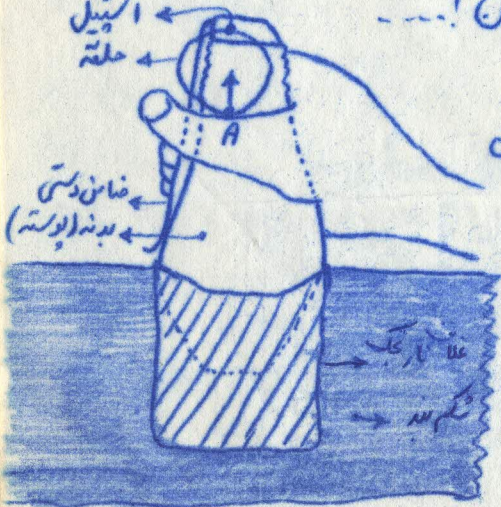
۱ ختاب اضافه بود (شگم اضافه نهالت) که در آنکه هم بصورت داخل یک نایلون پیچیده شده بودند و عرض آن دو برابر عرض یک ختاب شده بوده. چون شگم بند B برابر A مناسب نبوده A که خارج ناریک

از باقیها بوده تصمیم می گیرد المکه و تجزیهات B را در شگم بند خود وارد دهد. در اینجاست ترین کار و طبیعتی ترین کار آن بوده که A المکه و ناریک B را در جا المکه و جا ناریک کش خود نگذارد و دو ختاب بهم پیچیده را باز کرده یکی را داخل جا ختاب کشی خود و دیگر را داخل جا شگم بند اضافه نگذارد. اما A بد لائی که به سبب کار از آن گذشته، بی دستی و ... و در تحلیل نهائی بر فرورد لیبالی او با دیده هکار نظمی بر می گردد می خواهد هر طور شده دو ختاب را در جا صد پیچیده بهم در داخل جای یک ختابی بچسباند! که بعد از دستی کلنبار از سن می شود (جای

خطاب A بر آن یک خط کشد و نسبتاً مناسب بوده ولی هر حال دو خطاب هم در داخل آن جای نمی‌گرفته! پس تقسیم می‌گیرد و کند و خطاب با بهین حدیث در جای نارنج بگذارد و نارنج را در جای خطاب! لکن نارنج را از جای خود در آورده دو خطاب را در جای آن قرار دهد و وقتی که می‌خواسته نارنج را داخل جای خطاب بگذارد می‌بیند سخت داخل می‌شود باقیه از طرفی از نزدیک بر نفسی از نارنج را داخل جای خطاب می‌کند ولی دیگر بیشتر از آن نمی‌شود! که این طریقه هم شکست خورد بر می‌خورد! و می‌خواسته نارنج را از جای خطاب بیرون نکشد که با زور اول نمی‌تواند در همین جای نفس می‌باید هوای خود را در فضا می‌کشد و در مواقع علامت می‌کند نارنج خود را از این فضا می‌خواهد که مناسب با آن هم در دست گردانیم و اوضاع به زور فضا می‌هم ندارد بیرون نکشیم کاملاً وقت می‌کنیم که انگشتان ما با حلقه تماس نداشته باشد اما اگر دارد طریقه بیرون کشیم که امکان دارد آمدن می‌تواند در به حلقه نماند اما A این بار انگشتان خود را در نارنج حلقه زده و با یک فشار ضعیف نارنج را در حلقه تبدیل از آن حلقه نارنج را! از جایش بیرون می‌کشد. در آمدن حلقه و اسپیل مستقل با آن همان و عقبه قضا با بهین! ...

* یادآوری:

A نقطه‌ای من سخت با زیر حلقه است. با نزدیک شدت دور بدنه نارنج نسبت با آن را از نقطه A نیروئی نسبت با بالا به حلقه دارد می‌شود که موجب بیرون کشیدن اسپیل می‌شود.



مخمل‌ترین حالتی که بنظر من آمده آن است که موقع بیرون کشیدن نارنج انگشتان از ضیق مطابق شکل دور نارنج حلقه خود را بدهد و بطوریکه کند و انگشت

←

در اینی مناسب است که ذکر نموده فکر دیگر از پرورد A را با اصلاح ذکر کنیم. هفت روز
قبل از این حادثه منظور منیدون مکانیم دقیق نارنجک دستی و شش قطعات مختلف
سازنده یک نارنجک و اسفنج نیز از معاوت یک اسپیل در موقعیکه ما بخوابیم
از نارنجک استفاده کنیم و قطعه آ را بگیریم، D قطعات مختلف یک نارنجک را از
هم باز نموده و به A و C نشان می‌دهد. D ابتدا گل نارنج را از سر نارنج باز کرده و
سپس مالوره، فایر یک (شکل جاشنی التارت)، ماده فایر و جاشنی انتی که به هم چسبیده اند
ما باز کرده و آنرا کنار هم گذاشته تا از دسترس دور باشد، D دوباره گل نارنج را پیچیده
و بدست A و C می‌دهد تا هر کدام با کشیدن حلقه نیز از معاوت اسپیل را
موقع کشیدن و نبردنی که برابر کشیدن لازم است استعمال کنند که آن نیز از اینک
را می‌کشند. پس C مالوره فایر یک را آورده و D دوباره آنرا سر جلی خود می‌پیچد اما
A در حالیکه هنوز همانجا نشسته بوده بدون آنکه باین سله توجه کند و بدون آنکه لاف
و قی قصد دوباره کشیدن حلقه را در برابر اطمینان یکبار دیگر سوال کند، با
خوشنمایی آن حلقه را در دست می‌گیرد که بکشد !!! که D فوراً دست او را
می‌گیرد و می‌گوید "چکار می‌کنی؟! حواست کجاست؟" فکر نبردی مالوره را دوباره سر
جا بکش و پیچیدم" که A می‌گوید "ا... فکر مالوره را هم سر جاشن گذاشته‌ای؟!
حواستم نبرد... تو چه می‌از این قبیل. هنوز چند دقیقه از این استباه
فاشش نگذاشته بود و در حالیکه A و C و D هنوز دور هم نشسته بودند و در پرورد
نارنجک و... صحبت می‌کردند و B نیز در کنار آن خوابیده بوده، A بر آنکه
← سفت (روایر حلقه در طرف مقابل قرار گرفته باشد شماره انگشت آن ده) زیر حلقه قرار
گرفته و بر قفسه دست بطرف بالا، کف دست و انگشتان بر روی بدنه نارنجک بطرف بالا تفریده
و در نتیجه با فشاری که از زیر حلقه (نقطه A) وارد می‌آید حلقه هم روی بدنه بطرف بالا تفریده
و با دست طقه بطرف بالا اسپیل بدون کشیده شده و حلقه زمین افتاده و...

نارنجک را از نقطه نقطه دیگر (مثلاً نیم متر آن طرف تر) بگذارد آنوقت خود را
 داخل حلقه نارنج کرده و آنرا بلند کند و گویی دارد با اسباب بازی را و مثلاً
 "یویو" بازی می کند آنرا حرکت می دهد که در حالیکه C و D از این محل او می کشند
 و ... بزرگ بودند فوراً نارنجک را از دستش می گیرند و D با او هم می دهد :

" این المک بسیار خطرناک است ، بنظر می رسد تو بزودی در خود آن نثار
 این کشیده بزود تو بسیار خطرناک است ، از این بپره و قوی خواست جمع

منبت و تمرکز فکر نثار جمع وجه بنارنجک دست ترن "
 راستی اگر A لحظه از تقصیر کرد و زودتر از این امکان را می که آنکه منبت حلقه
 کشیده شود بر او می توانست لغت کند چه فایده ای را فرغ می داد احتمال گفته
 شدن م عجز ، لوزن تمام مدارک و ... اما چو چنین تقصیر و چنین امکانی نهضن A
 خطر نمی کند ؟ این با مصطلح "خوشنیمالی" او "طیح" و "روضا" می که ام "عحق" و

" زیر نیا" می باشد ؟ می شک خوشنیمالی نمی تواند موجود این خوشنیمالی باشد
 اصلاً در تمام این تحلیل ما هر جا اسمی از "خوشنیمالی" می بریم است ، نه مابه شکل "بروز
 این لیرالسیم است و هرگز "خوشنیمالی" را بنیوان یک "صفت مستقل خود" یک مقوله
 مجرد و یک رشته اغزان نمی بینیم . خوشنیمالی همواره ، رونبا و شکل ظاهر یک
 زیر نیا و یک صفت پایه دیگر می باشد که در تحلیل ما در مورد مشقی که آنرا
 برای می کنیم (صفت A و همچنین B) این خوشنیمالی ظاهر لیرالسیم A در بنیاد
 یک معنی - نظامی است . می شک این لیرالسیم از عدم احساس سویبت
 هر دو لیرالسیم و ایند و مقوله آنقدر هم نزدیک و در هم تقویر متقابل دارند که
 همواره یکی حاوی مقدار معینی از دیگری می باشد و وجود یکی دلیل بر وجود
 دیگری است .

دومین ساله آیکه در جریان این ضربه بچشم می خورد و هنگام آن بچشمی و بکلیت به
 توان گفت تنها نمی تواند تمام ابعاد ضعف اصلی را با نشان دهد ساله مدارک
 است : چرا باید اصولاً این تعداد مدارک درجه اول در یک جا جمع کرد ؟ آیا
 وجود تمام مدارک موجوده با یکگاه احتیاج مانده بود ؟ چرا تو با همگونی
 پیش بینی برای مواقع اضطرار / مواقع ضربیه / روزانه / سریع / تخلیه سریع با یکگاه
 ... نده بوده ؟ کدام ضعف هر یک از اعضاء کرده و هر یک چه
 میزانی در وجود آمدن چنین وضعی در بروز ضعیف استباهاتی و نهایتاً در گسترده شدن
 ابعاد ضربه موثر بود ؟

در این هیچ شکلی نیست که ابعاد ضربه کاملاً متناسب با کیفیت و کمیت مدارک و
 اطلاعات لورفته می باشد این را می توان بر ارضی با نگاهی به بیت مدارک
 لورفته دریافت. پس در مورد مدارک باید تکیه و موطنی بیشتر کرد.
 وجود بخشی از این مدارک مخصوصاً بخش حساس از آنها از لحاظ اطلاعاتی
 اصولاً نمی مورد بوده و می بایست یا از بین می رفتند و یا بجای دیگر منتقل می شدند
 اهم این مدارک عبارت بودند از :

۱- کلیه یک روز پیش از ۴ ماه بوده که نزد A باقی مانده بوده و او بکلی وجود
 چنین چیزی را فراموش کرده بوده. چرا که از این قوا بوده که در او فراموشی که فراموشی
 شماره ۱ (مجموع) هنوز در زمان فعالیت می کرد و تحول جمع A و B بوده سازنا
 یک سری از یک کلیه مخصوصاً باز کردن آن روزه ها را به او می دهد تا بیک
 کلیه روزه ها را باز کرده و با امکان بالقوه ، افراد ... که در این روزه ها آمده
 است در صورت امکان در دسترس بودن آنها و در صورت ضرورت در دسترس

بمورد کنونی گیر لازم را نباید دلا فاعله روزه کلیه ها را از بین ببرد. اما محمود

آنچنانکه از هر انحلال طلب خائنی چون او انتظار می رود با انفعال در بعضی مسائل موسی
کامل با این قضیه بر فرورد کرده از سرگیری و برای رفع تکلیف ظاهر از فرود کلیه ها
به A و B می دهد تا خود بازگردد و ببینند چه موضعی درون آن نوشته و خودشان
بر فرورد لازم را بکنند !! و البته حضرت آقا را هم در جریان بگذارند! A و B فرود کلیه ها
را می گیرند مقدار از آن را بازمی کشند رستی از اطلاعات موجود ناقص و عملاً بر اساس
بلا استفاده بوده (البته نه برای طریقی!) و منی دیگر هم که قابل استفاده بوده به دلیل
بلا تکلیفی A و B و مستحق نکردن بر نامه را بر فرورد با آن از طرف سولا محمود
این از ق مکتوب و معطل می ماند که می کشند لذا در جمله بعد موضوع را به محمود می گویند و
هم می گذرید بسیار خوب فرود کلیه را انگارید تا من از زفا پیر سم که باید با این چکار کرد!
در حالیکه خود با اصطلاح عقود کزیت اجائی بوده و در مورد این از هم توضیحات کافی
با و داده شده بوده که بعد از آن ها ک ویت گرس از انا من تا موقع فرارش همان
تا A و B نه در آن نه تی که محمود هنوز مسؤل بوده و نه بعد از رفتن او با ابط یا
مسؤل بعد از نگاه موضوع را می گیر نمی کشند و منی یک سوال ساده هم نمی کشند و بدینصورت با
بن اساس موسی کامل نسبت به کسانی که بجای است آن در این رفتار آمده
بوده نسبت به امکانات بالقوه مختلف جنسی نسبت به کار که بعد از آن گذاشته
شده بوده و... بجای جنسی از فرورد نامه را فراموش می کشند. فرار محمود و روشن
شدن مواضع انحلال طلبانه، حیانتکارانه و بی احساس موسی ها، انفعال ها
ویت گرس از آن ها و... لبر الیسی او از طرف سولا محمود برابر A و B نیز با
همی کرد که این رفتار نسبت به کار مسؤل گفته شد من با اندازه کافی وقت کرده
و مایک دارسی محبّه و تقادانه تمام حرکات و فرورده ها و... او را در کل کلیه
چه در انصورت من این مورد نسبتاً هم از فرورد ها غیر مسؤلانه و انفعالی و...
محمود را بخاطر آوردند و در نتیجه موضوع نگذار از فرود کلیه نه نه شدن آن به موقع می کشند

A و B حتی در همان اولی که این رفز و کلید دستن بوده و موضوع هفتز "تازه" و سطح بوده

اتمام لازم را بر حفظ آنها بخرج نمی دهند * رفز نزد B و کلید نزد A بوده ولی ایند

رفتی همراه محموله دستن خود مدتی در کنار هم بوده اند !! بهر حال این واموشی ادا شده است

و تها ۱۰ - ۱۵ روز بعد از واقعه انفجار بود که بطور اتفاقی در جریان صحبتی متفرقه در مورد

سپهر رفز و ... با یکی از رفقا، وجود کلیدی در میان مدارک او رفقه بیاد A می افتد *

تکلیف این کلید دشمن می تواند بخشی از دفترچه رفز را که همراه مدارک دیگر گیر افتاده باز

کند و در نتیجه از شئی از امکانات بالقوه و وا فزاد ... که نوعی می توانستند مورد

استفاده جنبشی قرار گیرند مطلع گردد.

آقا در مورد دفترچه رفز: دفترچه مذکور در فوق بطور موقتی در این خانه پنهان شده بود.

واژه هفته قبل قرار بوده که B آنرا بگیرد و دیگر از کلید زینجا بعد از صحبت و

* این رفقا می توانستند رفز و کلید را در محل جداگانه و در دو نقطه امن (مثلا در خارج دیوار)

خارج از محل سکونت پنهان کنند و در توهم عمل آنها را با تها تها در دست زدیم هر کدام تها تها آنرا در

* * اینکه ^{رفقا} واضحی (یا زینقی) استولی که در جریان دادن رفز و کلید مذکور به محمود بوده

درستی که محمود هفتز قرار نگرفته بوده و یا بعد از آن و اما موقع هفتز (حدود سه ماه)

سوال می گیریم که در مورد سر نزشت محمد آن رفها تها تها اند می استناداتی بآنها

نیز وارد می شوند که باید خود این رفقا مسلما در آروشن گفته البته این استناد را باید مشروط

دید، مشروط به بیابارگر رفتار با وسایل حادثی که چه در او افر قابلیت محمود

و چه مخفی در بعد از فرار او و زینگر بیابانگیز زینال و در درج اول همین رفتار مسل

بوده منجمله همین دلیل تا حدی (حدود یکماه) سازمان نتوانسته بود استناد می

قطعی A و B و رسول جدید آنها را تعیین کند.

تقسیم همی این A و B و D قرار شده بوده که چون کسی که کلیه رزقها در دست او بوده،
 در ارتباط با این فایده بوده و هر صورت احتمال دارد در صورت وقوع یک ضربه و تبخیر دشمن
 هم بدو فروهم به کلیه دسترس پیدا کند، برای امنیت بیشتر B این دفتر میرا بکس دیگر
 رد کند و او که غالب اوقات را هم در خانه اش می ماند در فضات A و B که بکار می رود
 و می تواند در صورت پیش آمدن خطر فوراً مدارک را از بین ببرد، از این دفتر نگه دار کند
 ولی بدلیل همان انفعال و عدم احساس مسئولیت و عدم پیگیری کار B اینکار درست
 نگردد پس اینده افتد.

۲- یک شناسائی در رابطه با یک برنامه فوراً در دست اجرا می آید. نگه دار این
 شناسائی نزد A ۲-۳ هفته بود که دیگر زانده بوده و می بایست سوزانده می شد.
 حتی در تفصیله که به هیئتته قبل از ضربه از مدارک خود نموده بود، آنرا فرو پاکت
 سوزانده می ماند و در تالسوزانده می این پاکت همچنان تا روز ضربه باقی مانده بوده.

۳- نوشته تدوین B در مورد صحبتی که با او پاکت پس این نوشته رد شده بوده
 ولی بر اساس مطالعه چو کند پس آنرا نگاه داشته بوده ولی بعد از خواندن از این نمی برد
 که اینهم داخل پاکت سوزانده می شود، پس به دست پلیس می افتد.

۴- یک برگ فتوکپی گواهی عدم سوء پیشینه B که کاملاً زانده بوده و اصل در دست
 دفتر نمی بایست باقی ماند چون حتی بعد از گذشتن در کارخانه جدید هم می خورد و اگر
 افتادن آن اطلاعات پلیس را از آن کسی که ما بستی کند.

شناسنامه جعلی فعلی B که می بایست همراه خودش باشد و نگهدارنده
 لباس کار آرام دار کارخانه B . این لباس را برای تغییر مجامه آورده بوده در
 حالیکه در حال کارخانه می توانسته و می بایست با بردن کوزل و نخ تغییر کند اما بعد از
 تغییر لباس حدوداً تکلیف شده بوده که این لباس کار در منزل مانده بوده که پلیس با گذرگاه
 با این لباس مخفی می که در کند پس شناسنامه جعلی B که با همان نام در کارخانه نگه می کرد
 قرار داشته باشد، حتماً و ضعیف سریع مجمل کار او می رود. اصلاً منظور امنیت B

با گذاردن این از کارخانه خود در خانه دیگر احتیاجی بگرفتن سلاخی خانه فلانکه
 از کارخانه به خانه برهنه داشته؟! فکر بلیس نمی تواند او را در همان محل کارش
 دستگیر کند؟! این خوشبختی B و عدم امس من مونس در حفظ خود بخوبی نگردد بود
 که حق موقعی که A به کارخانه او می رود و از او می خواهد که فوراً لباسش را بپوشد و
 با او در دل بهانه از کارخانه خارج شود او ساده لوحانه می گوید آفر اینطور که نمی شود
 بیرون آید! او روز آقا فوقت کاری می کند و پس فردا هم که تعطیل هستیم، سینه را
 از دیگر! برار تقصیر صاب و ترک عادی! کارخانه دیگر خانه می آیم!!

B شناسنامه جعلی قبلی اش را (لورفته و لورفته) همراه یک کارت شناسائی شری
 جعلی را با مشخصات قبلی لورفته که در نتیجه کارت دیگر بلا استفاده خواهد بود) و کارت
 کارخانه قبلی اش را همچنان مایل نگه داشته کرده بوده (گویا قصد تکثیر و تکثیر
 مدارک هویتی داشته است!) در حالیکه می بایست شناسنامه ها و کارت ها و مدارک
 لورفته را یا معدوم نماید و یا در صورت امکان اسم و مشخصات آنرا پاک کرده و یا
 استفاده مجدد خود یا سایرین آماده سازد و پس آنرا همراه شناسنامه قابل
 استفاده دیگر از خانه خارج کرده و در محل آبی نگه داشته کند.

۵- یک فاعله خدمت سفید رنگ فاعله خدمت اصلی و یک شناسنامه و مهر کالکی و...
 که چند روز بوده که آنرا بیار جعل آماده کرده بوده که بدلیل برقراردت فعلی و
 مس مس کار او در حالیکه خود تقریباً همچون کارت شناسائی جعلی نداشته آنرا
 درست نمی کند و یا بعد از رفتن از این خانه با خود نمی برد تا نزد خودش باشد قاف
 با لاف و بیست بلیس می افند.

۶- اینها نیست عمده مدارک اضافه ای بودمانند که اصولاً یا می بایست قبلاً از
 بین برده می شدند و یا بیار دیگر منتقل می کردند که جمع این مدارک اضافه ای بعد از
 باطلی گشته می کند. آنها در صورت مادره خانه یا جاهای همواره می مدارک اطلاعات
 در به اول فراهم داشت که ضرورت نگه دار آن بیار و وجود در زندانهای بایست

فکر ضوابط و دستم مطمئن باشیم که حتی الامکان مانع گشتن این مدارک به دست دشمن
 باشند. برای این منظور ضوابط مستحق در زمان ما وجود داشته است اما
 متأسفانه این ضوابط در این گروه رعایت نشده بودند. مدارک نوزادنی از مدارک
 غیر نوزادنی میباشد جدا می بودند و در ظرف مناسبی (معمولاً قنادیا کلسن استفاده
 می کردند تا موقع سوزاندن هوا از زیر باکس بلند و به زیر سوزاند) گذاشته می شوند
 که در شمار آن ظرفی از ناپالم (تینیل + یونولیت + تیرین) و کبریت باید آماده می بود
 ولی در این وضع چگونه بود؟! : کویب یکماه و شش بوده که A و B خانه یا گاه
 را آتش کرده بودند اما در این مدت مدارک انبره بصورت نسبتاً آتشد بیرون
 می گویند در صحنه بیرون بیرون مدارک نوزادنی ها از قبیل داخل یک جردان معمولی رنجبه
 شده بود که آتشد و صحت هم داخل همین جردان گذاشته شده و در واقع کسی
 خانه نبوده یعنی بیشتر از اوقات که هر دو فریق سرکار بودند، جردان نیز بواسطه نقل محرک
 خودش (که با هر کلید چوانی و حتی با نیناق یا ف ردت می توان نقل آنرا باز کرد) بسته
 می گشت. در این مورد بی شک اشتباه نموده A و B بر می گردوزیر اینها باقی اصل
 عالی و دائمی خانه بودند. D نیز در روز آخر هفته را نجات آنها می آید و
 عبدال مهال پیش آنها هم ماند و حتی القدر بعضی می گشته رفت و آمد و مانند
 او از دید صاحبخانه و متعجب برین قسمتی بماند. C نیز نتواند و هفته بوده که مجمع
 A و B و D پیوسته بوده و بطریق مناسب بودن خانه یا گاه هم کار اصلی او شده
 هر چه تردد تر خانه از جمله و انتقال از قادیان خانه بود است. تا تکلیف اول
 تنی است و بهر دو کسی از رفت و آمد (بب فرابیدن) C مطلع بوده و تازه بعد از
 این تکلیف بوده که مجله مورد نظر بعضا ضحانه گفته شد و دیگر او را عبدال مهال و
 ما میل A می شناسند. بد نصیرت C و D خود مستقلاً امکان فریاد و صدا
 آتشد تیرین و تینیل و یونولیت و آکسیژن و ... برانداخته و نه می توانستند از A و B

بخزاعند که این کار را انجام دهند. ولی C و D نیز بر خورد می گیرند (لازم است) و در این مورد
 نمی روند. D تویاً و هر یک در این زمینه تلفت بوده. C در اولین روزها و ورودش بخانه C
 عدم وجود ناوالم و جدا نکردن مدارک سوزاندنی می شود و در این باره علت را از A و B
 می پرسند و بر این تفسیر ناوالم و جدا کردن مدارک C و اصولاً تقصیر مدارک و نوشتن ها
 C آن تذکر می دهد که بهمن خاطر بالا فر A مدارک و نوشتن ها خود را تقصیر کرده
 و مدارک زیاد را این را در پاکت سوزاندنی ها می گذارد (البته غیر از آن کلیه افر
 که چون داخل طاق مدارک هویتی بوده متوجه آن نمی شود). در افرها کفر یکبار
 C مدارک سوزاندنی ایا غیر سوزاندنی جدا کرده و در ماهی تابه A داخل چیدان
 می گذارد اما این کار او گوی از دید B (و A) زیاد بوده است! چون همان شب
 هنگام تک B با محله می فوالت لباس بیوشد و عازم افر قرار می شود و بکار بیدارگی
 مدارکی که نیاز داشت تمام مدارک چیدان و ماهی تابه را بهم زد بطوریکه تا حدود
 زیاد مدارک مخلوط شدند و در روزها که A و B سبب نمی در خانه بودند با بهم ریختن هر چه
 بیشتر تقسیم شد مدارک داخل چیدان دیگر در بین سوزاندنی و غیر سوزاندنی باقی
 نمانده بود. C با وجود متعهد و توجه به این احتمال امنیتی (ندردن ناوالم و جدا
 نکردن مدارک) ابر حال بیگانه ای که در تحلیل نهائی به انفعال و خود ادرستن کرده حسن
 نکردن بر صحت است. بر خورد دیگر ایند لازم را نمی کنند بطوریکه تا تذکرات و فوالت
 او از A و B به نتیجه نمی دخی خود خرید. بالذات از می بگیر بر ندارد.
 اینکه که ششای C و D و می گیری C در بر خورد و مبارزه با لیبیرالسم امنیتی - نظامی
 A و B عملاً تا چه اندازه می توانست مفید باشد و آیا اصولاً در عرض ۲-۳ هفته
 A و B تا چه اندازه تغییر کرده و اصلاح کردند و نتیجه علم این تغییر در هوگی از این
 ضربه و هوگی بگیر از گذشتن ابعاد این ضربه چه بوده یک ساله است و خود را ^{ضربه} گوش
 C و D بر اصلاح و منع مسکن دیگر. با توجه دقیق تر و بیشتری به عمق لیبیرالسم

۱۰۸
A و B و C و D و E و F و G و H و I و J و K و L و M و N و O و P و Q و R و S و T و U و V و W و X و Y و Z و ...

می توان دریافت که بیشترین بی گیری C و D نیز می تواند مانع از وجود آرد این ضرب شود حتی در کم کردن ابعاد ضرب نیز تا نجات کمی داشت ولی اگر مانع از دراز مدت نگاه کنیم بی گیری کافی C و D در بر فروردین ماه است - نظای A و B و ... تا سیخ قابل توجهی همراه خواهد داشت - بار دوم در این بیشتر موضوع می توان مشاهده کرد که از گذشته نیز الیه است - نظای روشنی می باشد ... B و D ذکر کرد:

۱- A و B در یک دوران که بار اولین بار در دو ترش ل کارخانه می رسیدند اصولاً بیستی برابر گرفتن و دادن سلامتی خانه (خانه قبلی شان) همانا یک از کارخانه بخانه بر می گشتند نه آنگونه و هر دو ترش ل اول اطلاع از سلامت خانه (مثلاً بر بنفیرت که بیکتر اول بخانه برود و سلامتی را بار اول خودم نبرد) بآنها وارد می گزیند در حالیکه در همان موقع تمام رفتار که در واقع است می بودند عنوا بط سلامتی گرفتن و دادن خانه را رعایت می کردند این زماناً با موضوعی نمی کردند که گویا کسی که کارخانه می رود دیگر خطی متوجه خانه اش نیست و ...!

۲- در مدت یک ماه که با این خانه یا یک ماه آمده بودند (قبل از آمدن C با این خانه) هنوز محل سلامتی مناسبی برابر این خانه تهیه نشده بوده بطاوه سطح مطمئن و مناسب هم برای مواقع خطا تخلیف و وصل مجدد زرقار باقی نمانده و چگونه حد اکثر از تخلیف بی مورد ... وجود نداشته - مثلاً محل خطی دوم نسبتاً بخانه نزدیک بوده و با اینها هم نزدیک - همان عنوا بط و ابراده شده بین A و B در مورد خانه نیز دست رعایت نمی کرده فنی السلد و بار B بدون گرفتن سلامتی خانه که می بایست A بار اول می زد و حتی یکبار با وجود دیدن علامت رفت A دیگر شرط علامت برگشت او زنده بخانه می رود -

۳- A و B مدارک و اسلحه ها را در حدانی که فقط یک فعل چیدانی است و ساده داشت نگهداری می کردند در حالیکه یک فعل و بیت حکم می تواند در مواردی که کسی در خانه نیت مفید واقع شود از جمله برابر محافظت از کجکاو و بی ادبی می باشد ...

یا مستاجرین و یا نقیص ساده آگاه می‌ها و یا از رویا... و معمولاً در خانه‌ها
یا از جایی که اتفاقاً می‌شود (برابر السمه مخفی) و یا از چهره‌ای با صفت و سبب حکم
D در روزها که اولی که بجمع A و B وارد شده بود، ضرورت سابقین یک جانگزی را
بر او وارد دل السمه دارد و واقعاً کسی در خانه نیت و هر دو رفتن سر کار شده و
فرید یک چندان حکم عمومی را مطرح می‌کند و A و B می‌بینند که اینکار را بکنند
ولی بعد از یکی دو هفته که با وجود آنکه D کار در این مورد نکرده بودند با لاف و موعظ
سابقین جانگزی منتفی شده و در یک جمع غیر ضروری می‌دانند بشرط آنکه چندان فرید شود
اما بدلیل انفعال این رفتار و عدم احساس مسولیت لازم تا ایام بعد نیز با لاف و چهره‌ای
۵- یکبار که A و B و C و D برابر کار خارج شراکت بودند B برابر کنکله خرید می‌شود
یک میوه از درختی شروع به پریدن هوا می‌کند در حالیکه نارنجک او در کمر بند چهره‌ای
سپل و در حال افتادن بود. D با دیدن وضع نارنجک و سبب B هدایت می‌دهد که
(بیایه بیایه...) ولی B می‌توجه به این اختلافاها بعد از ۴ بار هوا پریدن با لاف و
نارنجک از گوش روی زمین می‌افتد در حالیکه D - عمدتاً نظیر یک خانواده برابر نارنجک
نشسته بودند. خوشبختانه کسی متوجه نارنجک نمی‌شود و B آنرا فرود می‌گذارد که فرود
می‌گذارد. A و C و D که از این ~~موقع~~ بی‌فایده‌ها و باز بگوش‌ها غیر مسولانه B
ناراحت شده بودند باو انتقاد می‌کنند که چرا حالت را جمع نمی‌کنی و... D می‌گوید من
۴ بار تنگتیم بیایه بیایه... ولی تو هیچ توجهی هم نکردی ما نمی‌کنی. جالب اینی بود که
بیکار آنکه B از این اشتباه فاحش خود متنبه شد فوراً در صد توصیه‌ها کار بیایه
و بالجنی کاملاً صد می‌گفت "تخمیر! تو سه بار گفتی بیایه بار گفتی" !!!

۶- A و B با بر خوردن روغن فکانه و غیرتوده از خود با صاحب خانه دست‌چینی
توانسته بودند در واقع خواهسته بودند در صد لازم با آن بچوسند از آن اطلاعات
اولیه لازم را به دست آورند، حمله‌ها خود را با تکرار و تکبیر متوقف و... در ضمن آن‌ها
بیا نوازند و فاصله با پوستی با محیط خود را در محل جابجا نوازند. فی‌السنه آن‌ها با آن

تنها متاجر آن که در آفاق مجاورش بوده (دفتر حاجی و شورش) و در مدت ۱۰ ماه
 مابیت دیگر تجری با آن دوست شده و جوش می خوردند تا که کلام و عینیت قتل
 و خالی دانسته اند در حالیکه او عنصر ز قلمش بوده و در صد خود آدمی اهل معاشرت
 و تقبل معروف "بجوش" بود. A و B حتی از این بیاطب نیز قدری گرفتار
 داشتند و حتی B به بانه شلوغ بودن صیاط و بودن زن و دختر در صیاط
 چندین بار در راه آفاق و در ظرفی که بیچاره حاجت C و D تهیه شده بود
 (چون آنها تخمینه رفت و آمد می کردند و در چند روزی که موقتاً آنجا بودند قرار
 شده بود که حتی القدر در وجودش در خانه کتبه محسوس باشد) ارفع حاجت
 عذره بود!! این اتفاق بعد از یک ماه هفت روز شغل تمام متاجری (۸-۹ متاجر)
 انهم دانستند و حتی تمام آنها را نیز می شناسند و وقتی که C هنگام ورود نماند
 جدید از متاجری و شغل آنها و... از A سوال کرد و دانستند و آنجا مجال ضمن
 اطلاعاتی را بدست می آورده اند A با تعجب می پرسد "آفرینید ما شغل همکاران
 را بدانیم؟" مجموعی بر فرودها را در دستگیرانه A و B و عدم جوش با اهل خانه
 و جانداختن مناسب خود در خانه و رفت و آمد هر یک به محقق و... طبقاً باعث
 کجکاو و مشکوکانه از در صواب خانه و متاجر می بود پس شده بوده. این مشکوکیت صحت
 و در محقق از بیگانه و عدم توجه و محل لازم و مناسب برای رفت و آمد C بخانه و
 کجکاو مانند صبح ناشیب او در خانه باعث شده وقتی C نه دور از صبح تا غروب در
 خانه مانده بوده صافیتی نه با او مشکوک شود. او در صحبت به B می گوید "آن سیر
 خانه مال C - میکاره است؟ هر اس در خانه است... کتاب می خواند و... نلند
 فرار از فرار اخبار... بله؟ البته من نمی گانم مطمن می دانم کارگرید نکارت
 کارخانه مال راه هم اول دیده ام اما... در حالیکه او کلمات کارخانه را از رفتن دانسته
 و ندیده بوده بعد از کسی C را در حال مطالعه کتاب ندیده بوده البته او سابقه
 ذهنی از آن دستگیر کتب و کسای اهل مطالعه که در همان کوفه می گویند دانسته دارا بود.

نتیجه گیری و کسب تجربه از این ضربه:

این واقعه تقریباً هیچگونه تجربه جدیدی از لحاظ تاکتیکی برابر زمان سپهر ندارد
هر فرضی نباشد با کمی دقت می تواند بشود که آنطور ماف روی احتیاط بیرون
کشیدن نارنجک چه عواقبی می تواند داشته باشد، اینکه باید مدارک سوزاننده را
از مدارک غیر سوزاننده جدا ساخت و یا ناپالم و وسیله آتش زدن مدارک در
مواقع اضطرار را آماده داشت تجربه جدید نیست! ضابطه ای بوده که
رعایت نکردن آن تعجب آورده است، اینکه مدارک اضافی مخصوص مدارک درجه
اول را نباید جمع نمود و باید مرتب مدارک سوزاننده خود را تقصیه نموده و
زیادتی ها را از بین برد نیز حرف تازه نیست، اینکه ردی از محل کار خود را خانه
نباید داشت، اینکه نسبت به نگهداری یک دفترچه رمز یا کلید که یا محفوظ
بماداده می شود باید احساس مسولیت و حساسیت ویژه را داشته باشیم و مسلماً
آزاد فارغ خانه و در جبار این بنیان کنیم (البته محل آنرا چندین بار باید ببینند) ، اینکه
باید نسبت به سرفروخت امکانات امنیتی و غیره قبضی احساس مسولیت کرد
و ... **هیچکدام** تجربه برابر جدیدی نمی تواند باشد این سائل مخصوصاً بارز نقاشی که
در سطح مسول فعالیت می کرده می بایست سائل پیش پا افتاده و از در روشن تر
باشد. حالاً این سوال پیش می آید که آیا این ضربه هم هیچ تجربه ای رو هیچ
نتیجه گیری برابر ایجاد کرده، برابر رفتار دیگر و برابر زمان ندارد؟ خیر اینطور نیست
معتبرین نتیجه گرفت که از این ضربه باید گرفت:

« تا کیلو بیشتر و هر چه بیشتر بر مبارزه با لیبیا لیبیم امنیتی نظامی در سطح زمان می باشد
و از آنجا که هرگونه لیبیا لیبیم از بالا نگاه هر طبقه یا قشری که باشد، در این وسط از صحت
خوبش که بود و از لیبیا لیبیم در عدد و دست گرفتن رهبر ضعیف و نیروها سرودن و استفاده از

نیروها را آن در جهت منافع طبقاتی خود می یابند و در این مرحله از صحت سازمان ما
 که گرایش بورژوازیسم و لیبرالیسم اغراف اصلی و خطرناک در اول تکمیل می آید تا آنکه
 در واقع آب به آ سیاب بورژوازیسم لیبرال ریختن است به این مبارزه با لیبرالیسم
انسانی نظامی دقیقاً محض مبارزه با اغراف بورژوازیسم لیبرالی در پهنه نل انسانی
 و نظامی می باشد. مادریک مرحله ضربات ششی از انحلال طبقات فرار این کنترل و بنیم
بورژوازیسم لیبرال در درون سازمان خود می و هفتاد هم تبا یا فرا بکار آید در درون
 ر شده و حیات سالم سازمان بر دلش ما بچشم می خورد لذا این وظیفه مردم تمام وقت
 که با هوشیار و احساس مسئولیت بر دلش کافی و با افزودن به آگاهی و دانش
 ما کسبی - نشستی خود در جستجوی هر گد نه نظامی اغراف لیبرالی در برابری خود و در
 سازمان باشیم و بی رحمانه با آن مبارزه کنیم *

یکی از نظامات گرایش لیبرالی را ما در مورد همین گروه تحت مسئولیت وزارت راه
 یعنی جمع A و B می بینیم ما این اغراف را در پهنه نل انسانی - نظامی جنبه یکدیگر تحلیل
 اید و لوله یک - تا کتلی ضربات قهار نارنجک و بوطمی شود بر روی سر می کردیم. در واقع
لیبرالیسم A و B ماصد و نسبتاً زیاد تحت تاثیر آموزش و در واقع به آموزش
 محمود بوده است. محمود یعنی آن یک عاملی خارجی نقص زیاد در درگاه گرایش
لیبرالی درونی A و B داشته است و دقیقاً همین لیبرالیسم بوده که منجر به واقعه
 انفجار و گسترش ابعاد ضرس ضربه را گشته است. در واقع لیبرالیسم رده انسانی -
 نظامی این نظام ضربه خوردن باید برابر ما تعجب آور باشد. تحلیل این ضربه بار
 دیگر این نظر را که "آشوب مبارزه اید و لوله یک در درون سازمانی در تمام
 ابعادش تنها ضامن اجبار تجاری است که در خلال پانگلی فوشن کسب کرده ایم" *

* ← معنی بعد

* در اینجا لیبرال دیگر توجه رفتار ما به محمول "فراخوان" و وظایفی که در آن بر ما گذارده
 سازمانی تعیین شده جلب می کنیم.

تا بیدار کند . تا کیه بیشتر در چه بیشتر بر بارز به بالید الیسیم اینست نیک در طبع زک
 این عمل ترین و بلکه تنها نتیجه گیر از شنیدن است که می توان و با بیدار این فزیه
 گرفت . در زیر منظور تا کیه بیشتر بجا از ضوابط اینست و نظایر و تجاری که از
 گذشته داشته و یکبار دیگر بجا بی عدم اجزا آنرا در واقع فزیه فزیه بر دردم
 اهتم این ضوابط و تجارب را می آوریم تا اگر در گوشه و کنار زبانی هفتاد باشند اتفاقا
 یا گروه های که آنرا اجزای گفته که فزیه بیکدیگر قابل حمل است چون اگر چه اشتباهات
 در این مورد بسیار خاص بوده ولی سبب غیر قابل عبور از این زبانی و این گوشه
 از این زمان را از سر گرفته آن جدا می کند (مؤلفانه در رفع این اشتباهات و
 زبانی بگویند:

- ۱- هر گوی از جمع شدن مدارک زانده مخفیون مدارک درجه اول و کوزانه می در خانه:
- الف - تصفیه مرتب و دوره هر (هر هفته و یا هر دو هفته یکبار) تمام یاد
 دانشهای شخصی، مدارک اخفاده (باز سوزن)، تحلیل، انتقادات ...
- ب - خواندن مدارک و جزوات کوزانه زنی و درجه اول (نسخه نشریات اینست -
 نظایر!) و از بین بردن یا در کردن آنها در اسرع وقت .
- ج - از بین بردن مدارک هویت قبلی و بدون استفاده (مخفیون اگر آن اسم و
 مستندات کورفته و باشد) و یا پاک کردن ~~مشخصات~~ آن (ماتنه شناسنامه
 یا معانی) تا با استفاده فقه خود یاد نگار آن آماده باشد .
- د - کتابها و جزوات معمولی و شوریک و ... را تنها به آن اندازه که در یک نامه
 نزدیک می توانیم و فرصت مطالعه اش را داریم در خانه نگاهدار شود . این نامه
 *** : نقل از "تحلیل هنر با سال ۵۵" که در همین شماره نشریه آمده است . در
 اینی تو صدم می شود که زفا یکبار دیگر بخش "برفورد اثر نزدیک با تا کیه
 دشمن" را از این تحلیل بخوانند .

زمانی مشروط به صلاحتها و احوال آنها (مثلا انبار) می باشد.

- ۲- هیچگونه ردی از کارخانه یا محل کار ما (مانند کارت شناسایی، قبضه، شماره فروردی) بر اثر رفتن که بکار می روند نباید در منزل بماند.
- ۳- شناسنامه و مدارک هویتی جعلی مورد استفاده فعلی ما (شناسنامه، گذرنامه، معافیت، کارت شرکت، ...) تماما باید به اداره همراهان بماند تا در صورت ضرورت به ضرورت یا بنگاه برداشتی در هنگامی که ما خارج از پایگاه هستیم شناسنامه جعلی ما و خود و مدارک اینها را در مفاصل قوی قرار بگیریم
- ۴- نگذاشتن عکس در خانه مخصوص بر اثر رفتن که هفت روز پس از آنها عکسهای جدید و یا بهر دو برابر شناسایی شدن در دست ندارد.
- ۵- داشتن نام و یک بسته مطمئن بر اثر شناسایی مدارک لغزانی در مواقع اضطرار *
- ۶- جدا بودن ظرف و محل لغزانی ها از مدارک.
- ۷- جدا بودن محل اسلحه و مهمات از مدارک و وسایلیت و در دسترس بودن آنها.
- ۸- داشتن بسته کامل و مطمئن برای مواقع اضطرار از هزینه آتلیه، وصل مجرب، در اکثر محلها که از آتلیه می سودد، فقط ... در کنترل دقیق و زیر این بسته که مطمئن است.
- ۹- داشتن جاساز مناسب مدارک و ... بر اثر رفتن که بکار می روند (مخصوصا برای اسلحه).
- ۱۰- به نارتیک بی حمت نباید دست زد یا آنها باز و بسته کرد در مواقع ضروری اگر هم که بخوابیم نارتیک را از علاف بیرون بکشیم باید بگونه ای کردن نارتیک را گرفت و کشید که در صورت لغزیدن آنها در روز بدنه نیروی به قطع و وارید آنها.

بود در این مورد به راهنمایی و تجربیات تکلیفی و دستور العملی که در باره بسته مطمئن لغزانی مدارک در همین نشریه آمده و مطالعه شود.

